

اورارتو

بوریس ب . پیوتر ووسکی



ترجمہ: رشید برناک



اور مو کیتابخاناسی

اورارتو

بوریس ب. پیوترووسکی

ترجمه:

رشید برناک

• پالو واک

• سفاک

• وحشت

• شاد

• پالو

• پالو

• پالو

• پالو

• پالو

پیاتروفسکی، باریس باریوویچ، ۱۹۰۸-۱۹۹۰.

Piotrovsky, Boris Borisovich

اورارتو / بوریس ب. پیوترووسکی؛ ترجمه رشید
برناک. - تهران: اندیشه نو، ۱۳۸۱.
۱۲۷ ص.: مصور، جدول، نمونه.

ISBN : 964-6741-42-8

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
عنوان اصلی: Ourartou.

۱. ایران -- تاریخ -- اورارتو. الف. برناک، رشید،
۱۳۲۶-، مترجم. ب. عنوان.

۹۵۵/۰۱۲۴

DSR ۱۸۸ / پ ۹ الف ۸

۱۳۸۱

۸۱-۳۴۵۹۹ م

کتابخانه ملی ایران

شابک: ۹۶۴-۶۷۴۱-۴۲-۸

ISBN: 964-6741-42-8

- نام کتاب : اورارتو
- مؤلف : بوریس ب. پیوترووسکی
- مترجم : رشید برناک
- ناشر : اندیشه نو
- چاپ : دلارنگ
- نوبت چاپ : اول
- تیراژ : ۲۰۰۰ جلد
- مرکز پخش : اندیشه نو

تهران - میدان انقلاب - اول کارگر شمالی - پاساژ فیروز نشر اندیشه نو

تلفن: ۶۴۲۷۳۷۱

فهرست مطالب

سخن مترجم.....	یک
پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۳

I

کشف دوباره اورارتو.....	۵
از گزارش خورناتسی تا سفر شولز.....	۵
اولین دست آوردهای موزه‌ها.....	۸
حفاریهای قاچاق.....	۹
آغاز باستانشناسی در اورارتوی مرکزی.....	۱۱
کاوش در ارمنستان.....	۱۴
تحقیقات اخیر در ترکیه.....	۱۸
نتیجه کلی (بیلان).....	۲۱

II

مسئله اصیلت‌ها.....	۲۳
تمدنهای اولیه در ارمنستان.....	۲۳
اوروآتری و نایری در هزاره دوم ق.م.....	۲۵
لشکرکشی‌های سلیماناسر سوم و درهای بالافات.....	۲۸
دولت اورارتوئی در قرن نهم ق.م.....	۳۱
توسعه و ترقی اورارتو.....	۳۳

III

۳۵	تاریخ و باستانشناسی
۳۵	در زمان اولین پادشاهان کبیر
۳۹	اربونی و آرگیشتی خینیلی
۴۳	قدرت اورارتو و قدرت آشور در قرن هشتم ق.م.
۴۶	کتیبه‌ها و سازندگی‌های دوران سلطنت روسا اول
۴۹	بایگانی‌های سرویس سرّی آشور
۵۲	لشکرکشی سارگون بنا بر متن مهم لوور
۵۶	آثار هنری اورارتو مشروح در غارت سارگون
۶۱	اصلاحات در زمان سلطنت ارگیشتی دوم و یافته‌های آلتین تپه
۶۴	مشکلات آشور و نقش روسا دوم
۶۸	فعالیت سازندگی در اورارتو در قرن هفتم ق.م.

IV

۷۱	شهر خداوند تی شبا: تی شبایینی (کارمیر - بلور)
۷۱	محوطه و حفاری
۷۴	کارگاه‌ها و انبارها
۷۷	نام دژ
۷۸	چهارپایان قربانی و چهارپایان دامی
۸۱	مدارک مکتوب و کتیبه‌های یافت شده بر حسب اتفاق
۸۵	کشفیات گوناگون
۸۷	تأثیرات دریافتی
۸۹	ساختار شهری
۹۰	انهدام تی شبایینی
۹۲	نتیجه‌گیری

سخنی از مترجم

در زنجیره تاریخ منطقه جنوب قفقاز حلقه مفقوده‌ای وجود داشت که تا یک قرن پیش کسی را تقریباً اطلاعی از آن نبود. این حلقه مفقوده چیزی جز سرزمین فدراتیو پهنور اورارتو با وسعتی در حدود سیصد هزار کیلومتر مربع در اوایل هزاره اول قبل از میلاد، که شامل آذربایجان، ارمنستان امروزی و شرق ترکیه فعلی می‌شد، نبود.

مردمان این سرزمین پهنور را ایلاتی تشکیل می‌دادند که از نظر نژاد، زبان و فرهنگ نه آریایی بودند و نه سامی. براساس آنچه که از منابع مکتوب و آثار بجا مانده استنباط می‌شود، این مردمان بسیار سخت‌کوش و از یک تمدن والایی برخوردار بودند. بطوریکه در کشاورزی، سیستم آبیاری، دامپروری، صنعت ذوب فلزات و فلزکاری در منطقه خاورمیانه آن زمان از سرآمدهای تأثیرگذار متقابل بر روی تمدن‌های دیگر ملل، از جمله مادها و پارس‌ها می‌شدند، که آثار بجا مانده از آنها گواه آن است.

نکته قابل ذکر در اینجا این است که کشور امروزی ارمنستان بخشی از سرزمین اورارتوی باستانی است که پس از حمله آشوری‌ها به این سرزمین و تضعیف اورارتو، آرامنه آریایی با استفاده از فرصت و مهاجرت‌های خود به این بخش از سرزمین اورارتو آنجا را به تصرف درآورده و در آنجا ساکن شدند. آنها فقط زبان ارمنی خود را جایگزین زبان ایلات اورارتویی کرده و فرهنگ اورارتویی را که از یک تمدن غنی برخوردار بود برای خود فرهنگ نمودند. اصلیت ایلات اورارتو از همان ایلات میتانی و هوریت بود که در ۲۶۰۰ ق.م. در مناطق جنوب قفقاز زندگی می‌کردند و زبانشان هم الصاقی بود.

به هر تقدیر، این حلقه مفقوده پس از سالها تلاش، کاوش، مطالعه و بررسی یافته‌های قابل باستانشناسی توسط محققین و دانشمندان علوم باستانشناسی و تاریخ از تاریکی چندین هزار ساله خارج و به زنجیره تاریخ تمدن کشورمان پیوست.

کتاب حاضر تألیفی است از پروفیسور بوریس پیوتروفسکی، استاد باستانشناسی و تاریخ که خود مسئول موزه لنینگراد بود، و در حفاریهای متعددی در محوطه‌های باستانی اورارتویی شرکت کرده و حضور فعالی در کاوش و بررسی یافته‌های اورارتویی داشت. در نتیجه، از این رو بود که با جمع‌آوری اسناد و مدارک بسیار خود و دیگران دست به تدوین این اثر ارزشمند زد که موجب شناخت ما از اورارتوها، با قرارگیری در مکان واقعی خود، یعنی تاریخ کشورمان، شد.

پیش از این، بودند کسانی که سعی در وارونه‌گویی و کتمان وجود اورارتوها به عنوان مردمان متمدن غیرآریایی و غیرسامی در گذشته‌های دور در جنوب قفقاز و خاورمیانه داشتند و از آنجایی که داشتن آگاهی‌های تاریخی و فرهنگی هر جامعه از ضرورت‌های حیات اجتماعی آن جامعه می‌باشد اقدام به ترجمه و نشر این اثر ارزشمند شد.

در خاتمه لازم به یادآوری است که این تألیف به بررسی و مطالعه بخشی از سرزمین اورارتویی، یعنی ارمنستان امروزی و شرق ترکیه فعلی می‌پردازد. شایان ذکر است که از زمان تدوین این تألیف تا به امروز کاوش‌ها و مطالعات در زمینه اورارتوها همچنان ادامه داشته و حتی در آذربایجان هم این مطالعات منجر به یافته‌های جدید و مثمر ثمری شده‌اند و امید است که در آینده با جمع‌آوری تمامی اسناد و مدارک موجود درباره اورارتوها کتاب دیگری از کل سرزمین اورارتو به رشته تحریر درآمده و به چاپ برسد. در اینجا ادب ایجاب می‌کند که از خانم ملیحه علی به خاطر زحماتشان در تایپ و صفحه‌بندی‌های این ترجمه و همچنین سایر دوستان مشوق تشکر کنم.

رشید برناک

۱۳۸۲

پیشگفتار

این جلد از مجموعه آرگئولوژیاموندی Archeologia Mundi اختصاص دارد به اورارتو. در زمینه وسیعی که امروزه علم باستانشناسی نام دارد، اورارتو ایالتی است نسبتاً جدید. اهمیت تاریخی پادشاهی وان^(۱)، در نیمه اول آخرین هزاره قبل از میلاد، کاملاً فراموش شده بود تا اینکه گزارشات یک سیاح و هنر اصیل بعضی از آثار فلزی یافت شده توسط حفاران قاچاق توجه‌ها را به ناحیه ارمنستان جلب کرد. در مجموع به سختی بیش از سی سال نیست که اکتشافات، که به روش اصولی به اجرا در آمده‌اند، اجازه بررسی، تعیین و تکمیل منابع آشوری را با افزودن بعضی متون کتیبه‌ای جدید و از زیر خاک خارج شدن آثار تمدن اورارتوئی در محوطه باستانی استحکامات قدیمی که اغلب به طور شگفت‌انگیزی محفوظ مانده‌اند را می‌دهند.

لیکن برای منظور تحقیقاتمان درباره ظواهر گوناگون باستانشناسی در عرصه جهانی، این مورد بسیار مستحق توجه جداگانه می‌بود.

درباره اسلوبی که مسائل اش خود به خود مطرح شده‌اند و در مورد اسلوبی که مسائل اش، نه بدون روش آزمایش و خطا و بدون تردید، ابتدا درک، سپس به نتیجه رسیده‌اند، قبل از قرارگیری در مناظر و مزایای صحیح تاریخ تمدنهای خاورمیانه، مؤلف این کتاب اشارات آموزنده‌ای را آماده کرده است.

با وجود این، از نقطه نظر روش‌ها، سودمند خواهد بود که در اینجا اصلاحات و اضافاتی را که کتیبه‌های اورارتوئی وارد سالنامه‌های آشوری می‌کنند مورد توجه قرار دهیم، که از آنجمله‌اند اشیاء یافت شده اصلی که معرف داده‌های مادی باستانشناسی‌اند

زندگی اجتماعی و اقتصادی، دربارهٔ تماسهای فرهنگی و آنچه که کاملتر می‌دانیم از خود حفريات بدست می‌آید.

نتایج کشفیات باستانشناسی البته، برای یک بخش وسیع، در نهایت بستگی به شرایط کمابیش یافته‌های مناسب در محوطه‌های باستانی دارد. همانطور هم بستگی به انتخاب فنون مناسب، سختی تحقیقات و درستی استنتاج‌ها دارد. در این رابطه، حفرياتی چون کارمیر - بلور مثال مفیدی را عرضه می‌کند، و بی‌چون و چرا یک قدم بسوی این «بازگشت کامل گذشته» را که برای میشل^(۱) یک ایده‌آل و برای هر یک از ماها یک رویا می‌باشد بیان می‌کند.

مخصوصاً باید از آقای بوریس ب. پیوتروفسکی^(۲) سپاسگزار بود که به کمک متون خود یک چنین مجموعه‌ای از اسناد را که از میان خزائن موزه دیدنی که خود آنرا اداره می‌کند یا از موزه تاریخ اروان^(۳) (ایروان) به عاریه گرفته بوجود آورده است.

1- Michelet.

2- Boris B. Piotrovsky.

3- Erevan.

مقدمه

زمانه همیشه موافق برخورد یکسان با پادشاهی‌های گذشته نیست. شهرت بعضی از آنها قرن‌ها طی طریق کرده است؛ انسانها یاد خوشنامی پادشاهانشان، کارهای برجسته و فتوحاتشان را پاس داشته‌اند؛ بناهایشان ادامه حیات داده و معماریهایشان شناخته شده‌اند. وقایع تاریخی شان ابتدا به طور شفاهی از نسلی به نسلی دیگر انتقال یافته سپس به بسیاری از زبانها نسخه‌برداری مجدد گردیده و توسط تاریخ‌نگاران باستان مکتوب شده‌اند. از آن جمله بودند مصر، بابل، آشور، یونان، روم و دیگر دولت‌های عهد قدیم. بر عکس، گاهی اتفاق می‌افتد که یک کشوری، که یک دوره با عظمتی را بخود دیده، زوال یافته و به فراموشی کامل سپرده می‌شود؛ زمان کارهای برجسته بزرگان‌شان و نیز آثاری را که قرن‌ها محفوظ داشته‌اند به مردمان دیگر، حتی گاهی به رقبای خاصشان واگذار می‌کند، و این می‌رود که برای قرن‌ها از خاطره انسانها محو شود. این چنین شد سرنوشت اورارتو. یک پادشاهی‌ای که در ناحیه کوهستانی دریاچه وان، در سرزمین ترکیه فعلی متولد شد، که دولتی قدرتمند در آسیای صغیر بین قرون نهم تا هفتم ق.م. بود. سپس در آغاز قرن ششم پادشاهی اورارتو سرنگون شد و خیلی سریع در گردبادی که بوجود آورنده مللی جدید و پادشاهی‌های جدید در سرزمینی که به اورارتو تعلق داشته بود، به فراموشی سپرده شد.

1- Khorenatsi

2- Schulz

3- Arzai

4- Armenia

5- Kourian

6- Meise Khorenatsi

کشف دوباره اورارتو

I

از گزارش خورناتسی^(۱) تا سفر شولز^(۲)

اورارتو طی سه قرن برای آشور دشمن ترسناکی بود. اگرچه اورارتوئی ها دوبار مغلوب شدند، چندین بار ارباب میدان شده و در واقع فقط برای چندین دهه، درست است، پس از نابودی رقبای آشوری اشان، به حیات خود ادامه دادند. لیکن آیندگان با بازماندگان اورارتو بدرفتاری کردند. کتاب تورات نامش را به شکل تحریف شده «آارات»^(۳)، که در تعبیر لاتینی «آرمینیا» شد^(۴)، ثبت کرده است. زمانی که علمای دینی یهودی متون تورات را هجی می کردند، آنها حرف صدا دار «آ» را به کلماتی که نمی شناختند افزودند، بطوریکه «اورارتو» شد «آارات» و این فقط در طی همین سالهای اخیر است که دست نوشته های کومران^(۵) در سواحل دریای مرده شکلی از اسم با نیمه - صدا دار W (دبلیو) را در هجای اول به ما داده اند.

با یک منظور وارونه گوئی شیطانی نسبت به سرنوشت، سنت شفاهی و نیز مورخین قرون وسطی آثار اورارتوئی را به حساب آشوریه ها گذاشته اند. از آن جمله موسی خورناتسی^(۶)، مورخ ارمنی قرن پنجم، احداث شهر بزرگی که هنوز خرابه های آن بر

1- Khorenatsi.

2- Schulz.

3- Ararat.

4- Armenia.

5- Koumran.

6- Moise Khorenatsi.

روی دشت صخره‌ای بالای دریاچه وان برپا می‌باشد به ملکه آشوری سمیرامیس^(۱) نسبت داده است. او نقل می‌کند که ملکه دستور آوردن ۱۲۰۰۰ کارگر و ۶۰۰۰ صنعتکار ماهر را از آشور و سرزمینهای که به او خراج می‌پرداختند داده بود، و «... ظرف چندین سال یک مجموعه خارق‌العاده‌ای با دیوارهای غیرقابل نفوذ با درهای مفرغی احداث کرد. در داخل شهر دستور ساختن تعداد زیادی عمارت سنگی با شکوه و با رنگهای گوناگون، در دو یا سه طبقه، گاهی آراسته به بالکنهایی را داد. او به شهر یک نقشه هوشمندانه، با خیابانهای عریض و زیبا داد... او در اطراف شهر، در شرق، شمال و در جنوب مزارع، باغستانها و بیشه‌زارهای انبوه احداث کرد، او باغهایی مملو از گل و تاک بوجود آورد. او همچنین وسائل زیبایی وارد شهر نمود و در آنجا عده زیادی را ساکن کرد. اما بناهای باشکوه بالای شهر غیرقابل ورود برای شهروندان معمولی بود و آنها را نباید شرح داد. ملکه دیوارهایی بدور رأس شهر کشیده بود تا کسی نتواند به آنجا نفوذ کند و او در آنجا یک قصر سلطنتی، یک مسکن اسرار و ترس، احداث کرد. در سمت شرق، جائیکه خاک بقدری سفت است که حتی آهن هم آنرا خراش نمی‌دهد، او قصرهای متعددی با اتاقهای خواب، اتاقهای جواهرات، دالانهای طویل و... در صخره احداث کرد. او روی تمامی عرض سرایشی کناره دریاچه، انگار با یک خنجر بر روی موم، تصاویری به تعداد زیاد کنده کاری نمود. دید ساده این سرایشی کناره دریاچه بیننده را در شگفتیها فرو می‌برد. اما این تمامی نیست؛ چون در چندین نقطه از آرمنیا، ملکه سمیرامیس ستونهای حکاکی شده با همان مشخصات احداث نمود».

این حکایت و نام ملکه آشور سام مورامات^(۲) (۸۱۲-۸۰۳ ق.م.) توجه شرق‌شناسان را به خود جلب کرد، بویژه در عصری که باستانشناس جوان اف. ای. شولز^(۳) که توسط انجمن آسیائی فرانسه در سال ۱۸۲۷ به ترکیه اعزام شد، خرابه‌هایی را شرح می‌دهد که در ساحل شرقی دریاچه وان یافته بود. در اینجا تشابهات عجیبی بین حکایت موسی

1- Semiranis.

2- Sammouramat.

3- F. E. Schulz.

خورناتسی و نوشته‌های شولز وجود داشت. بر روی ارتفاعات سرایشی کنار دریاچه آنطوری که مورخ قرون وسطی توضیح داده بود، خرابه‌های یک حصار ساخته شده از بلوکهای زیادی همزمان با دیوارهای دژ ترکی متأخر یافت شد. شولز توضیح مفصلی از دالانهای کنده شده در صخره را می‌دهد که در داخل قلعه پیدا کرد و از کتیبه‌های تصویری حکاکی شده بر روی سرایشی کنار (دریاچه) و گاه‌آوردی دالانها کپی برداری کرد. او همچنین بلوکهای بزرگی یافت که از حصار قدیمی آورده شده بودند که کتیبه‌های مشابهی داشتند، و نوعی مجرای بزرگ نیز منسوب به ملکه سمیرامیس، که جهت تهیه آب آشامیدنی و آب آبیاری منظور شده بود. در کناره‌های این کانال، او کتیبه‌های مصوری پیدا کرد و بعد از نیم قرن، پس از رمزگشائی آنها بود که نام واقعی سازنده آشکار شد، که مربوط به پادشاه اورارتو منوا^(۱) (۸۱۰ - ۷۸۱ ق.م.) بود، که در واقع بر ملکه سام‌مورامات پیروز شده بود؛ لیکن این پیروزی در حکایت پرده پوشی شده بود.

کشته شدن شولز در منطقه کوهستانی کولامرک^(۲) برای مدت زمانی نامحدود این کار مملو از انتظارات را قطع کرد. مدارکی که او در سال ۱۸۲۸ به پاریس فرستاده بود در سال ۱۸۴۰ انتشار یافتند. در میان آنها کپی‌های دقیقی از ۴۲ کتیبه به خط میخی و تشریحاتی از آثار حکاکی شده در صخره وان و نیز تعدادی قلعه وجود داشت.

پس از مرگ شولز، کار باستانشناسی برای چندین سال در وان قطع شد. یافته‌های باشکوه سال ۱۸۴۰ در آشور مرکزی - حفاری قصر سارگون در خورس آباد^(۳) و کاخ آشور بانی پال در نیمرو^(۴) - توجه باستانشناسان را به بین‌النهرین^(۵) جلب کرد. رمزگشائی خط میخی آشوری اجازه رمزگشائی کتیبه‌های وان را داد، ولی این تحقیقات در انزوا و بدون بهره‌گیری کار بر روی زمین ادامه یافت. باستانشناسان نیز بلافاصله جای

1- Menoua.

2- Coulamerk.

3- Khorsabad.

4- Nimroud.

5- Mésopotamie.

خود را در وان به شکارچیان گنج دادند.

اولین دست آوردهای موزه‌ها

تعدادی از عتیقه‌جات که در وان توسط حفاران غیرمجاز استخراج شده بودند کم‌کم از طریق راههای مخفی و دزدکی وارد موزه‌ها و کلسیون‌های شخصی شدند. موزه استانبول نیز دو دسته دیگ از جنس مفرغ به شکل تمثال زنهای بالدار را که در صورت نوشته‌ها بعنوان آورده از وان قید شده بود تصاحب کرد. چندین سال پیش در سال ۱۸۵۹، موزه ارمتیاز^(۱) در سنت پترزبورگ^(۲)، یک دسته دیگ مشابه (تصویر ۱۰۳ و ۱۰۵) همزمان با یک کله کوچک گاونر (تصویر ۱۰۸) و قطعات یراق آلات اسب از جنس مفرغ (تکه شاخه‌های دهنه اسب و زنگوله) (تصویر ۷۶ و ۷۷) خریداری کرد. این اشیاء از روستائیان گردی بدست آمده بود که آنها را در گوری صخره‌ای در مرز ایران نزدیک پست آلیشار^(۳) یافته بودند. مسئول موزه ارمتیاز این دست آوردها را بعنوان محصولات تولیدی هنر ساسانی ثبت کرد، چونکه طبیعتاً از هنر اورارتوئی سر در نمی‌آورد. او نمی‌توانست حدس بزند که ۹۵ سال بعد زیر قسست زنگ‌زده یکی از زنگوله‌ها نوشته‌ای به خط میخی خوانده خواهد شد که نام پادشاه اورارتو، آرگیشتی^(۴) پسر منوآ، را بدهد: وانگهی اگر هم نوشته را می‌دید، نمی‌توانست آنرا بخواند. پادشاهی اورارتو در یک فراموشی کامل فرورفته بود، اگرچه در سالنامه‌های آشوری اشاراتی به اعزام‌هایی به مناطق کوهستانی شمال علیه دشمنانی با نامهای گوناگون از جمله پادشاهان اورارتو شده بود.

با این حال، کتیبه‌های کپی برداری شده توسط شولز کم‌کم در کنار هم قرار داده شدند و آنگاه ورود به این سرزمین فراموش شده و اسرارآمیز برای دانشمندان ممکن گردید.

1- Ermitage.

2- Saint - Petersbourg.

3- Alishar.

4- Argishti.

در سال ۱۸۷۱، در تفلیس م. بروست^(۱) شرقشناس در یک مقاله‌ای درباره دو مجسمه بالدار وان در موزه استانبول منسوبیت آنها را به هنر بیزانس رد کرد و آنها را آشوری فرض نمود. در همان زمان دو نامه منتشر کرد، یکی از مورخ بزرگ روس و.و. ستاسوف^(۲) و دیگری از شرقشناس مشهور فرانسوی پروست دولونگ پرییر^(۳). ستاسوف اهمیت مجسمه‌ها را واقعیت بخشید که به نظرش نباید نه به تمدن آریائی نه به تمدن سامی مربوط کرد، بلکه به یک نوع سوم تمدن آسیای مقدم مربوط است (او فرهنگهای هورریت^(۴) و هیتیت^(۵) را، که در آنزمان هنوز ناشناخته بودند معرفی کرد). لونگ پرییر یادآور می‌شود که باید مقبولترین شباهتها را با این مجسمه‌ها در هنر بابلی‌ها جستجو کرد؛ او پیشنهاد کرد که این می‌تواند کار هنری اورارتوئی‌ها باشد، مردمی اشاره شده در کتیبه‌های به خط میخی آشوری و تأیید شده توسط هرودوت در لیست مردم گوناگون قشون خشایار تحت نام آلارودی‌ها.^(۶)

بدینسان در سال ۱۸۷۱، به دنبال این اولین شناسائی، سرزمین اورارتو که به مدت طولانی کاملاً فراموش شده بود شروع به خروج از تاریکی نمود. با این حال اشیاء اورارتوئی هنوز برای سالیان دراز بعنوان هنر آشوری تلقی شده و در موزه‌ها در سالن‌های مربوط به آشور به نمایش گذاشته می‌شدند.

حفاریهای قاچاق

در حدود سالهای ۱۸۷۵ - ۱۸۸۰ تعداد اشیاء بدست آمده از وان بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت و شکارچیان گنج دیدند که کارشان رونق گرفته، بویژه در محل توپراک کالا^(۷) (توسط محلی‌ها به نام زیم‌زیم ماغارا نامیده می‌شود). تحقیقاتی که

1- Brosset.

2- V. V. Stasov.

3- Prévost de Longpérier.

4- Hourrit.

5- Hittite.

6- Alarodiens.

7- Toprakkale.

ار. دی. بارنت و من خودم، در بایگانی‌های موزه‌های لندن و لنینگراد انجام دادیم، اطلاعات جالبی درباره مسیرهای طی شده توسط اشیاء قابل باستانشناسی از وان جهت رسیدن به موزه‌های اروپا داده‌اند. یک نامه ارسالی توسط ساکنی از منطقه به پروفیسور پاتکانو^(۱) از دانشگاه سنت پترزبورگ مثال جالبی از آن را ارائه می‌کند. این نامه پیشنهاد خرید چندین شیء عتیقه را می‌دهد که، بدنبال آن، توسط موزه بریتانیا کسب شد، بدین مضمون: «عتیقه جاتی در اختیار من می‌باشند که در نزدیکی آی‌گستان^(۲) در خرابه‌های قلعه زیم - زیم ماگارا^(۳) یافت شده‌اند.... قبلاً در این خرابه‌ها تعداد زیادی اشیاء زیبا که در میان آنها یک تخت طلائی کاملاً پوشیده از نوشته‌های به خط میخی یافت شده‌اند؛ ولی متأسف هستم که بگویم پس از برگشتن از اروپا شنیدم که نابود شده است». اگرچه امضای نامه غیرقابل تشخیص بود، بارنت نشان داد که بدون هیچ شک ممکن صاحب امضاء سدراک دوگانتس^(۴) (ارمنی) است که یکسال بعد در اتریش اشیائی را به معرض فروش گذاشت که قبلاً در نامه پیشنهاد کرده بود. همچنین بطور منطقی می‌توان فرض کرد که، سدراک دوگانتس همان ارمنی بوده که در کنستانتینوپل^(۵)، در سال ۱۸۷۷ «چندین شیء عتیقه آشوری وان» را برای موزه بریتانیا به هانری لایارد^(۶) فروخت که در میان آنان دو مجسمه بدست آمده از تخت سلطنتی، یکی بشکل گاونر بالدار خوابیده، دیگری بشکل گاونر بالدار ایستاده با مجسمه نیم تنه و سر انسان، وجود داشت.

بین سالهای ۱۸۷۷ و ۱۸۸۵، بعضی از موزه‌ها (موزه بریتانیا، لوور، موزه برلین، موزه ارمیتاژ) و نیز کلسیون‌های شخصی دوازده مجسمه مفرغی بدست آوردند که حیوانات تخیلی را نشان می‌دادند، که با یک ورقه طلا پوشیده و مزین به سنگهای قیمتی بودند، گاهی هم با سر کاملاً از جنس سنگ قیمتی. یک شیر بالدار که قسمت جلوی آن به شکل انسان می‌باشد یکی از جالبترین نوع است (تصویر ۱۰۱). این مجسمه هنوز آثار پوشش

1- Patkanov.

2- Aygestan.

3- Zim - Zim Magara.

4- Sedrak Devgants.

5- Constantionople.

6- Henry Layard.

طلائی خود را حفظ کرده؛ صورت از یک سنگ سفید تراشیده شده و چشمان مرصع را با سنگهای الوان نشان می‌دهد؛ این مجسمه در یک وضعیت بسیار عالی حفظ شده است. مجسمه مورد بحث توسط موزه ارمیتاژ در سال ۱۸۸۲ خریداری شده بود، ولی نامه‌های نگهداری شده در اسناد لندنی آشکار می‌کنند که آنرا قبلاً به موزه بریتانیا پیشنهاد کرده بوده‌اند.

این مجسمه‌های بالدار شیرو گاونر، که گاهی دارای نیم تنه انسان هستند بعنوان مرکوب به خداوندان خدمت می‌کنند، بدون شک از تخت سلطنتی ذکر شده در نامه دوگاتس بدست آمده‌اند. طلا و سنگهایی که آنرا زینت می‌بخشیدند می‌بایست یک تأثیر خیره‌کننده خشنی را تداعی کنند؛ حیوانات تخیلی با قیافه‌های ترسناک اختصاص به الهام از نوعی ماوراء طبیعت به تمامی آنهاییکه نزدیک می‌شدند داده شده بودند و در عین حال، جهت دورکردن نیروهای شر از پادشاه نشسته بر تخت سلطنت. متأسفانه، مجسمه‌های باقیمانده اجازه بازسازی قانع‌کننده تخت سلطنتی را نمی‌دهند: ممکن است، راستش را بگوئیم، آنها متعلق به دو تخت سلطنتی بوده‌اند نه فقط به یکی.

آغاز باستانشناسی در اورارتوی مرکزی

اشیاء یافت شده توسط شکارچیان گنج در وان تولد اولین کار باستانشناسی واقعی در این محوطه باستانی می‌باشد. در سال ۱۸۷۷، هانری لایارد^(۱)، ابتدا پس از مطالعه اشیاء هنری اورارتوئی در کنستانتینوپل، منشی خود، هرموزد رسان^(۲)، را به وان فرستاد. رسان در حفاریهای قصر آشوریا همکاری کرده بود و نامش با بسیاری از کشفیات تأثیرگذار پیوستگی داشت. وی در نینوا حفاریهای پنهانی را در منطقه اختصاصی هیئت فرانسوی تمرین کرده بود و در کاخ آشور بانی پال یک اتاق خارق‌العاده‌ای با صحنه‌هایی از شکار شیر را کشف کرد؛ وی همچنین دومین بخش از کتابخانه مشهور سلطنتی مملو از لوحه‌های گلی با کتیبه‌های به خط میخی یافت. بعداً، در خرابه‌های کاخ سلیماناسر

1- Henry Layard.

2- Hormuzd Rassan.

سوم^(۱)، بر روی کوه بالوات^(۲)، درهای شگفت‌انگیزی را آشکار کرد، که منقش به صحنه‌های لشکرکشیهای نظامی سلماناسر و بویژه جنگهایش علیه پادشاهی اورارتو، با نمایش دژهای اورارتوئی، صحنه‌های نبرد و قربانی‌هایی در سواحل دریاچه وان بود.

در سالهای ۸۰-۱۸۷۹ یک هیئت از موزه بریتانیا حفاریهایی تحت رهبری معاون کنسولی بریتانیا در وان، کاپیتان کلیتون^(۳)، در توپراک کالا انجام داد. هرموزد رَسّان و یک فرستاده آمریکائی، دکتر رینولدز^(۴) نیز جزو حفاران بودند. با این حال، محوطه باستانی به انتظارات آنها جواب نداد. آنها خرابه‌های معبدی را آشکار کردند که از بلوکهای رنگ روشن و بلوکهای رنگ تیره و با دقت ساخته و تهیه شده بودند، تکه‌های سپر تزیینی از جنس مفرغ با نوشته‌های به خط میخی با تمثالهای گاو نر و شیر، به اضافه تعدادی اشیاء کوچک مجزا یافتند؛ لیکن باستان‌شناسان بیشتر از اینها را انتظار داشتند: آنها فکر می‌کردند که در ساحل دریاچه وان عمارات مشابه کاخهای آشوری را پیدا خواهند کرد، بنابراین آنها فریب خورده و توپراک کالا را به عنوان یک محوطه باستانی کم‌فایده در یک منطقه حاشیه‌ای آشور به حساب آوردند. چندین شیئی در سالنهای آشوری موزه بریتانیا به نمایش گذاشته شدند و مابقی در گنجینه‌های ذخیره انباشته شدند و پس از ۸۰ سال بود که ار. دی. بارنت^(۵) این اشیاء را مورد مطالعه قرار داده آنرا منتشر نمود. می‌توان بدون شوخی و بدون دور شدن از واقعیت گفت که یافته‌های توپراک کالا که توسط موزه بریتانیا در سالهای ۸۰-۱۸۷۹ بدست آمده بودند فقط پس از جستجوهای بارنت در مخازن و زیرزمینهای موزه برای دانشمندان قابل دسترسی شدند.

در سال ۱۸۹۸ یک هیئت اعزامی آلمانی تحت رهبری سی. اف. لهن - هاوِیت^(۶) و دبلیو. بلک^(۷) در توپراک کالا مشغول کار شدند. محوطه باستانی از سودی که شکارچیان

1- Salmanasar III.

2- Balawat.

3- Clayton.

4- Dr. Raynolds.

5- R. D. Barnett.

6- C. F. Lehmann - Haupt.

7- W. Belck.

گنج و ساکنین آنجا برده بودند در عذاب بود. زمین از هر سو قطعه قطعه سوراخ شده بود و سنگ‌های معبد کشف شده توسط هیئت انگلیسی جابجا شده بودند. لهن - هاو پت پایه‌های معبد را کنار زده و سوندهائی در قسمتهای مختلف محوطه کار گذاشت. در حفاریها تعدادی اشیاء مورد استفاده خانگی، سلاحهای آهنی و مفرغی، ابزار، سرامیک و جواهرات استخراج شدند؛ آنها خانه‌های مسکونی و انبارهائی یافتند که در اثر آتش‌سوزی تخریب شده بودند، اما هیچ اثر هنری بخصوصی وجود نداشت. یک شمعدان چند شاخه از جنس مفرغ که پایه‌هایش مزین به گاو نر بالدار، سر انسان، یک پایه یکپارچه تخت سلطنتی و مدالهای طلائی با نشان یک زن که در مقابل یک الهه نشسته بر روی تخت سلطنتی قابل ذکرترین قطعات بودند.

هنوز، یافته‌هائی که در موزه برلین انبار شده بودند، بدون استفاده و فراموش شده در آنجا باقی بودند. آنها نیم قرن قبل از اینکه گی. آر. می‌یر^(۱) به آنها علاقه پیدا کند و تعدادی اشیاء با ارزش پیدا کند در انتظار ماندند و به بویژه قطعات جواهراتی که تکمیل کننده آنهائی بودند که حفاران بریتانیائی یافته بودند، و نیز یک آویزه عجیب از جنس کهربا^(۲) که الهه‌ای را نشسته بر تخت سلطنت نشان می‌داد. بر روی تنه یک شمعدان چند شاخه مفرغی که برای مرمت به هامبورگ فرستاده شد، نوشته خط میخی به نام پادشاه اورارتو، روسا^(۳)، کشف شد.

پس از حفاریهای آلمانی‌ها، منطقه وان از نو برای چندین سال رها شد. در زمستان طی سالهای ۱۹۱۱-۱۹۱۲، تی. ای. اربلی^(۴) جستجوی محوطه باستانی توپراک‌قالا را از سر گرفته، سپس در سال ۱۹۱۶ انجمن باستانشناسی روسی هیئتی را تحت هدایت ان. وای. مارر^(۵) اعزام کرد. مارر حفاری توپراک‌قالا را ادامه داد، در حالیکه اربلی در یک غار واقع در ضلع شمالی شیب کنار دریاچه وان یک لوح سنگی بزرگی با نوشته‌ای طویل

1- G. R. Meyer.

2- Electron.

3- Rousa.

4- T. A. Orbeli.

5- N. Y. Marr.

که بر روی آن وقایع سلطنت پادشاه اورارتوئی ساردوری دوم^(۱) حک شده بود یافت. بالاخره، بیست و دو سال پس از هیئت روسی، در طی تابستان ۱۹۳۸، یک هیئت آمریکائی با هدایت کی. لیک^(۲) به منظور بررسی تاریخ نگاری اشیاء یافت شده توسط هیئت‌های قبلی خود را به نجد وان به محوطه باستانی توپراک‌قالا رسانید. نتیجه تحقیقات آنها با یک بهره محدود مواجه شد و باستانشناسی در اورارتوی مرکزی گرفتار رکود جدیدی شد.

کاوش در ارمنستان

باستانشناسی اورارتوی مرکزی که محققان را از علاقه بازداشت، کندوکاو در مرزهای شمالی این پادشاهی، یعنی ماوراء قفقاز جنوبی، منطقه‌ای که امروزه ارمنستان را در بر دارد ادامه یافت. از زمانهای خیلی گذشته، نوشته‌های خط میخی حکاکی شده بر روی شیبهای صخره‌ای کنار دریاچه‌ها یا بر روی سنگهایی که از عمارات قدیمی بدست می‌آمد آشکار کرده بودند که دره آرات، منطقه کوهستانی آراگاتس^(۳) و محیط اطراف دریاچه سوان^(۴) به اورارتو تعلق داشته‌اند. کتیبه‌ها از سال ۱۸۶۲ شناخته شده بودند، لیکن بدجوری کپی‌برداری شده بودند و هیچ کس حداقل رابطه بین آنها و یافته‌های باستانشناسی را ندیده بود. کتیبه‌های خط میخی بسیاری از نزدیکی‌های کوه آرماویر^(۵)، محوطه باستانی پایتخت قدیمی ارمنستان، جمع‌آوری شده بودند. در سال ۱۸۸۰ چندین گمانه‌زنی روی این تپه انجام شد، ولی یافته‌های چندان قابل توجهی بدست نیامد و حفاران سطح مطابق با کتیبه‌ها را نیافتند.

در سال ۱۸۹۳، ام. نیکولسکی^(۶) تمامی محوطه‌های باستانی ماوراء قفقاز مکان‌هایی را که کتیبه‌های خط میخی یافت شده بودند جستجو کرد. وی باستانشناس ای.

1- Sardouri II.

2- K. Iake.

3- Aragats.

4- Sevan.

5- Armavir.

6- M. Nikolsky.

ایوانوفسکی^(۱) را که عهده دار کند و کاو تمامی خرابه‌های قلعه‌های واقع در نزدیکی محل‌های یافت کتیبه‌ها بود همراهی می‌کرد. آنها حفاریهای قطعی انجام ندادند مگر در یک محل، در روستای تاش برون^(۲)، که طبق نوشته‌ها، واقع در محوطه باستانی شهر قدیمی اورارتوئی منوآخینیلی^(۳) بود که بعداً شهر ارمنی تسولاکرت^(۴) شد. اشیاء یافت شده همگی قرون وسطا را آشکار کردند، چیزی که یک بار دیگر مانع از شناسائی سطح مربوط به باستانشناسی دوره اورارتوئی توسط باستانشناسان شد.

در سال ۱۹۳۰، در دوره‌ای که عهد عتیق ارمنستان از نو مورد توجه قرار گرفت، مطالعه آثار واقع در نزدیکی محلهائی که کتیبه‌های خط میخی اورارتوئی یافت شده بودند از سر گرفته شد. ابتدا می‌بایست کار شناسائی زمین جهت یافتن نقاطی که حفاریهای عمیق‌تری را تأیید می‌کرد انجام می‌شد. پس از یک بررسی کامل تمام سرزمینی که به اورارتو تعلق داشت، در سال ۱۹۳۹ حفاریهای اصولی بر روی کوه کارمیر - بلور^(۵) در اطراف اروان^(۶)، جائیکه سه سال قبل از آن قطعه‌ای از کتیبه‌ها یافت شد که اسم پادشاه روسا^(۷)، پسر ارگیشتی^(۸)، که در قرن هفتم ق.م. بر اورارتو سلطنت می‌کرد بر روی آن ذکر شده بود به اجرا درآمد. حفاریها بطور مشترک توسط آکادمی علوم ارمنستان و موزه ارمنی‌ناژ آغاز شد و طی بیست و شش سال تحت رهبری من دنبال شد، و کارمیر بلور روشن ساخت که جانشین شهر باستانی اورارتوئی تی شبا اینی^(۹) می‌باشد.

قلعه‌ای که به طور کامل حفاری شد و محله‌های شهر که تا اینجا مورد بررسی قرار گرفتند برای ما کفایت میکند که دید روشنی از وضعیت تمدن اورارتو، هنر و فن معماری‌اش داشته باشیم. ما درون قلعه مجموعه‌ای از کارگاهها، انبارهای ذخیره مواد

1- A. Ivanovsky.

2- Tashbouroun.

3- Menouakhinili.

4- Tsolakert.

5- Karmir - Blour.

6- Erevan.

7- Rousa.

8- Argishti.

9- Teishebaini.

غذائی، محل شراب‌سازی و انبار غله کاملاً پر پیدا کردیم. همراه با تعداد زیادی از وسائل خانه و آشپزخانه، اشیاء تزئینی، سلاح، ابزار و تکه‌های پارچه، انبار غله و باقیمانده میوه‌جات و حفاران باز هم لوحه‌های گلی با کتیبه‌های به خط میخی پیامهای پادشاه به فرمانبران این شهر و مدارک مهمی که تاریخ آخرین پادشاهان اورارتو را می‌دهند، یافتند.

همچنین حفاریها برای ما آشکار کردند که تی شبا اینی جانشین مراکز دیگر اورارتوئی شده و محتویات انبارهای این شهرهای قدیمی‌تر به شهر جدید منتقل شده‌اند. نه فقط بعضی از اسامی پادشاهان مورخه قرن هشتم ق.م.، حتی محل ساخت بعضی یافته‌ها، بخصوص سپرهای مفرغی، که آن را شهادت می‌دهند. شهر بزرگ اربونی^(۱)، که نام اروان^(۲)، پایتخت کنونی ارمنستان از آن است و این نام را حفظ کرده، یکی از این شهرهای پیشین بود. خرابه‌های اربونی بر روی کوه آرین - برد^(۳) که در اطراف اروان، در مقابل کارمیر - بلور قرار دارد کشف شد. یک گروه از هیئت باستانشناسی اعزامی به کارمیر - بلور حفاری اربونی را در سال ۱۹۵۰ آغاز کرد؛ سپس این یک مأموریت مستقل توسط آکادمی علوم ارمنستان و موزه پوشکین مسکو شد؛ این مأموریت بوسیله آرشیکت ک. اوگانسیان^(۴) هدایت می‌شد.

حفاریها خرابه‌های یک کاخ، دو معبد، انبارهای گوناگون و اتاقهای مورد استفاده خانگی را آشکار کردند (تصویر ۱-۷). بعضی از اتاقها بطور باشکوهی با رنگ تزئین یافته بودند خواه مصور، خواه صرفاً تزئینی (تصویر ۸-۱۳). از دیوارهای قلعه دوازده کتیبه بنیان‌گذاری دو پادشاه اورارتوئی قرن هشتم ق.م. بدست آمد (ارگیشتی، پسر منوا^(۵) و ساردوری^(۶)، پسر ارگیشتی) که با احداث قلعه، کاخ، یک معبد و انبارهایی در ارتباط بودند. حفاریها همچنین مکان‌های شراب‌سازی و یک دالان ستونی که بازسازی شده

1- Erebouni.

2- Erevan.

3- Arin - Berd.

4- K. Oganessian.

5- Menoua.

6- Sardouri.

بودند، خواه در زمان اورارتوها، خواه در زمانهای بعدی را کشف کردند. با وجود وضعیت عالی که این آثار محفوظ مانده‌اند، اربونی فقط مقدار کمی اشیاء در خود داشت. و این قابل فهم است اگر شهر در زمان اورارتوئی، در قرن هفتم، رها شده باشد، و اینکه بیشتر اشیاء قیمتی به تی شبا اینی^(۱) منتقل شده باشند.

تی شبا اینی، خود در آغاز قرن ششم ق.م. تخریب شده است. یک آتش‌سوزی وحشتناک تخریب قلعه را بدنبال داشته و زندگی پس از آن خرابه‌های آهکی شده را دیگر بیدار نکرد، در حالیکه قلعه رها شده اربونی ویران نگردید و در طی دوره هخامنشی به زندگی ادامه داد. بدین طریق بود که نام قدیمی، توسط دستجات ارمنی مهاجر که کم‌کم در این شهر بزرگ، قبل از اینکه پایتخت فعلی ارمنستان شود گرد آمدند، محفوظ ماند.

در اصل اربونی یک مرکز اداری، مسکونی ماوراء قفقازی پادشاه اورارتو بود. مرکز زندگی اقتصادی در طول این دوره (قرن هفتم ق.م.) در دامنه کوه آرارات، در آرماویر^(۲) جائیکه اولین حفاریها چیزی بدست ندادند، قرار داشت.

در سال ۱۹۶۴ آکادمی علوم ارمنستان، باستانشناسان بی. آراکلیان^(۳) و ای. مارتیروسیان^(۴) را جهت از سرگیری حفاریها روی دو تپه آرماویر-بلور و داویدا^(۵) اعزام کرد. حفاران برج و با روی مستحکمی که تماماً با ستونهای تکیه بر دیوار تهیه شده و مختص معماری اورارتوئی است کشف کردند. در کوه داویدا باقیمانده خانه‌هایی یافت شد که می‌بایست به یک شهر بزرگی تعلق داشته باشند. احتمالاً شهر بزرگ اورارتوئی ارگیشتی خینیلی^(۶) با انبارهای مملو از وسایل خانگی و ابزار آلات. تصاحب قرون وسطی‌ای متأسفانه به این محوطه باستانی خسارت رسانده و حالا مشکل بتوان گفت آیا ارگیشتی خینیلی مانند اربونی در قرن هفتم ق.م. دوره انحطاط به خود دیده یا نه. کشف

1- Teishebaini.

2- Ari

3- B. Arakelian.

4- A. Martirosian.

5- Davida.

6- Argishti - Khinili.

علائم مشابه روی کوزه‌های یافت شده در اینجا و در تی شبا اینی این فکر را القا می‌کند که، همانند اربونی، ذخایر ارگیشنی خینیلی در طی قرن هفتم ق.م. به انباری‌های شهر بزرگ جدیدی منتقل شده‌اند. حفاری وسیعتری شاید بتواند این فرضیه را تأیید کند.

تحقیقات اخیر در ترکیه

محوطه‌های باستانی اورارتوئی‌های ترکیه نیز در سالهای اخیر کنجکاوی‌های بیشتری را برانگیخته‌اند. در سال ۱۹۳۸ موزه آنکار مجموعه‌ای از اشیاء یافت شده در آلتین‌تپه^(۱) نزدیک ارزینجان^(۲) را به هنگام احداث یک خط جدید راه آهن بدست آورد. یک دیگ سه پایه از جنس مفرغ، مزین به چهار سرگاونر، ظروف برنزی، یک سپر، اسباب و اثاثیه خانه و اشیاء دیگر که استفاده خاصی برای باستانشناسان دارد. با وجود این هیچگونه حفاری‌ای روی محوطه طی بیست و یکسال آینده انجام نشد. مثال تازه‌ای از کندی که طی آن مطالعه تمدن اورارتوئی توسعه یافته است.

در سالهای ۱۹۵۶ - ۱۹۵۷ باستانشناس انگلیسی سی. ای. برنی^(۳) کندوکاو قلعه‌های باستانی دریاچه وان را، با همان فکر ارمنی‌های بین سالهای ۱۹۳۰ - ۱۹۳۸، به عهده گرفت. در طی این عملیات، وی نقشه‌های تعداد زیادی از قلعه‌هایی را که در آنها از قبل کتیبه‌های خط میخی را یافته بود احیا کرد. سپس کتیبه‌های جدیدی توسط پی. هولین^(۴) در نشریه مطالعات آناتولی منتشر شدند. این کارها پیش درآمدی برای یک مطالعه قابل توجه و گسترده باستانشناسی درباره اورارتوی مرکزی شد. مهمترین حفاریهای ترکیه متعلق به تی. اُزگوچ^(۵) در آلتین تپه بود که گورهای سنگی را ظاهر کرد که اختصاص به شخصیت‌هایی داشت که نقشه‌اش مشابه آن گورهای کنده شده در صخره وان بود. از این قبور اثاثیه مفرغی فراوانی بدست آمد: یک سپر، اسباب و اثاثیه، یراق آلات اسب،

1- Altintepe.

2- Erzindjan.

3- C. A. Burney.

4- P. Hulin.

5- Özgüç.

کمر بند و جواهرات. حفاران یک معبد و ایوانی با هیجده ستون مشابه آنچه که در اربونی حفاری شده بود از زیر خاک خارج کردند. ایوان آثار نقاشی ای را با طرحهای هندسی و رنگهای گوناگون ارائه می داد. حفاریها بازهم قطعاتی از مجسمه استخوانی نظیر آنچه در توپراک کالا بود آشکار کردند که فرشتگان بالدار، برگهای نخل و تزئینات معماری را نشان می دادند؛ بطور عموم آنها آشکار کننده معماری اورارتوئی قرن هفتم ق.م. بودند. کتیبه هایی که اسامی پادشاهان، روسا و ارگیشتی را در برداشتند به ما اجازه تاریخ گذاری گورها را دادند.

بین سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۳، باستانشناسان ترک حفاریهایی در تعداد زیاد از محوطه های باستانی انجام دادند. آ.ارزن^(۱) کاوش شهر توپراک کالا را به پایان رسانید و مطالعه معبدی را که توسط موزه برتانیای کشف شده بود ادامه داد. او دومین سپر برنزی را که مزین به اشکال شیران و گاوان نر بود و نوشته ای را که نام پادشاه روسا، پسراری منا^(۲)، را داشت از زیر خاک خارج کرد. با وجود زیر و رو شدگی خرابه ها، حفاران باقیمانده های عمارت را یافتند، بویژه یک انبار مواد غذایی که محتوی تعداد زیادی خم که از یک نوع بودند و تحت عنوان «کارازی»^(۳) شناخته شده اند (مشابه پیتوس^(۴) یونانی).

نتایج حفاریهای آدیل جواز^(۵)، واقع در ساحل شمالی دریاچه وان، سبب توجه خاصی شدند. یک نقش برجسته بزرگ که چندین بلوک را در جمع داشت خداوند تی شبا^(۶) را بر روی یک گاو نر نشان می داد.

ای. بیلگیچ^(۷) و بی. اگون^(۸) در جریان حفاریهایی که در سال ۱۹۶۴ در کوه کف کالاسی^(۹) نزدیک آدیل جواز انجام شد یک انبار مواد غذایی دیگر از نوع معمولی در

1- A. Erzen.

2- Erimena.

3- Karazy.

4- Pithos.

5- Adilcevaz.

6- Teisheba.

7- E. Bilgic.

8- B. Ögün.

9- Kefkalesi.

استحکامات اورارتوئی کشف کردند، که محتوی یک مجموعه‌ای از خمره‌های حامل حروف خط میخی نشان دهنده ظرفیتشان بودند. همچنین در آنجا پایه‌های چهارگوشی مزین به نقش برجسته‌های با کیفیت قابل توجه (بر روی پی خاک‌ریزها و برجها، فرشتگان بالدار سوار بر شیران، در کنار درختان مقدس) با یک کتیبه خط میخی بسیار صدمه دیده کشف کردند.

باستانشناسان مأمور این حفاریها فکر کردند که یک سرداب تشییع جنازه‌ای کاخ پادشاه روسا دوم، پسر ارگیشتی را یافته‌اند. آدیل جواز همچنین گورستان بزرگ زمان اورارتوئی را آشکار کرد. آ. ارزن^(۱) خود در دشاواش تپه^(۲) یک دژ دوره دوم اورارتوئی (سلطنت ساردوری سوم) را حفاری کرد. حفاریها دیوارها، برجها، یک معبد، انواع گوناگون مساکن شخصی و یک مخزن سرامیک آشکار کردند. همچنین در آنجا نقاشی‌های دیواری و یک پلاک برنزی که ارابه‌ها و اسب‌سواران را نشان می‌داد پیدا کردند.

در پاتموس^(۳)، کمال بالکان تعدادی از تپه‌ها را مورد بررسی قرار داد. در آنزاوورتپه^(۴) او خرابه‌های یک معبد با نوشته‌ای حامل اسامی منوآ و پسرش ارگیشتی اول؛ یک مجسمه شیر، یک گردنبند طلا با آویزهای کوچک، دستبند و مهرهائی که به ما درباره هنر اورارتوئی اطلاعات می‌دهند کشف کرد.

در سال ۱۹۵۵، انستیتوی باستانشناسی دانشگاه لندن (ستون لوید^(۵)، سی. ای. برنی^(۶)) حفاری کوه کایالی دره^(۷) در بخش موش^(۸) را بعهده گرفت. اولین عملیات خرابه‌های یک قلعه نظامی، یک انبار مواد غذایی و یک معبد را از زیر خاک خارج ساخت. در میان یافته‌های کوچک، یک مجسمه شیر از جنس برنز که می‌بایست زینت

1- A. Erzen.

2- Dechavachtepe.

3- Patmos.

4- Anzavourtepe.

5- Seton Lloyd.

6- C. A. Burney.

7- Kayalidere.

8- Moush.

بخش پایه شمعدانی چند شاخه بوده باشد، تکه‌های یک کمر بند مزین به صحنه شکار شیر با ارابه، عناصر تزیینی منزل و سلاح‌های آهنی قابل ذکر هستند.

نتیجه کلی (بیان)

همچنانکه می‌بینیم مطالعات باستانشناسی تمدن اورارتوئی راه طولانی و دشواری را طی کرده، در مقابل یاس‌ها و مشکلات راست قامت ایستاده اگرچه چندین بار دچار وقفه شده است. باستانشناسان قرن نوزدهم در منطقه دریاچه وان کاری انجام ندادند جز اینکه بیشترین آنها در روی رد پای شکارچیان گنج قدم گذاشته باشند. در توپراک کالا است که یگانه حفاریها را بدرستی انجام دادند و آنها خود نیز با دوره‌های رکود آشنائی دارند. کاوش محوطه‌های باستانی اورارتوئی ماوراء قفقاز سالهای درازی است (در زمان تألیف کتاب ۳۵ سال) که آغاز شده، بطور قابل توجهی دانش ما را درباره اورارتو، اقتصادش، فرهنگش و هنرش ارتقاء داده است. ما توانستیم روابط فرهنگی‌ای که با سایر ممالک شرق قدیم داشت مشخص کنیم. بعد از آن توانستیم مطالعات عمومی درباره هنر و تمدن اورارتو را منتشر کنیم. توانستیم نوشته‌های خط میخی اورارتوئی را جمع‌آوری کرده، و اصل این نوشته‌ها را از آشوری و بابلی متمایز کنیم (جی. ملیکیشویلی^(۱)، اف. دبلیو. کونینگ^(۲)، آی. دیاکونوف^(۳))، مطالعه زبان نوشته‌های دریاچه وان را سرعت بخشیدیم (جی. فریدریخ^(۴)، ای. گوتس^(۵)، ال. مشچانینوف^(۶)، جی. ملیکیشویلی، ای. دیاکونوف، این. آروتیونیان^(۷))، یافته‌های حفاریهای قبلی را آزمایش کردیم (ار. دی. بارنت^(۸)، جی. آر. میر)، و حتی ای. آکورگال^(۹) اولین مطالعات درباره هنر اورارتو را

1- G. Melikishvili.

2- F. W. König.

3- I. Diakonov.

4- J. Friedrich.

5- A. Goetze.

6- L. Meshchaninov.

7- N. Arutyunian.

8- R. D. Barnett.

9- E. Akurgal.

منتشر کرد. ده سال گذشته (در زمان تألیف کتاب) بطور چشم‌گیری شاهد افزایش شیف‌تگی برای پادشاهی اورارتوی باستانی بوده است. حفاریها در ارمنستان بطور قابل ملاحظه‌ای توسعه یافته و تجسس باستانشناسی در ترکیه بخش مرکزی سرزمین اورارتو بطور فشرده‌ای رونق گرفت، و انگار می‌خواهد ده‌ها سال تأخیر گذشته را جبران کند. در کنگره‌های بین‌المللی، شرق‌شناسان توجه فزاینده‌ای برای تمدن پادشاهی وان (اورارتو) نشان داده و مطالعات متعددی را دربارهٔ روابط باسیت‌ها^(۱)، قفقاز، آسیای صغیر و دنیای مدیترانه‌ای منتشر کرده‌اند، ماس سیموپال لوتینو^(۲) بطور مخصوصی علاقه‌مند به روابط بین هنر اوراتوئی و هنر یونان باستان و اتروسک‌ها^(۳) شده است. میراث فرهنگی اورارتو، در حال حاضر، به نظر خیلی وسیع‌تر از آن است که قبلاً فرض می‌شد. مسلماً باستانشناسی شرق قدیم که در شرف کشفیات مهمی است پیشرفت جدیدی به مطالعهٔ این تمدن باستانی خواهد داد که برای زمان بسیار طولانی مورد اهمال واقع شده بود.

1- scythes.

2- Massimo Pallot Tino.

3- Etrusques.

مسئله اصلیت‌ها

II

تمدنهای اولیه در ارمنستان

متون و شواهد باستانشناسی که بدست ما رسیده‌اند به روشنی نشان دهنده اینکه دولت اورارتو چگونه تشکیل شده و اینکه یک جدول تاریخی از زمانهای اولیه خود بدهند کفایت نمی‌کنند. با وجود این، می‌دانیم که از پراکنده شدن ایلات هوریت^(۱) که در کوهستانهای ارمنستان کنونی، اطراف دریاچه وان، جاییکه شرایط جغرافیایی بطور مخصوصی مناسب دو عمل پیوسته یعنی کشاورزی و انبارکردن محصولات کشاورزی ساکن بودند متولد شد.

کوهستانهای آذربایجان در جنوب منطقه کوهستانی ارمنستان، یکی از قابل ملاحظه‌ترین کوه‌های زنجیره‌ای آسیای مقدم می‌باشد و با شیبهای صخره‌ای دیوار مانندشان و دامنه‌های پوشیده از جنگلهای غیرقابل نفوذ، خود سدّ مهیبی در مقابل مهاجرت انسانی را تشکیل می‌دهند. در هزاره‌های سوم و دوم، آنها دو منطقه کشت مشخص را از هم جدا می‌کردند - منطقه کوهستانی و دشت. در جنوب این کوهستانها تمدن روستائی تکامل یافته مزوپتامی (بین‌النهرین) وجود داشت، تمدنی شناخته شده بوسیله تعدادی محوطه باستانشناسی که تصاویر نقاشی سرامیکی را آشکار کرده‌اند که مزین به طرحهایی نشان دهنده مراسم مذهبی کارهای مربوط به زراعت و انبارکردن محصولات کشاورزی می‌باشند. در شمال، برعکس، مرحله‌ای از تمدن کاملاً متفاوت

1- Hourrites.

پیدا می شود که نقاشی سرامیکی از خود به جا نگذاشته است، اما ظروف سفالی سیاه براقی بجا گذاشته است که مزین به بریدگیها و برجستگیهای می باشند. توانائی تولیدی ضعیف مناطق کوهستانی و جلگه مرتفع ارمنستان گویای آهنگ کندتر توسعه اجتماعی و سیاسی می باشد.

تحقیقات باستانشناسی اخیر یک تمدن هماهنگی را در هزاره سوم با وسعت قفقاز جنوبی، منطقه واقع در شمال رود آراز^(۱)، سرزمین دریاچه وان، آناتولی شرقی و دریاچه اورمیا^(۲) را آشکار می کند. اقتصاد این مناطق بر اساس کشت توأم با انبارکردن پی ریزی شده بود، تأکید بر انبار کردن که بدون معطلی یک اضافه تولید منابع را در یک زمان تولیدی نسبتاً اولیه فراهم می کرد. کشت و زرع در دره ها و دهانه رودخانه های کوهستان، از نیمه دوم هزاره سوم متولد، و کم کم بر روی تمامی محیط کوهستان ها گسترش یافت، نیز سبب بوجود آمدن یک وحدت تمدن بر روی یک سرزمین وسیع شد. این سرزمین هوریت ها، بخش شرقی جلگه مرتفع ارمنستان کنونی، دره رودخانه هابور^(۳) و شمال سوریه فعلی را در بر می گرفت. همچنین دارای مرزهای مشترک با قفقاز شمالی بود. در «کورگانس»^(۴) (تومولوس)^(۵) قرن هفدهم و شانزدهم ق.م. حفاریها جام های زیبای پوشیده با لایه ای از طلا و نقره و سلاحهای برنزی (تری آلتی)^(۶)، کیوروواکان^(۷) آشکار کردند که تماسهای با آسیای صغیر و سوریه را به ثبات می رساند. لیکن در گورهای دوره های متعاقب حفاری شده در لی جاشن^(۸) بر روی ساحل غربی دریاچه سوان^(۹) و در یک قبرستان عمومی در روستای آرتیک^(۱۰) بر روی

1- Araxe.

2- Ourmia.

3- Habour.

4- Kurgans.

5- Tumulus.

6- Trialeti.

7- Kiorovakan.

8- Lidjashen.

9- Sevan.

10- Artik.

سراسیمی‌های کوه آراگاتس^(۱)، مهرهای استوانه‌ای میتانی^(۲) مورخ قرن پانزدهم یا آغاز قرن چهاردهم ق.م.، یعنی از آخرین دوره امپراتوری میتانی یافت شده که گواه ثابت کننده‌ای بر روابط فرهنگی قدیم می‌باشند.

پس از شکست میتانی توسط هیتیت‌ها^(۳) در اواخر قرن پانزدهم و آغاز قرن چهاردهم ق.م. جمعیت‌های جلگه‌های مرتفع ارمنستان در ارتباط با هیتیت‌ها که شروع به وسعت در سوریه شمالی کردند باقی ماندند. این ارتباطات نقش مهمی در توسعه فرهنگی نواحی کوهستانی بازی کردند؛ و در زمان سقوط پادشاهی هیتیت، حدود ۱۲۰۰ ق.م.، ایلات کوهستانی به یک درجه بالائی از تمدن رسیده بودند. حتی از آن به بعد آنچنان اتحاد قدرتمندی بوجود آوردند که قادر به مقاومت و یورش به طرف شمال آشوریه‌ها، که پس از سقوط میتانی‌ها، وارد یک دوره گسترده سیاسی شده بود، گردیدند.

اوروآتری^(۴) و نایری^(۵) در هزاره دوم ق.م.

در واقع، این مدارک آشوری‌های قرن سیزدهم هستند که اولین جزئیات را درباره ساکنان جلگه‌های مرتفع ارمنستان به ما می‌دهند. سالنامه‌های شاه آشور سلیماناسر اول^(۶) (۱۲۸۰ - ۱۲۶۱ ق.م) برای اولین بار ما را با عبارت اوروآتری جهت تعیین اتحاد ایلاتی کوچک که بر ضد آنها شاه آشور در سالهای اولیه حکومت خود یک لشکرکشی را تدارک دید آشنا می‌کند. بایگانی‌ها ذکری از فتح هشت ایالت که به شکل جمعی اوروآتری نامیده می‌شوند، می‌کنند، که در یک منطقه کوهستانی در جنوب - شرقی دریاچه وان، شاید در دره فوقانی زاب^(۷) بزرگ قرار داشتند. بدون تردید آشوری‌ها با

1- Aragats.

2- Mitanniens.

3- Hittites.

4- Uruatri.

5- Nairi.

6- Salmanasar I.

7- Zab.

جمعیت‌های مرز نشین است که بر خوردهائی داشته‌اند، و ما نمی‌دانیم سرزمین تحت اختیار اتحاد ایلات اورارتو تا کجا وسعت داشته. احتمال دارد که ساکنان دریاچهٔ آتری دارای معنی نژادی نبوده و بی‌شک فقط یک عبارت توصیفی (شاید به مفهوم «منطقه کوهستانها») باشد.

متونی که به نام شاه آشوری توکولتی - نینورتا اول^(۱) پسر سلماناسر اول^(۲) نوشته شده‌اند، یک اسم جمعی دیگری برای ایلات کوهستانهای ارمنستان می‌دهند. این منطقه «زمین‌های نایری» نامیده شده‌اند، عبارتی که، تقریباً یک قرن دوام داشت، جای خود را به اوروآتری (اورارتو) داد. کتیبه‌های کشف شده در کاخ و معبد توکولتی - نینورتا در آشور چگونگی قیام ۴۳ پادشاه سرزمین‌های نایری بر علیه آشور و چگونگی پیروزی بر آنها و آورده شدنشان با زنجیر به آشور را شرح می‌دهند. آنگاه ایلات نایری هدایائی ارزشمند به شاه آشوری پیشکش کرده، خراج پرداختند و عنوان جدیدی به نام شاه آشوری: «شاه تمامی زمینهای نایری» افزوده شد.

سالنامه‌های تقلالاح - پهلایسراول^(۳) گزارش کاملی از لشکرکشی آشوری برای ما حفظ کرده‌اند، که از منابع رود دجله^(۴) تا کشور دایانی^(۵) در درهٔ رود چوروه^(۶) امتداد دارد. لشکرکشی علیه منطقه جنوب - شرقی دریاچه وان به مانند لشکرکشی سلماناسر هدایت نشد. اما علیه بخش غربی جلگهٔ ارمنستان انجام شد. در جریان این لشکرکشی، آشوریها تا عمق بیش از ۵۰۰ کیلومتر به سرزمین دشمن نفوذ کردند. سالنامه‌ها این لشکرکشی را با عبارات «خداوند آشور، آقا و ارباب من، مرا فرستاده است که بر علیه پادشاهان سرزمین‌های دور که در سواحل دریای علیا (یعنی دریای سیاه) ساکن هستند و اربابی ندارند مبارزه کنم. به این دلیل است که من رفتم. طول راههای دشوار و دیوارهای بسته، که قبل از من هیچ شاهی از آنجا نگذشته، از طریق معابر مخفی و راههای بدون

1- Tukulti - Ninurta I.

2- Salmanasar. I

3- Téglath - Phalaras I.

4- Tigre.

5- Daiani.

6- Tchorough.

قشون خود را به پیش بردم ... مادامیکه معبر آسان بود بر روی ارابه‌ام سفر می‌کردم ...
 وقتیکه سخت بود به کمک تبرهای برّان (برای خود راه باز می‌کردم) پیش می‌رفتم ...
 بیست‌وسه پادشاه سرزمینهای نایری ارابه‌ها و جنگجویانشان را گردآوری کرده و
 مبارزه‌ای را بر علیه من تدارک دیده‌اند که با من جنگ کنند. من با تمام قدرت نظامی
 مهیب خود به مصاف آنها رفتم و به مانند موج آداد^(۱) قشون بزرگ آنها را نابود کردم ...
 شصت پادشاه زمین‌های نایری با تمام آنهائیکه به کمکشان آمده بودند: من آنها را با
 شمشیر برّان خود تا دریای علیا راندم. من شهرهای بزرگ آنها را تصاحب کردم، من
 ثروتهای آنها را غارت کردم، من مسکن‌های آنها را آتش زدم، تمام پادشاهان زمین‌های
 نایری، من آنها را زندانی کردم. اما در حق همه این پادشاهان، من بخشش به کار بردم، به
 نام شاماش^(۲)، آقا و ارباب من، و من به آنها زندگی آزاد بخشیدم و من آنها را از اسارت
 رها کردم. سپس من آنها را مجبور به سوگند به خداوند بزرگ خود کردم که آنها به من
 خدمت کنند و از این به بعد برای هر زمان آینده از من اطاعت کنند؛ و پسرانشان، وارثین
 پادشاهی آنها، من آنها را به عنوان گروگان گرفتم. سپس آنها به من خراج پرداختند: ۱۲۰۰
 اسب و ۲۰۰۰ رأس احشام. آنگاه من آنها را رها ساختم که به کشورهایشان برگردند ...»
 بنابراین ما یک گزارش مختصر ولی زنده از لشکرکشی آشوریه‌ها در کوهستانهای
 غربی ارمنستان در اواخر قرن دوازدهم ق.م. در دست داریم. هدف شاه آشوری فقط فتح
 کردن و غارت کردن این ایالات خوشبخت نبوده: او با رفتار شفقت‌بار با پادشاهان
 زندانی، به دنبال وسعت و غنا و قدرت و اقتدار بر روی زمینهای نایری بود. همچنین لازم
 به ذکر است که در این گزارش اشاره‌ای به منطقه دریاچه وان («دریای نایری») نشده
 است. شاید آشوریه‌ها به طور مصمم از مرکز سرزمین مسخر توسط ایالات متحده که
 توانسته بودند مقاومت قویتری را در مقابله با دشمن از خود نشان دهند اجتناب کرده
 باشند.

کتیبه‌های قرن یازدهم آشوریه‌ها بازهم عبارت اوروآتری را می‌دهند، لیکن از ربع دوم

1- Adad.

2- Shamash.

قرن نهم تحت سلطنت آشوربانی پال دوم^(۱) (۸۸۳ - ۸۵۹ ق.م)، بطور مکرر شکل اورارتو در رابطه با اسم نایری و در اصل بدون اشاره خاص بین دو عبارت دیده می شود.

لشکرکشی های سلماناسر سوم و درهای بالوات^(۲)

تاریخ آسیای مقدم در قرن نهم بوسیله فعالیت جنگی فشرده در آشور مشهود است که از آن به بعد قدرت نظامی خود را دوباره برقرار می کند. آتش افروزی و شمشیر بران به تسلیم کشورهای فتح شده منجر می شد، و جنگ بی رحم علیه ملتهای نافرمان ادامه می یافت. با وجود این، مقاومت هم سازمان می یافت. ایلات کوچک هم گروه شده و ایالاتی از این اتحادها متولد می شدند. بدین طریق است که دولت اورارتو در نیمه اول قرن نهم ق.م. تشکیل شد؛ و آنگاه نام اورارتو یک واقعیت قومی را پوشش داد.

سلماناسر سوم^(۳) (۸۶۰ - ۸۲۵)، شاه آشور، از ابتدای سلطنتش خود را در جنگ با این دشمن جدید که، با وجود اینکه هنوز شکل دولت مرکزیت یافته را نداشت رو در رو دید. ما نه تنها به لطف سالنامه ای که جزئیات دقیق از لشکرکشیهای سلماناسر سوم علیه اورارتو به ما می دهند، بلکه حتی به لطف درهای برنزی مزین به مراحل مختلف این لشکرکشیها که در سال ۱۸۷۸ در خرابه های شهر باستانی ایمقور - انیلیل^(۴)، روی کوه بالوات، در جنوب - شرقی نینوا کشف شدند به خوبی آگاهیم.

یکی از این درها، که بطور قابل ملاحظه ای مدلی از هنر آشوری می باشد، لحظات مختلف یک لشکرکشی را که در سال اول سلطنت سلماناسر بوقوع پیوست نشان می دهد، لشکرکشی که خیلی مختصر در سالنامه ها قید شده: «من به سوغونیا^(۵) نزدیک شدم، شهر قدرتمند آرامه^(۶)، اورارتوئی؛ من شهر را محاصره کردم و به آن یورش بردم؛ من بسیاری از جنگجویان را کشتم و به یغما بردم؛ من سرها را در مقابل دیوار شهر

1- Assurbanipal II.

2- Balawat.

3- Salmanasar III.

4- Imgour - Enilil.

5- Sougounia.

6- Aramé.

انباشتم؛ چهارده شهر سرزمین آنها را به آتش کشیدم. سپس از سوقونیا رفتم، من به طرف دریای نایری عزیمت کردم، من سلاحهای خود را در آب دریا شستم و من یک قربانی هدیه خدایان خود کردم».

درب مزبور گزارش مفصل تصویری از چندین دوره لشکرکشی به ما می‌دهد. آنرا به کادرها یا بندهائی تقسیم کرده‌اند و یک تاریخی را با نمایش اردوی آشوری شرح می‌دهد که از زاویه چپ درب شروع میشود. قشون که از ارا به و پیاده نظام تشکیل شده از اردو و خارج و به سوی سوقونیا، قلعه اورارتوئی ذکر شده در سالنامه‌ها حرکت می‌کند. تسخیر سوقونیا را هم می‌بینیم: قلعه واقع در روی تپه در آتش می‌سوزد و نردبانهای در دو طرف مقابل دیوار هستند. درون قلعه مدافعان جنگجوی اورارتوئی مجهز به نیزه و کمان دیده می‌شوند. شرحی در زیر صفحه نوشته شده است: «من سوقونیا، شهر آرامه، اورارتوئی، را فتح کردم». در سمت راست، زندانیان اورارتوئی مشاهده می‌شوند. کادر فوقانی حرکت قشون آشوری و معبر سه گردنه هادی بطرف دریاچه وان را به ما نشان می‌دهد؛ در گوشه فوقانی چپ، تصویر قربانی سلماناسر بر روی ساحل دریاچه و قرارگرفتن نقش برجسته تمثال شاه دیده می‌شود. قربانی توسط شاه شخصاً تقدیم می‌شود: در کنار وی دو روحانی قرار دارند و در طرح پشتی نوازندگان موسیقی و حیوانات قربانی دیده می‌شوند. در بالای این صحنه شرح زیر نوشته شده است: «این مجسمه، تصویر خود من، من آنرا در ساحل دریای سرزمین نایری جادادم؛ من یک قربانی به خداوندانم تقدیم کردم».

صحنه‌های دیگر مراحل لشکرکشیهای جدید سلماناسر، مانند تسخیر آراشکو^(۱)، شهر سلطنتی (و نه پایتخت) آرامه اورارتوئی، به تاریخ سال سوم سلطنت سلماناسر نشان داده می‌شود. این لشکرکشی طولانی بود، و تقریباً مسیر تقلات - پالاسر اول^(۲) را دنبال می‌کرد. آشوریها از طریق سرزمین دایانی^(۳) گذشتند و اینجاست که سالنامه‌ها

1- Arzashkou.

2- Teglath - Phalasar I.

3- Daiani.

چگونگی این لشکرکشی را شرح می دهند: «آرامه اورارتوئی در مقابل سلاحهای قدرتمند من و یورش بی رحمانه من ترسیده و شهر را رها کرد» - این درها در واقع یک دژ در حال آتش سوزی رها شده توسط مدافعانش را به ما نشان می دهند - «او به کوهستانهای آدادوری^(۱) فرار کرد. من او را تعقیب کردم و یک مبارزه سخت در کوهستانها بوجود آوردم؛ من ۳۴۰۰ جنگجو را از زیر تیغ گذراندم: مثل آداد^(۲) من آنها را در یک ابر انبوهی پوشاندم؛ با خون آنها من کوهستان را بمانند پشم رنگ آمیزی کردم؛ و من به اردوی آنها یورش بردم ... آنگاه آرامه، برای نجات جان خود به یک کوهستان غیرقابل نفوذ پناه برد. با تمام نیروی قدرتمندم، من زمین هایش را بمانند یک گاو نر وحشی لگدمال کردم؛ از شهرهایش پشته مخروبه ساختم و آنها را به آتش کشیدم». کمی آنطرف تر سالنامه ها صعود از کوه اریتنا^(۳)، جائیکه آشوریهایی پیکره تمام سنگی شاه را کنده کاری کرده بودند، و یک لشکرکشی در سرزمین آرمالی^(۴) را که تا دریاچه وان ادامه می یافت شرح می دهند، جائی که آشوریهایی سلاحهای خود را بلند کردند، قربانیهای تقدیم نمودند و یکبار دیگر پیکره تمام سنگی شاه را ساختند.

دربهای بالاوات قلعه در حال آتش سوزی آرزاشکو^(۵) را که با دو خندق احاطه شده نشان می دهند. در خارج از قلعه، ما شاهد یک مبارزه بین آشوریهایی و اورارتوئی ها هستیم، که این آخری بطرف کوهستان عقب نشینی می کنند. شاید این حادثه ضمنی از همان جنگی باشد که یک بار دیگر بر روی قاب دیگری با این شرح مختصر نقش بسته: «یک جنگ علیه اورارتو». یک نبرد بیدادگر در مقابل قلعه ای بزرگ در شعله های آتش و آشوریهایی در حال نابودی درختان و ویران کردن کشور. صحنه ای دیگر، کمی عقب تر، قلعه ای کوچک را نشان می دهد که ساکنان قتل عام شده آن و بر روی میخ های چوبی انباشته شده اند؛ کله ها در پای دیوارها بر روی هم تل انبار شده اند؛ یک وسیله نقلیه چهار

1- Adadouri.

2- Adad.

3- Eritna.

4- Armali.

5- Arzashkou.

چرخ که توسط انسانها کشان کشان قلعه را ترک می‌کند حامل «کاراس»^(۱) مملو از غنائم می‌باشد. خزانه‌های بزرگ از این نوع که در حفاریهای قلعه‌های اورارتوئی آشکار شدند، عموماً اختصاص به ذخیره شراب داشتند، لیکن از آنها، در صورت اقامت، نیز جهت پنهان کردن اشیاء قیمتی یا مواد غذایی استفاده می‌شده است.

دولت اورارتو در قرن نهم ق.م.

درب‌های مفرغی بالاوات بخاطر روشنی‌ای که بر روی تمدن اورارتوئی می‌تابانند بسیار دقیق می‌باشند. این‌ها اولین تصاویر شناخته شده از اورارتوئی‌ها، پوشاک و سلاحهایشان هستند. آنها لباسهای تونیک^(۲) با آستینهای کوتاه که تا زانو می‌رسید می‌پوشیدند و بالا تنه با یک کمربند پهن احتمالاً از جنس برنز بسته می‌شد. آنها یک نوع کلاه مخصوص با زیور کوتاهی در نوک آن بر سر می‌گذاشتند. آنها مسلح به کمان، نیزه و سپرهای کوچک گرد با برجستگی مرکزی می‌بودند. پوشاک و تجهیزات اورارتوئی با آشوری فرق داشت و بیشتر به هوریت‌ها^(۳) و هیتیت‌ها^(۴) نزدیک بود. مثلاً در آشور کلاه با زیور کوتاه در نوک آن استفاده نمی‌شده مگر حدود اواسط قرن هشتم ق.م با تقلید از کلاه اورارتوئی.

بر طبق سالنامه‌های سلیماناسر سوم، سرزمین مسکونی اورارتوئی‌ها از نظر وسعت بسیار مهم بود، چون شاه آشور اظهار می‌دارد که جنگ را بر اورارتوئی‌ها تحمیل کرده و قلعه‌های آرامه^(۵) را در نقاط کوهستانی بسیار مختلف ارمنستان (کنونی) به تخریب کشیده است. از جنگهای اولین و سومین سال سلطنت وی جزئیات زیادی به ما داده شده است، اما حوادث سالهای آخر بویژه آنهایی که مربوط به سال پانزدهم هستند شرح مختصری می‌دهد. سالنامه‌ها چیزی جز یک گزارش کوتاه از حرکت دشوار سربازان در

1- Karas.

2- Tunique.

3- Hourrites.

4- Hittites.

5- Aramé.

کوهستانها به ما نمی دهند، ولی هیچگونه ذکری از لشکرکشی به اورارتوی مرکزی وجود ندارد. شاید این به نشانه توسعه قدرت اورارتوئی باشد. بی شک سلیماناسر از خطری که در شمال وجود داشت آگاه بود، ولی وسیله ای برای دفاع نداشت.

در پایان حکومت سلیماناسر، آشوریه‌ها یکبار دیگر دستجات خود را بر علیه پادشاهی اورارتو گسیل داشتند، لیکن شاه پیر در بیست و هفتمین سال سلطنتش دیگر فرمانده قشون نبود؛ قشون توسط فرمانده دایان آشور^(۱) هدایت می شد. در زمانی که آشوریه‌ها از رودخانه آراتسانی^(۲) می گذشتند، «ساردوری، رئیس اورارتو، به آن پی برد، و با اعتماد به قدرت قشون بزرگش با شتاب به جنگ با آنها رفت. بنابراین بدین طریق، دوازده سال پس از آخرین اشاره به پادشاه آرامه اورارتوئی، در سالنامه‌های سال ۸۳۴ ق.م، ما به یک رئیس جدید بر می خوریم که نام وی ساردوری است، نامی که ما پس از این در سلسله پادشاهی اورارتو با آن روبرو خواهیم شد.

همچنین از ربع سوم قرن نهم ق.م است که قدیمی ترین محوطه‌های اورارتوئی، از جمله دریاچه وان، تاریخگذاری می شوند.

بر روی پایه جناح غربی سکوی صخره وان، که دژ پایتخت اورارتوئی توشپا^(۳) قرار دارد، باقیمانده‌های حصار سیکلوپی^(۴) ساخته شده از بلوکهای بسیار با ضخامت ۰/۷۵ متر و نزدیک به شش متر ارتفاع که شاید مخروبه‌های یک اسکله یا موج شکن پیشرفته در دریاچه باشد. این دیوار دارای سه کتیبه به آشوری است، هر سه به نام ساردوری^(۵)، پادشاهی که قبلاً در سالنامه‌های ۸۳۴ ق.م. یاد شده است. متن کتیبه‌ها از این قرارند: «کتیبه ای از ساردوری، پسر لوتی پری^(۶)، پادشاه عالی مقام، پادشاه قدرتمند، پادشاه جهان، پادشاه سرزمین نایری، پادشاهی که همتا ندارد، پیشوای قابل ستایش، کسی که از هیچ جنگی نمی هراسد، پادشاهی که آنهایی را که نمی خواستند بفرمانش تسلیم شوند

1- Daian Ashour.

2- Aratsani.

3- Toushapa.

4- Cyclope.

5- Sardouri.

6- Lutipri.

سرافکنده کرد. من، ساردوری، پسر لوتیپری، شاه شاهان، تمامی شاهان به من خراج می‌پردازند. ساردوری، پسر لوتیپری می‌گوید: این سنگ آهک را من به دست خود در شهر آلنی اونو^(۱) تهیه کردم، من این دیوار را ساختم.

مورخین نمی‌توانند تعیین کنند که آیا «ساردوری، پسر لوتیپری» یکی از نوادگان آرامه است یا او تعلق به یک سلسله دیگر دارد. ما هیچ مدرکی که به ما اجازه جواب به این سؤال را بدهیم یا وسیله پیشنهاد کردن محوطه دیگری بعنوان اولین پایتخت اورارتو را نداریم: لیکن دوازده سالی که اولین اشاره به نام آرامه را از آخرین ساردوری جدا می‌سازد جایی برای یک سومین شخصیت از خود بجاء می‌گذارد.

منطقه دریاچه وان از یک شرایط جغرافیائی و استراتژیکی مساعد بهره‌مند است و از قدیمی‌ترین زمانها بطور طبیعی بعنوان مرکز یک دولت متحده سیاسی انتخاب شده بود. این موضوع کمترین اهمیت را می‌داشت اگر این مرکز در یک منطقه کوهستانی با رفت و آمد دشوار و با امکانات کشاورزی کم و ارتباط حداقل با سایر مناطق ارمنستان (کنونی) قرار می‌گرفت.

توسعه و ترقی اورارتو

کتیبه ساردوری اول به آشوری نوشته شده، چیزی که ثابت می‌کند دولتی که اورارتو را به بوجود آورد از قبل بعضی از عناصر فرهنگی دشمن خود، آشور، بویژه خط را به خود جذب کرده بود. قدیمی‌ترین خط تصویری^(۲) برای استفاده‌های امور اداری و مالی حفظ شده بود. نیز جالب توجه است تأکید شود که پادشاه اورارتو خود را «پادشاه سرزمین نایری» با استفاده از نامگذاری قدیمی آشوری نامید.

ما همچنین یک کتیبه‌ای دوزبانه آشوری اورارتوئی از پادشاه ایشپواینی^(۳)، پسر

1- Alniounou.

2- Hiéroglyphique.

3- Ishpouini.

ساردوری اول، داریم: پیکره سنگی کلیشین^(۱). عنوان پادشاه «سرزمین نایری» از متن آشوری از روی عنوان «پادشاه سرزمین بیایینی»^(۲) به اورارتوئی ترجمه شده است. «سرزمین بیایینی» نامی است که عموماً توسط خود اورارتوئی‌ها از اواخر قرن نهم به وطنشان داد شده است. این عبارت، یعنی یک اسم جمع مفرد، کم‌کم دو معنی پیدا کرد. که بخش مرکزی و سرزمینشان (یعنی منطقه دریاچه وان) و همچنین بطریقی عمومی تر کل کشور متمایز از سرزمینهای تحت فرمانی که آنرا احاطه می‌کرد. لیکن از زمانی که عبارت اورارتو بطور همگانی در شرق قدیم بکار گرفته شد کم‌کم جانشین لفظ دقیق بیایینی (لی)^(۳) شد که اورارتوئی‌ها در هنگام صحبت از خودشان بکار می‌بردند.

با نتیجه‌گیری از این بخش، می‌بینیم که اورارتوئی‌ها در قرن سیزدهم ق.م. در تاریخ ظاهر می‌شوند و در این دوره است که تشکیل یک فدراسیون از ایلات و اقوام را می‌دهند و نه یک دولت متحده. در سالنامه‌های آشوری، عبارت اوروآتری در طی یک بُعد زمانی به حد قابل توجه‌ای به جای عبارت «سرزمین نایری» نشست، نامی که تمامی منطقه دریاچه وان را در بر می‌گرفت، خود دریاچه تحت نام «دریای نایری» شناخته شده بود. در قرن نهم آشوری‌ها به هنگام پیشروی به سوی شمال با یک مقاومت شدید از طرف اورارتوئی‌ها تحت رهبری آرامه و ساردوری مواجه شدند. سرزمین اورارتو از این به بعد دولتی تأسیس کرد که، با ثروتهای گوناگون، دست از مبارزه علیه آشور برنداشت. در اواخر قرن نهم، قدرت پادشاهی اورارتو چنان توانائی کسب کرد که آشور مجبور به شناسائی حاکمیت آن بر آسیای مقدم شد. از این دوره است که تاریخ گسترش سیاسی و فرهنگی اورارتو شروع و به لطف آن برای دو قرن بزرگترین دولت در آسیای مقدم گردید.

1- Kelishin.

2- Biaini (Li).

3- Biaini (li).

III

در زمان اولین پادشاهان کبیر

قدیمی‌ترین کتیبه‌های کشف شده به زبان اورارتوئی از زمان سلطنت ایشپواینی^(۱)، پسر ساردوری، تاریخ‌گذاری می‌شوند که قبلاً در سالنامه‌های آشوری ۸۲۴ ق.م. ذکر شده‌اند. خط تصویری^(۲) ابتدائی به سرعت غیرقابل تطبیق بودنش را نسبت به نیازهای دولت جدید اورارتو نشان داد. به این دلیل است که در اواخر قرن نهم، اورارتوئی‌ها خط میخی آشوری را با تغییرات و تسهیلات جزئی حروف جهت مطابقت با زبان خودشان تطبیق دادند. خط تصویری محلی برای کاربردهای مالی و فرهنگی حفظ شد. بر طبق کتیبه‌ها، سلطنت ایشپواینی، پسر ساردوری، به خاطر احداث چندین معبد، دژ، عمارات دیگر، چه در توشیا پایتخت چه در اطرافش معروف است. از تمامی این بناها، فقط تعداد کمی خرابه باقی مانده است، حتی بعضاً چیزی جز مقداری سنگ که حامل کتیبه‌های میخی می‌باشند.

سلطنت پادشاه منوآ^(۳)، پسر ایشپواینی، آغاز زندگی قدرتمند اورارتو می‌باشد. در جنگ‌های با آشور، بعد از این، برتری اغلب با اورارتوئی‌ها بود. معهدالک، با وجود مرزهای مشترکشان، دو کشور بوسیله یک رشته کوه پوشیده از جنگل‌های تقریباً غیرقابل نفوذ از یکدیگر جدا بودند، از اینرو برخوردهای شدید کم اتفاق می‌افتاد.

1- Ishpouini.

2- Hieroglyphique.

3- Menoua.

پادشاه منوآ در تعدادی از مناطق حکمرانی اش، شهرها، دژها، کاخ‌ها و معبد‌ها احداث کرد؛ او کانال‌های آبیاری ساخت و باغها و تاکستانها بوجود آورد. تعدادی از کتیبه‌های با خط میخی فعالیتها و پیروزیهایش را توسط قشونش یادآوری می‌کنند. منوآ برنامه فشرده‌ای برای ساخت و ساز در توشپا، پایتخت پادشاهی، تدوین کرد. او اطراف دژ دیوارهای مستحکم احداث نمود، شهر واقع در ساحل دریاچه نمکی را وسعت داد، آب آشامیدنی را از طریق کانال‌هایی در زمین ناهموار که بیش از ۸۰ کیلومتر طول داشت به آنجا رساند. در بعضی قسمت‌ها کانال‌کشی بوسیله دیوارهایی از بلوک‌های بسیار کشیده شده بود، و آنگاه کتیبه‌هایی نام سازنده را داده و لعنت خداوندی را بر آن کسانی که سعی در تخریب دیوارها کرده یا ادعای سازندگی آنها را داشته باشند می‌فرستاد.

گسترش سرزمین اورارتو همراه بود با تقویت اقتدار مرکزی، با تولد یک طبقه رهبری، با ایجاد یک سیستم اداری مناطق مختلف و احداث یک معبد پذیرای تعداد زیادی از الهه‌های کوچکتر نسبت به قبلی‌های مورد احترام هر ایل متمایز. خدایان سه گانه مورد پرستش اورارتوی مرکزی: خالدی^(۱)، تی شبا^(۲) و شیوینی^(۳)، در صدر این معبد قرار داشتند.

طاقچه‌ای در کوهستان وان، اکنون تحت نام مهری - دور^(۴) («درب مهر») متن طولبی را از قرن نهم ق.م. حفظ کرده، که یک لیست مضاعف از ۷۹ خداوند را می‌دهد و از قربانیهای (گاونر، گاو ماده و گوسفند) یاد می‌کند که به آنها اهدا می‌شدند.

خالدی مهمترین خداوند اورارتوئی می‌باشد که بیشترین کتیبه‌ها درباره او هستند. این خداوند والا مقام معبد بزرگ اورارتویی بشکل یک انسان (گاهاً با ریش، گاهاً بدون ریش) بر روی یک شیر ایستاده است (تصویر ۱۳). وی همسر الهه آروبانی^(۵) بود. او خداوند

1- Khaldi.

2- Teishba.

3- Shivini.

4- Mheri - Dour.

5- Aroubani.

جنگ بود و زمانیکه پادشاه رهسپار جنگی می شد به وی دعای خیر می بخشید؛ اوست که پادشاه برای پیروز شدن نمازگذارش می بود و کسی که مسئول تمامی موفقیت های نظامی بود. در معابد موقوفه خالدي، آئین مذهبی جنگ برگزار می شد، مدارک بسیاری از آن را داریم: شمشیرها، نیزه ها، تیروکمانها در این محل مقدس گذاشته می شدند، سپرها بر دیوارها آویزان گشته و خود معبد «خانه سلاحها» نامگذاری شده بود.

خداوند تی شبا، خدای رعد و برق (بوسیله ایدئوگرام^(۱) آشوری خداوند آداد^(۲) نشان داده شده) مکان دوم را در معبد بزرگ اورارتوئی دارا بود. هم نام خداوند هوریت^(۳)، تشوب^(۴) که مراسم مذهبی اش در آسیای صغیر بسیار رواج داشت، او با ظاهری بشکل انسانی بر روی گاونر نشان داده شده، که اغلب در دست خود یک مشت روشنائی ها دارد. همسرش هوبا^(۵) هم نام الهه هوریت هپات^(۶) بود.

سومین خداوند معبد بزرگ خداوند آفتاب شیوینی^(۷) می بود، که اغلب بوسیله ایدئوگرام آشوری برای نان دادن شاماش^(۸) استفاده شده است. مردی زانورده که در دستهایش صفحه خورشید بالدار را گرفته، یعنی نشان اش، را ارائه می داد. همسر شیوینی احتمالاً الهه توش پوئا^(۹) بود که مقام سوم را در لیست الهه های مهری - دور دارا می باشد. پیکره های زنانه بالدار که اغلب دیگ های بزرگی را که جهت مراسم مذهبی تهیه شده اند مزین می کنند، شاید، این الهه را نشان می دهند.

معبد بزرگ اورارتوئی همچنین در برگیرنده خدایان دیگر کشورها و شهرهای بزرگ

1- Ideogramme.

ایدئوگرام: علامتی در حروف که معنی چیزی را می رساند و حرکات و اصوات را نمی رساند.

2- Adad.

3- Hourrite.

4- Teshoub.

5- Houba.

6- Hepat.

7- Shivini.

8- Shamash.

9- Touthpouea.

فتح شده و خداوندان مشترک در توتم‌ها^(۱) و معتقدان جادوگری بود. بدین‌سان لیست ذکر می‌کند «خداوند شهر آردا» (موساسیر)^(۲)، «خداوند شهر کومانو»^(۳)، «خداوند شهر توشپا»^(۴) (پایتخت پادشاهی)، و «خداوند شهر خالدی»^(۵). اینان خداوندان مراکز مختلف مذهبی بودند، که بخشی از پادشاهی محسوب می‌شدند. از میان خداوندان با مفهوم توتمی^(۶)، ما به خداوندان زمین، دریا، آب، کوهستانها، غارها و غیره برمی‌خوریم. مذهب اورارتو منعکس‌کننده عناصر آئین‌ها و سیاست‌هایی که در مناطق مختلف آسیای مقدم مشترک بودند، بدون اینکه از آنهمه اعتقادات محلی قدیمی غفلت کرده باشیم، می‌بود.

یک نقش برجسته یافت شده در کاخ شاه آشور، سارگون، که غارت شهر موساسیر را در سال ۷۱۴ ق.م. نشان می‌دهد، بطور مخصوصی در این مورد جالب است. این نقش برجسته یکی از قدیمی‌ترین معابد اورارتو را نشان می‌دهد، که طبق متون قدیمی توسط اورارتوئی‌ها در موساسیر در اواخر قرن نهم بنا شده است. این معبد، که بر روی یک سکوی برآمده بنا شده، دارای یک پشت‌بام با شیب دوگانه با یک سر در روبالای مایه اصلی که در رأس بشکل نیزه می‌باشد، است. نمای جلو شش ستون با یک درب کوتاه در مرکز را نمایش می‌دهد. دیوارها و ستونها مزین به سپر طلائی و نقره‌ای هستند و در ورود دو مجسمه برنزی در حالت دعا کردن در مقابل دو نیزه بزرگ قرار دارند.

در اولین نگاه متوجه می‌شویم که معبد اورارتوئی در نقش برجسته سارگون با معابد بین‌النهرینی^(۷) کاملاً فرق دارد؛ بیشتر به معابد آسیای صغیر شباهت دارد، که هم‌نوع معابد کلاسیک یونانی شده، وانگهی می‌توان حتی یک نوع نزدیکی بین مجسمه‌های زنانه بالدار دیگرهای اورارتوئی و آنهایی که در معابد کهن یونانی و گورهای اتروسک

Totems

۱- روح یا جانور حامی شخص یا قبیله.

2- Arda (mousasir).

3- Koumanou.

4- Tushpa.

5- Khaldi.

6- Totémistique.

7- Etrusque.

یافت می شود بوجود آورد.

متأسفانه، معماری و هنر اورارتوئی در زمان سلطنت پادشاه منوآ شواهد کمی از خود به جای گذاشته اند، هر چند که ما کتیبه های بسیاری از این پادشاه در دست داریم. شاید یافته های آینده باستانشناسی این نقیصه را جبران خواهند کرد.

گسترش پادشاهی اورارتو در زمان سلطنت آرگیشتی، پسر منوآ، که در ربع اول قرن هشتم به تخت نشست، ادامه یافت.

در قلعه وان در نزدیکی یک اتاق بزرگ کنده شده در صخره، احتمالاً مقبره سلطنتی، یک کتیبه به خط میخی طویل یافت شده که تحت نام «وقایع تاریخی هورهور»^(۱) شناخته شده است. این کتیبه شرحی از لشکرکشی های متعدد که سرزمین اورارتوئی را وسعت بخشید، الحاقات جدید و اقدامات سازندگی پادشاه را می دهد. آرگیشتی از ابتدای سلطنت خود حمله جنگجویانه ای بطرف مرزهای غربی اش جهت گشودن راهی بطرف مدیترانه تدارک دید تا خطوط اصلی تجاری را که توسط آشوریها کنترل می شد بدست آورد. جنگهای تن به تن آرگیشتی با آشوریها نیز در کتیبه های نگاشته شده توسط شامشی - ایلو^(۲) فرماندار آشوری که از کاخ خود در تیل - بارسپ^(۳) مشرف به فرات جاده بطرف دریا را مراقبت می کرد، ذکر شده است.

آرگیشتی، همزمان که لشکرکشی های غربی خود را پیش می برد، سرزمین های واقع در قفقاز میانی در دره آراز (ارس) را متصرف می شد.

اربونی^(۴) و آرگیشتی خینیلی^(۵)

شرحیات سال چهارم «وقایع تاریخی هورهور» اشاره به لشکرکشی در شمال سوریه

1- Chronique De Horhor.

2- Shamshi - Ilou.

3- Til - Barsip.

4- Erebouni.

5- Argishtikhinili.

برای جنگ در هاتی^(۱) و در ملتیا^(۲) دارد، و سال بعد شرحیات فتوحات باز هم شمالی تر می باشند و توصیف بنای شهر اربونی «جهت نشان دادن قدرت سرزمین بیایینی^(۳) و فرو بردن دشمنانش در ترس». در آنجا بویژه قید شده که ۶۶۰۰ زندانی سرزمینهای هاتی و تسوپانی^(۴) (زندانیانی که سال قبل در جریان جنگ گرفتار شدند) در شهر جدید اسکان داده شدند. انتقال زندانیان به یک فاصله قابل توجه روش مشترکی نزد رؤسای آسیای قدیم بود؛ این روش گاهاً اجازه تضعیف دشمن و تهیه کارگران فراوان را می داد. در وضعیتی که قید کردیم، زندانیان مجبور بودند چیزی در حدود ۷۰۰ کیلومتر راه ناهموار را طی کرده و خود را از وطنشان کاملاً بریده ببینند.

شهر بزرگ اربونی، که در دامنه تپه‌ای در ابتدای درّه آراز (ارس) بنا شده، می بایست بعنوان پایگاه پیشرفته اورارتوئی در منطقه دریاچه سوان^(۵) مورد استفاده قرار گرفته باشد؛ منطقه کوهستانی، غنی از چهارپایان، محل سکونت ایلاتی که نوع زندگیشان از تمدن (هورریت‌ها) الهام گرفته بود. قلعه با کاخ سلطنتی اش، معبدش، و انبارهایش، بر روی تپه طویل آرین - برد^(۶)، طبق نقشه‌ای تقریباً سه گوش (تصویر ۱-۷) احداث شده بود. به یاری حفاریهای اصولی که در سال ۱۹۵۰ آغاز شد، و طی پانزده سال کار مداوم، باستانشناسان توانستند نظریه کاملی از قلعه تهیه کنند. به محض این که بازدیدکنندگان از درب‌ها می گذشتند خود را در یک حیاط وسیع (بعد از تخریب مرتب شده) با ساختمانهای ضمیمه معبد در سمت چپ، انبارهایی در سمت راست و نمای معبدی را در مقابل می یافتند. کتیبه‌های نصب شده در دیوارها اشاره به موارد استفاده عمارات و اسامی سازندگان (آرگیشتی اول و پسرش ساردوری دوم) داشتند. از معبد چیزی باقی نمانده، اثر تاریخی طویل آراسته به نقاشی دیواری، فقط چندین کتیبه دکوراتیو و یک تصویر از خداوند خالیدی بر روی شیر (تصویر ۱۳). نما حامل دو ردیف ستون بود، و بر

1- Hatti.

2- Melita.

3- Biani.

4- Tsoupani.

5- Sevan.

6- Arin - Berd.

روی طرف چپ یک برج بنا شده بود. کاخ مشتمل بر یک مجموعه ساختمانها با مقاصد گوناگون می شد. چندین پله به یک حیاط با ردیفی از ستونها منتهی می شد که در قسمت غربی یک «سوسی»^(۱) کوچک را عرضه می کرد که فقط از یک اتاق مستطیلی تشکیل شده بود (تصویر ۶). کتیبه های هر سمت از ورودی اشاره به این داشت که توسط آرگیشتی اول بنا شده و به خداوند یوبشا^(۲) وقف شده است. در قسمت شرقی ردیف ستونهای اطراف، چندین ساختمان اداری وجود داشتند که یکی از اتاقها بطور با شکوهی دکوربندی و نقاشی به سبک آشوری با نوارهایی مزین به موضوعات هندسی یا تصویر درخت مقدس با کادربندی فرشتگان، گاوهای نر و شیر بود (تصویر ۸-۱۲). رنگهای اصلی بکار رفته برای این نقاشی های دیواری عبارتند از سفید (برای زمینه)، سیاه (برای خط کشی طرح)، قرمز و آبی (برای پرکردن). کاخ های آشوری، مثلاً کاخ آشوربانی پال^(۳) در کالاله^(۴) (نیمروود^(۵))، دکورهای خیلی مشابه ای را نشان می دهند.

عمارت های مختلفی بخش جنوبی حیاط را اشغال می کردند: بویژه اتاق هایی با ردیف ستون بندی مرکزی و انبارهای شراب و سایر مواد خوراکی. زیرزمینها هنوز هم نمایانگر آثاری از خمره های بزرگ درون خاک هستند که بعضی از آنها می توانستند ظرفیتی تا بیش از یک هزار لیتر داشته باشند. در شمال کاخ، حیاط دیگری که با اتاق های کوچک اشغال شده بود وجود داشتند.

یک عمارت بزرگ با یک اتاق باستون مرکزی که در آنجا شراب نگهداری می شد بخش شرقی دژ را در اختیار داشت. این اتاق با انبارهای کوچکتر احاطه شده بود که بعضی از آنها به عنوان انبار غلات مورد استفاده قرار می گرفتند. اتاق مرکزی بطور باشکوهی مزین به نقاشی های دیواری بود، تعدادی تصویر (صحنه های شکار، گله بانی، قربانیها) نقش بسته، سایرین فقط دکوراتیو بودند. حفاری این اتاق هنوز در دست

1- sousi (Susi).

2- Ioubsha.

3- Assurbanipal.

4- kalaleh.

5- Nimroud.

اجراست و نمونه‌های هنری قابل توجه اورارتویی را عرضه می‌کند.

در زمان‌هایی از تاریخ اربونی - شاید به اندازه سن اورارتویی، شاید دیرتر - آثار دژ بازسازی شده‌اند و ردیف ستون نمای خارجی معبد امتداد داده شده و با یک دیواری احاطه گردیده است که دالانی چهارگوش با سی ستون را بوجود آورده و مشابه یک آپادانای هخامنشی می‌باشد که ورودی کاخ را می‌پوشاند. اتاق مرکزی انبار بزرگ نیز تغییراتی یافته است: در زیرزمین فعلی پایه‌های ستون‌هایی با کتیبه‌های آرگیشتی اول و قطعاتی از ظرف شراب یافت شده‌اند.

حفاری اربونی یک مجموعه وسیعی از آثار به خوبی حفظ شده را آشکار کرد که دیوارها از آجر پخته بر روی پایه‌های سنگی قرار داشتند. این دیوارها آثار نقاشی دیواری‌ای را حفظ کرده بودند که ایده‌ای از دکوراسیون باشکوه اتاقهای مختلف را می‌داد و یک موزه کوچک واقعی از هنر دکوراتیو اورارتویی را عرضه می‌کرد؛ برعکس در اینجا به جز تعدادی ناقابل از اشیاء ساخته شده معمولی چیز دیگری یافت نشد. این یافته‌ها ما را به این فکر می‌اندازد که در طی قرن هشتم، دژ اربونی کاملاً فعال بوده است: مسکن پادشاه که شخصاً فرمان لشکرکشی را جهت گسترش سرزمین اورارتو می‌داد، دژ شاهد ورود بدون وقفه سفرائی بود که خراج می‌پرداختند و بدین سان انبارها را پر می‌کردند؛ سپس رها شده، تمامی ثروت انباشته شده در خزاین به جای دیگری منتقل شده‌اند، و فقط آثار کمی از حیات در اربونی باقی ماند (به این دلیل است که در حفاریها فقط چندین شیء بجا مانده بطور اتفاقی - مهر، جواهرات، ابزار برنزی و آهنی و خرده‌ریز پیدا شده‌اند).

اربونی یک مرکز نظامی و اداری مهم، گواه اقتدار پادشاه بر روی زمینهای جدیداً فتح شده و پایگاه پیشرفته عملیات نظامی بود. اما اگر باور کنیم که منابع غنی دشت آرات در دره آراز بعنوان یکی از نواحی حاصل خیز در تمام آسیای مقدم مورد توجه قرار داشت، ضرورتی نداشت که یک مرکز اقتصادی دیگری در این منطقه بوجود آید. فلزات مناطق اخیراً ضمیمه شده ر بوده شده بودند، اسرا و احشام جابجا شده بودند؛ بنابراین لازم بود که کشاورزی و باغبانی بجای فلزکاری و ذخیره‌سازی توسعه پیدا می‌کرد. تعداد بسیاری از کتیبه‌ها به ما اطلاع می‌دهند که اورارتوئی‌ها برای پیشرفت در دره آراز کارهای بزرگی را

انجام دادند: با حفر کانالهای آبیاری آب آراز را به تمام ناحیه منتقل کردند، آنها باغهای میوه و تاکستانهایی احداث و مزارع غلات و حبوبات را توسعه دادند.

خلاصه، شش سال پس از احداث اربونی، آرگیشتی شهر بزرگ جدیدی را بنا گذارد، یعنی مرکز حیات اقتصادی دره آراز و آنرا آرگیشتی - خینیلی («بنا شده توسط آرگیشتی») نامید. شهر جدید یک ردیف طولی از ستونهایی را از هر طرف در اشغال داشت، در یک سطح پائین تر یک کمر بند عریضی از مزارع، باغات و تاکستانها وسعت می یافت. شهر با حصارهای قطور، دیوارهای سنگی توپر تقویت شده با برجهایی و مشتمل بر کشتزارها، معابد و سالنهای انباری احاطه شده بودند. کاخ در داخل دژ واقع شده بود.

تعداد زیادی کتیبه، اساساً متون احداث و مراسم مذهبی، اهمیت آرگیشتی خینیلی را گواهی می کنند، و حفاریهای جاری اظهارات کتیبه نگاری را تأیید می کنند. چندین خانه به خوبی حفظ شده حفاری شدند، و در انبارهای آذوقه شان ظروف گوناگون خانگی و ابزار آلات یافت شدند؛ مقاطع دیوارها پاک شده بودند، یک کتیبه جدید درباره احداث بدست آمد، همین طور هم یک معبد هنوز مورد استفاده در قرون وسطی. با این وجود نمی توانیم بطور یقین سرنوشت آرگیشتی خینیلی را تعیین کنیم. آیا پس از تسلیم اربونی یا دیگر شهرهایی که در قرن هشتم قبل از میلاد جای آنرا گرفتند به رونق خود ادامه داد؟ اطلاعی نداریم.

قدرت اورارتو و قدرت آشور در قرن هشتم ق.م.

در اواخر سلطنت آرگیشتی اول در اواسط قرن هشتم، اورارتو در اوج قدرت خود بود. حاکمیتش بطور محکم در نواحی شمال، در ماوراء قفقاز و اطراف دریاچه ارومیه برقرار بود. اورارتوئی ها بطرف غرب تا سرزمین هیتیت ها پیش رفته بودند. سوریه نیز از شمال تحت تسلط اورارتو بود و حال با در دست داشتن خطوط اصلی تجاری آسیای مقدم، آن را کنترل می کرد. پاشاهی اورارتو از فتح آسیای صغیر توسط آشوریه ها جلوگیری کرد و فرهنگ اورارتوئی شروع به نفوذ در مناطق مدیترانه ای و داخل آسیای صغیر کرد.

از مقبره یک شاه فریگی^(۱) در گوردیون^(۲) (اواسط قرن هشتم) اشیای اورارتوئی بدست آمد - خمره‌های کوچکی بشکل کله حیوانات، دیگ‌های بزرگ مفرغی مزین به کله‌های گاو نر و مجسمه‌های بالدار - و همانطوریکه قبلاً اشاره کردیم، اشیائی از همان نوع نه فقط در یونان جزیره‌ای و قاره‌ای حتی در ایتالیا نیز یافت شده‌اند.

گسترش اورارتو، با قراردادن جاده مدیترانه‌ای تحت کنترل خود، ضربه‌ای به آشور زد، که در آن زمان وضعیت عمومی بدی داشت. در نتیجه، آشور خود را در سیر قهقرائی اقتصادی و سیاسی دید؛ آشور قادر به مقاومت در مقابل فشار اورارتو نبود و سرزمین‌هائی را که ضمیمه خود کرده بود یکی پس از دیگری از دست داد.

قشون اورارتوئی‌ها یک نیروی ضربتی هولناکی شده بود. در زمینه نظامی مانند بسیاری زمینه‌های دیگر، در واقع، اورارتوئی‌ها خیلی مدیون دشمنان خود، آشوری‌ها بودند. در قرن نهم تجهیزات نظامی اورارتوئی مشابه تجهیزات ایلات هورریت^(۳) بود؛ اما در زمان سلطنت آرگیشتی، همانطور که گاهاً نمایش اسلحه‌ها و زره‌ها در آثار هنری و آخرین یافته‌های باستانشناسی گواهی می‌دهند، تجهیزات نظامی آشوری (کاسک، سپر، پوشاک و اسلحه‌ها) ملزومات معمولی سرباز اورارتوئی شده بود. فرهنگ و نوع زندگی طبقه اداره‌کننده پادشاهی وان نیز بشدت تحت تأثیر تمدن آشوری قرار گرفته بود.

حدود اواسط قرن هشتم، ساردوری، پسر آرگیشتی، به هنگام جلوس بر تخت سلطنت، وارث یک پادشاهی روتق یافته و شکوفان شد. او سیاست خارجی پدر خود را دنبال کرد، یک برنامه سازندگی فعال در مرکز پادشاهی به اجرا گذاشت و دست از توسعه مراکز اداری و اقتصادی موجود برنداشت. اثبات آن، نوشته‌های تهیه شده توسط آرگیشتی اول و ساردوری دوم می‌باشند در کنار یکدیگر.

سکوی صخره‌ای وان مرتفع‌ترین قسمت توشپای پایتخت باقی ماند و بر روی شیب شرقی، ساردوری در دو طاقچه بزرگ کنده شده در صخره، دو سنگ نوشته برجسته تهیه

1- Phrygie.

2- Gordion.

3- Hourrites.

کرد که بر روی آنها وقایع سلطنت خودش حک شده‌اند. یکی از آن دو تا حال باقی مانده است که قسمت زیرینش صدمه دیده؛ این سنگ نوشته ۹ سال سلطنت ساردوری را پوشش می‌دهد. از نقش برجسته دومی فقط چند تکه باقی مانده است، که جنگهای پیروزمندانه پادشاه اورارتو بر علیه آشور را در بردارد و در همانجا اطلاعاتی درباره سرزمین اسلحه می‌دهد که در دره بالای دجله واقع است، جاییکه پس از سقوط اورارتو هسته یک سازمان جدید ارمنی، یعنی اجداد ارمنی‌های امروز، تشکیل شد. این سالنامه‌های سنگی، که به نظر می‌آیند بیست و دو سال را پوشش دهند، به روشنی نشان می‌دهند که، تحت سلطنت ساردوری دوم، دولت اورارتو دست از وسعت بخشی و حاصلخیزی برنداشت. فرات مرز غربی پادشاهی شد؛ و حاکمیت اورارتوئی بخوبی در ناحیه شمال آراز و اطراف دریاچه ارومیه باقی ماند.

بعضی از کتیبه‌های تحریر شده توسط ساردوری دوم که اشاره به ساختمانهای جدید دارد در اربونی یافت شده‌اند. ایلاتی که در سواحل دریاچه ارومیه زندگی می‌کردند بالاخره تسلیم شده و دژهای جدیدی در منطقه احداث شدند. از طرف دیگر، ساردوری بطور غیرتمندانه‌ای بر شکوفائی آرگیشتی خینیلی نظارت می‌کرد.

با وجود این سلطنت ساردوری دوم در اثر پیشرفت جدید آشور لرزید. در سال ۷۴۵ ق.م. پس از یک قیام در کالاله^(۱) و جلوس به تخت سلطنت آشور تقلال - فالاسار سوم^(۲)، وضعیت در آسیای مقدم تغییرات اساسی را شاهد شد. شاه جدید قشون را دوباره سازماندهی کرد و تصمیم به برقراری مرزهای قدیمی کشور خود و فتح دوباره سرزمین‌هایی که قبلاً از دست داده بودند گرفت.

البته آشور از حاکمیت اورارتوئی در شمال سوریه چندان خرسند نبود و از سال سوم سلطنتش (۷۴۳ ق.م)، تقلال - فالاسار بطرف غرب روانه شد و در آرپاد^(۳) اورارتوئی‌ها و

1- Kalaleh.

2- Téglath - phalar.

3- arpad.

هم پیمانان سوری‌اشان (آگوسی^(۱)، ملیتا^(۲)، قورقوم^(۳) و کوم‌موح^(۴)) را شکست داد. تعدادی از سوری‌ها زندانی شدند و سالنامه‌های آشوریه‌ها شرح می‌دهند که ساردوری خود شبانه توانست فرار کند و توسط تقلال - فالاسار تا مرزهای اورارتو در فرات تعقیب شد. سالنامه‌ها شرحی از غنایم فراوان تصرف شده در اردوی اورارتوئی از جمله یک ارابه، یک تخت خواب، اشیای باارزش گوناگون و انگشتی سلطنتی می‌دهند.

آشوریه‌ها، برای این دفعه، سعی در برقراری حاکمیت خود در شمال سوریه کردند، و در سرزمین اورارتو جنگی انجام ندادند. تقلال - فالاسار منتظر سال ۷۳۵ شد تا تصمیم به نفوذ به اورارتو را بگیرد، اما همان زمان، بدون برخورد به مقاومتی، وی تا توشیا پیش رفت و مقرش را در مقابل دژ صخره‌ای وان، جاییکه ساردوری در آنجا بود، مستقر نمود.

سالنامه‌های سلطنتی آشوری‌ها بدین‌سان صحنه را شرح می‌دهند: «من ساردوری اورارتوئی را در پایتختش توشیا محبوس کردم و قتل عام بزرگی در مقابل درب‌های شهر بزرگ انجام دادم پس از آن تصویر سرزمین پادشاهی خود را بر روی دیوارهای شهر نقش کردم». با این وجود دژ تسخیرناپذیر بر روی صخره‌اش از مقر خود دفاع کرد، و آشوریه‌ها پس از تخریب شهر از آنجا رفتند. در مجموع، پیروزی تقلال - فالاسار ضربه‌ای به قدرت اورارتو زد اما این ضربه کشنده نبود. با این حال دولتهای جدید، یکی پس از دیگری از فرمان دولتی که در حال تضعیف بود سرزده و ساردوری می‌بایست برای فتح مجدد سرزمینهایی که پدرش ضمیمه پادشاهی کرده بود جنگ کند.

کتیبه‌ها و سازندگی‌های دوران سلطنت روسا اول

شناخت ما از تاریخ اورارتو تکه‌تکه است و دوره‌های متعددی وجود دارند که درباره آنها اطلاعات مکتوب نداریم. یک مورد سالهای آخر سلطنت ساردوری دوم و ابتدای سلطنت پسرش روسا می‌باشد.

1- Agousi.

2- Melita.

3- Gourgoum.

4- Koummouh.

روسا در دوره‌ای شاه شد که پادشاهی وان با مشکلات بزرگی مواجهه بود. او نه فقط می‌بایست مرزهای قبل از سال ۷۳۵ را احیا می‌کرد، حتی با دولتهای ایالات مختلف که استقلال خود را اعلان می‌کردند و همزمان سعی در دفاع از کشور خود در مقابل حمله‌های آشور را داشتند جنگ می‌کرد.

یک کتیبه دوزبانه در گردنه‌ای که منطقه دریاچه اورمیه را از سرزمین موساسیر^(۱) جدا می‌کند یافت شده که از این وضعیت به ما آگاهی می‌دهد: «روسا، پسر ساردوری، می‌گوید: اورزانا^(۲)، پادشاه شهر آردینی^(۳) (موساسیر) در مقابل من ظاهر شد. من به پشتیبانی تمامی قشون وی فکر کردم ... من اورزانا را فرماندار منطقه کردم و او را در شهر آردینی قرار دادم. همان سال، من روسا، پسر ساردوری، رفتم به شهر آردینی و اورزانا مرا به روی تخت بزرگ سلطنت پادشاهان، یعنی اجدادش نشاند. در حضور خدایان در معبد و در حضور من او قربانیها اهدا کرد ... او گروههای کمکی‌اش را در اختیار من گذاشت. ... و ارابه‌های جنگی هر چقدر که در اختیار داشت. من، گروههای کمکی را گرفته و با اطاعت از خالدی^(۴)، من روسا، به کوهستانهای آشور رفتم و قتل‌عامهای بزرگی انجام دادم پس از آن، اورزانا را دستگیری کردم و حمایتش نمودم. ... من او را به عنوان جانشین مستقر کردم تا بتواند سلطنت کند ...». این نقل قول به روشنی نشان می‌دهد که، برای اورارتوئی‌ها، موساسیر چیزی بیشتر از یک موضع دفاعی ساده بود، یعنی یک پایگاه حمله علیه آشور.

روسا، پسر ساردوری، می‌بایست نه تنها مقید به دفاع از کشورش می‌شد، بلکه حتی حاکمیت خود را در داخل پادشاهی تحکیم می‌بخشید، مخصوصاً در سرزمین‌های پیرامون. او اداره‌جات منطقه‌ای را با تعویض فرمانداران بوسیله معاونان پادشاه که فقط در مقابل وی مسئول بودند تجدید سازمان کرد؛ او در ساخت شهرها و دژها اصرار داشت، چون هجوم اخیر آشوری آنها را خیلی تخریب کرده بود.

1- Mousa Sir.

2- Ourzana.

3- Ardini.

4- Khaldi.

کتیبه‌های کمی به نام روسا به دستمان رسیده‌اند. بنابراین فقدان مدارکی از این نوع در دژ صخره وان به ما اجازه نمی‌دهد که نتیجه بگیریم که قلعه پایتخت قبلاً به روی تپه توپراک کالا نقل مکان داده شده باشد. مراکز قدیمی‌تر ماوراء قفقاز توسعه را ادامه می‌دادند. اشیائی (سپر برنزی، جام) با کتیبه‌های به خط میخی به نام آرگیشتی اول، ساردوری دوم و روسا اول در انبارهای اربونی و نیز در دژ تی شبائینی^(۱) (کارمیر - بلور) یافت شده‌اند، مکانی که این اشیاء به آن جا منتقل شده‌اند. روسا بطور وسیعی مراکز اورارتوئی در شمال را که توسط هجوم وسعت گیرنده ایلات چادر نشین، مخصوصاً سیم‌مریها^(۲) که از قبل در زمان سلطنت پدرش از قفقاز گذشته و به آسیای مقدم نفوذ کرده بودند تهدید می‌شد تحت نظر داشت.

او دو دژ در منطقه دریاچه سوان^(۳) احداث کرد، در غرب «دژ خداوند خالیدی»، در جنوب، «دژ خداوند تی‌شبا». اولی در روی صخره بلندی به جای شهر کنونی کامو^(۴) (سابقاً نور - بایزید)^(۵) بنا شد. یک کتیبه پایه روی یک سنگ زاویه دار به دست ما رسید: «روسا، پسر ساردوری می‌گوید: من بر شاه سرزمین او الیکوهی^(۶) پیروز شدم، او را برده کردم، و او را از کشورش دور نمودم. بنابراین به جایش یک نماینده پادشاه گذاشتم و دروازه‌ها و دژهای محکم بنا کردم و نام «دژ خداوند خالیدی» به آن دادم. سرزمین او الیکوهی قبلاً در زمان سلطنت ساردوری دوم فتح شده بود اما بی‌شک این فرماندار وفاداری متزلزلی را در طی سالهای سخت اورارتو به اثبات رسانده بود و باید مطیع می‌شد.

یک کتیبه یافت شده در دژی واقع در نزدیکی شهر فعلی تسووینار^(۷) که بر جاده جنوبی دریاچه احاطه دارد، از شکست بیست و سه دولت دشمن را فقط در یکسال و احداث یک دژ محکم اهدائی به خداوند تی‌شبا «جهت نمایش قدرت سرزمین بیایینی و

1- Teishebaini.

2- Cimmériens.

3- Sevan.

4- Kamo.

5- Nor - Bayazid.

6- Ouelikouhi.

7- Tsovinar.

در وحشت نگهداشتن دشمنانش» سخن می‌گوید.

بنابراین روسا بدنبال حفظ حاکمیت خود در یک وضعیت دشوار و لرزان گاهاً در داخل و خارج پادشاهی خود بود. او یک سیاست خارجی شایسته، با اجتناب از هر نوع جنگ آشکار با آشور که قدرت پیشین خود را بازیافته بود به اجرا گذاشت و در جستجوی ایجاد امنیت در مرزهایش از طریق معاهدات اتحاد با رؤسای کشورهای همسایه شد. سلیمانسر پنجم پادشاه آشوری که موقعیت داخلی اش متزلزل بود چندان هم دل واپس اورارتو نبود. با وجود این، در سال ۷۲۲ ق.م، زمانیکه سارگون، پسر تقلاب - فالاسار، برادرش را سرنگون و خود بر تخت سلطنت آشور نشست، شرایط به یکباره تغییر کردند. سارگون از اولین ماههای سلطنتش از نزدیک علاقه‌مند به وقایع در سرزمینهای همسایگان شد. او فعالیت‌های دمدی شاهزادگان در سوریه و فلسطین را که توسط مصر حمایت می‌شدند زیر نظر گرفت؛ او، در جنوب کوشید که اطاعت بابل را کسب کند؛ و در شمال، تصمیم به نابودی دشمن خیلی قوی خود، اورارتو، گرفت. سارگون ابتدا به سوریه و فلسطین پرداخت، بر فرعون مصری شاباکا^(۱) پیروز شد و سپس توجه خود را به مرز شمال معطوف کرد.

بایگانی‌های سرویس مخفی آشوری

آرشیوهای سلطنتی نینوا و کالاله مجموعه‌ای از اسناد قابل توجه مربوط به تدارکات جنگهای سارگون علیه پادشاهی اورارتو برایمان به جا گذاشته‌اند. آنها گزارشات مأموران مخفی آشوری ارسالی به کشورهای دشمنان می‌باشند - لوحه‌های کوچک گلی که به راحتی قابل مخفی کردن هستند، و خلاصه این گزارشات بر روی لوحه‌های بزرگتر توسط سن‌ناشرب^(۲) وارث تاج و تخت نوشته شده، که مسئول سرویس عملیات جاسوسی بود.

یکی از این مأموران خاطر نشان می‌کند «که او پیغام بر مخصوصی را فرستاد تا از

1- Shabaka.

2- sennacherib.

آخرین خبرهای اورارتو جویا شود» و اینکه او «شهر به شهر تا توشپا را جستجو کرد». قاب‌بوآنا - آشور^(۱) یکی دیگر، از یک پست مرزی می‌نویسد: «پیغام‌برهای من به نابولی^(۲)، آسقور - بل - دان^(۳) و آشور - ریسوآ^(۴) خواهند رفت؛ آنها باید کار خود را انجام دهند. ما اسامی همه آدمها را ثبت کردیم. هر یک از آنها مأموریت خود را انجام خواهد داد؛ از هیچ چیز غفلت نشده است. ما از چندین جهت شنیدیم که پادشاه اورارتو توشپا را ترک نکرده است». جالب است یادآور شویم که مأمورانی که اسامی آنها در گزارشات قید شده اطلاعات خود را مستقیماً به شاه آشور می‌فرستادند، همچنین در میان لوحه‌های بایگانی‌های نینوا، یازده نامه از آشور - ریسوآ وجود دارند و اطلاعاتی که او داده در هشت نامه خبرچی‌های دیگر قید شده‌اند.

گزارشات این سرویس مخفی آشوری ما را با یک جنگ ناخوشایند اورارتوئی‌ها علیه سیم‌مریها آشنا می‌کند، که در طی آن، رؤسای لشکرکشی از جمله فرماندار ایالت اوآی‌آیس^(۵) (در جنوب غربی دریاچه وان) کشته شدند. این گزارشات از هم‌پاشیدگی اورارتوئی‌ها را به دنبال شکست قشونشان ذکر می‌کنند. آشور - ریسوآ چهار نامه اختصاص به قیام فرمانداران اوآی‌آیس و فشار وارده توسط پادشاه اورارتو می‌دهد. لیکن مادامیکه روسا در اوآی‌آیس بود قیامی در توشپا، یعنی پایتخت، بوقوع پیوست، قیامی که توسط ناراقو^(۶) سرلشکر خود پادشاه رهبری می‌شد. نامه‌ها شرح می‌دهند که روسا به توشپا برگشت، سرلشکر عصیانگر و بیست افسر را که به عصیان پیوسته بودند توقیف کرد و اینکه یکصد سرباز را در واحدهائی که از عصیان حمایت کرده بودند اعدام کرد. روسا، پس از برقراری نظم در کشورش تمایل به استحکام مرزهایش پیدا کرده و در شمال خط دفاعی محکمی ساخت، سپس یک سری حملات فریبنده علیه آشور انجام

1- Gabbouana - Ashour.

2- Nabouli.

3- Asgour - Bel - Dan.

4- Ashour - Risoua.

5- Ouaias.

6- Naragou.

داد. در غرب، با آمباریس^(۱) رئیس سرزمین تابال^(۲) پیمان بست. در سال ۷۱۳، سارگن عکس العمل نشان داده دستجاتی را به آنجا فرستاده آمباریس را زندانی کرد. در جنوب، روسا با قراردادن اورزانا^(۳) در تخت سلطنتی این پادشاهی در موساسیر موضع خود را مستحکم کرد. سارگون بلافاصله با ارسال نامه‌ای تهدیدآمیز به اورزانا از وی خواهان توضیح شد. در جوابش، اورزانا بی طرف حرف می‌زند و وانمود می‌کند که سرزنشهای آشوریه‌ها توجیه‌پذیر نیستند. رقابت نفوذی شدیدی نیز بین پادشاهان اورارتو و آشور در مانا^(۴) واقع در جنوب دریاچه اورمیه وجود داشت. سارگون آزا^(۵) را که تحت حمایتش بود بر تخت سلطنتی مانائی گذاشته بود؛ که بدنبال آن روسا قیامی در کشور برانگیخت و تخت سلطنتی را به اول لوسونو^(۶) داد. در سال ۷۱۶ ق.م سارگن قشونی به مانا فرستاد، به راحتی بر فرماندار جدید، که تسلیم سرنوشت خود شده بود، فاتح شد، او را بخشید، و یک تمثال از صورت سارگن، به نشان پیروزی تهیه کرد. سال بعد، روسا قیام دیگری را تدارک دید، و سارگن عملیات را دوباره آغاز کرد و پادشاه جدید دایوککو^(۷) را به هاماتح^(۸) آورد. هر دو رقیب با آتش بازی می‌کردند.

در سال ۷۱۴، سارگن تصمیم به عملیات مستقیم علیه اورارتو می‌گیرد و پس از تدارکات طولانی، قشون خود را به شرق دریاچه اورمیه اعزام می‌کند. یک لوحه بزرگ گلی که در موزه لوور نگهداری می‌شود، گزارشی به زبان ادبی به خداوند آشور ارائه می‌کند، درباره لشکرکشی شاه سارگون اطلاعات قابل تحسینی به ما می‌دهد. خطوط آخر متن اشاره به نویسندۀ نوشته - تاشبار - آشور^(۹) دارد، که از وی چندین گزارش سرّی

1- Ambaris.

2- Tabal.

3- Ourzana.

4- Mana.

5- Aza.

6- Oullousounou.

7- Daioukkou.

8- Hamath.

9- Tashbar - Ashour.

داریم - و کاتب، «نابو - شالیم شونو»^(۱)، کاتب بزرگ سلطنتی، عالم اعظم و وزیر سارگون، پادشاه آشور، پسر ارشد هارماک کو^(۲)، کاتب سلطنتی آشور». بعضی نقش برجسته‌های یافت شده در یک اتاق از کاخ سارگون در دور - شارروکین^(۳) اطلاعات داده شده توسط متون را کامل می‌کنند. این نقش برجسته‌ها اواخر لشکرکشی و تصرف موساسیر را به تصویر می‌کشند.

لشکرکشی سارگون بنا بر متن مهم لوور

متن لوور شرح می‌دهد که در آغاز تابستان ۷۱۴، قشون آشوری کالاله را با کاروان طولی از الاغ‌ها و شترها ترک کرده، از زاب^(۴) بزرگ و کوچک در طغیان آب عبور کرده و با زنجیره‌ای از کوه‌های تقریباً غیرقابل عبور مواجهه شد. متن شرحی مملو از زندگی کوهستانهای پوشیده از جنگلها که نور خورشید نمی‌توانست به آنجا نفوذ کند، از معابر رودخانه‌ای بسیار که «سربازان بر فراز آبها مانند عقابها پرواز می‌کردند» و الاغها و شترهای تدارکات که مانند بزهای کوهی جست و خیز می‌کردند می‌دهد. قشون سارگون قبل از ورود به سرزمین مانا به جائیکه شاه آشور با هدایائی در نواحی مختلف مورد استقبال قرار گرفت از شش گردنه گذشته و از دو رودخانه عبور کرد. سارگون در تصمیم خود برای پیروزی بر اورارتو و رهائی سرزمین مانا از تصرف و احیای مرزهای اولیه پادشاهی خود مصمم شد؛ اما به جای ادامه به طرف شمال غربی، به سوی شرق به طرف زیکیرتو^(۵) و آندی^(۶) منحرف شد. پس از تجهیزات فراوان پست‌های مرزی، سرگرم کشور زیکیرتو شد؛ متاتتی^(۷)، رئیس منطقه، جنگ را نپذیرفته، پایتخت خود، پارد^(۸)، و خزانه قصر خود را رها کرده به کوهستانها فرار کرد.

1- Nabou - Shalimshounou.

2- Harmakkou.

3- Dour - Sharroukin.

4- Zab.

5- Zikirtou.

6- Andi.

7- Metatti.

8- Parda.

سارگون از تعقیب دشمن اجتناب کرده به یکباره مسیرش را عوض کرد. او توسط یک مأمور سرّی مطلع شد که روسا و هم پیمانانش، یعنی رؤسای ایلات کوهستانی، او را دور زده و تدارک حمله در گردنه‌های کوه اوآوش^(۱) (مونی سهند کنونی) را می‌بیند و گزارش سارگون می‌گوید «پیام آوران من مرا با شیوه و تعداد سربازان آنها آشنا کردند».

در میان اسناد مکاتباتی موجود در بایگانی نینوا نامه‌ای یافت می‌شود که در آن سعی در دیدن گزارش پیام‌آور ذکر شده توسط متن در لوور شده است. در این سند بل - ایددین^(۲)، مسلماً رئیس دولت آل‌لابریا^(۳) ذکر شده در متن لوور - در مورد پادشاه اورارتوئی اظهار می‌کند: «پیام‌آور فرماندار آندی^(۴) و پیام‌آور فرماندار زیکیروتو به او آیایس آمدند و به او گفتند که «پادشاه آشور علیه ما قدم برداشته است». به محض اینکه او پیام‌آوران را دید، به زیکیروتو حرکت کرد. با دستجات خود و فرماندار هوبها^(۵)، او پنج روز در داخل راه پیمود، سپس برگشت. به رؤسای مختلف پادشاهی اش گفته بود: «تمامی نیروهای خود را برای اینکه بتوانیم شاه آشور را از پشت غافلگیر کرده و پیروز شویم جمع‌آوری کنید». قابل ذکر است که این نامه به زبان بد آشوری با غلطهای املائی و دستور زبانی نوشته شده است.

سارگون با کسب اطلاع از وضعیت قشون اورارتوئی به سرعت به طرف کشور اویش دیش^(۶) حرکت کرد. او بر روی ارابه خود که توسط سواره نظام احاطه شده بود و بوسیله دوست شخصی اش سین - آهی - اوسور^(۷) هدایت می‌شد سفر می‌کرد. او بطور غیر منتظره‌ای وارد اردوی اورارتوئی شده آنجا را تماماً نابود کرد. دستجات اورارتوئی‌ها، کمانداران و پیاده نظام‌های مسلح به نیزه نتوانستند مقاومت کنند، و «دره‌های کوچک و بزرگ کوهستانها از اجساد آنها پر شد و خون به مانند رودی جریان یافت». بخش بزرگی

1- Ouaoush (Mony Sahand).

2- Bel - Iddin.

3- Allabria.

4- ouaiais.

5- Houbha.

6- Ouishdish.

7- Sin - Ahi - Ousour.

از سواره نظام‌ها، نجبای اورارتوئی زندانی شدند. «در روی کوه اوآوش^(۱) به قشون اورارتو شکست بزرگی وارد آوردم، دشمن درنده من و هم پیمانانش و من آنها را مجبور به فرار کردم. من دره‌های کوچک و بزرگ و گلوگاههای کوهستانها را پر از اسبانشان کردم و من دیدم سربازانی را که مانند مورچگان دیوانه از راههای کوهستانی فرار می‌کردند». گفته می‌شود، خود روسا، ارباب جنگی خود و اسب نظامی‌اش را رها کرده سوار بر یک مادیان فرار کرد.

سپس، قشون سارگون در تعقیب دشمن، ساحل شرقی دریاچه اورمیه را طی طریق کرده، قلعه‌ها و دژها را تخریب، تمامی منطقه را غارت و غلات و حبوبات را در انبارها ذخیره کرد. سارگون از استان سوبی^(۲) که در آنجا اسبهای اورارتوئی را پرورش می‌دادند گذشت و شهر اولخو^(۳) را که طبق نوشته‌ها مرکز مهم کشاورزی و باغداری بود تخریب کرد.

دیوارهای سنگی شهر «مانند کوزه خاکی» خرد شدند. کاخ هم همان سرنوشت را داشت. «سبدهای پر از دانه‌های گندم تا لبه» و انبارهای آذوقه به سربازان واگذار شدند. آشوریه‌ها شرابه‌های معطر را در کانالهای رُسی به مانند آب در رودخانه جاری کردند. دهانه کانالی را که آب آشامیدنی را به شهر حمل می‌کرد بستند و تمامی شهر بزرگ مبدل به باتلاق شد. در تمام دشت و صحرای اطراف «صدای تبرهای آهنی طنین انداخته بود»؛ باغها نابود، درختان درجا شکسته و آتش زده شدند. خرمنها تا آخرین سنبله‌ها غارت شدند؛ سواره نظام و پیاده نظام علفزارها را لگدمال کردند.

قشون سارگون، در حالیکه دریاچه اورمیه را دور می‌زد، بطرف منتهی‌الیه شمال شرقی دریاچه وان رهسپار شد. به نظر می‌رسد که قشون، توشپای پایتخت را کنار گذاشته و در سواحل شمال و غرب دریاچه ادامه داد: مسیر دقیق مشخص نشده است. در لحظه نفوذ به خاکهای نایری، در جنوب دریاچه وان، در راه برگشت، سارگون

1- Ouaoush.

2- Soubi.

3- Oulkhoul.

ناگهان تصمیم به یک حمله غافلگیرانه علیه موساسیر، که فرماندارش اورزانا^(۱) بود، و قبلاً دیدیم که هم‌پیمان پادشاه اورارتو می‌بود، گرفت.

موساسیر در قلب کوهستانها قرار داشت. پس از یک راه‌پیمائی دشوار، قشون آشوری ناگهان به مقابل شهر بزرگ رسیده و «مثل ملخ» در تمامی دشتهای اطراف پراکنده شد. متن لوور شرحی زنده از ترس و اغتشاشی که در داخل شهر حاکم بود و قربانیهای تقدیم شده به خالدی جهت رفع بلای ناگهانی به ما می‌دهد. متن، جنگ تن‌به‌تنی را شرح می‌دهد که به مانند رعد بر بالای شهر بدست سارگون به راه افتاده و طنین نعره سپاهیان قشونش همه جا را پر کرده بود. اورزانا با رها کردن تمام ثروت خود به کوهستانها فرار کرد. موساسیر تسخیر شده و آشوریها ۶۱۱۰ زندانی بدست آوردند؛ آنها ۳۸۰ الاغ، ۵۲۵ سر چهارپا و ۱۲۳۵ راس گوسفند تصرف کردند. سارگون ورود فاتحانه را به شهر انجام داده و «مانند یک پادشاه بر تخت سلطنت نشست».

خزانه‌های کاخ مملو از گنج بودند. «مهر و موم‌های روی درها کنده شده و تمام محتویات آنها بدست شاه آشوری افتاد».

متن، شرح مفصلی از غارت را می‌دهد. کمی بیش از یک تَن طلا و تقریباً پنج تَن نقره، بیش از ۴۰۰ قطعه جواهرات گران قیمت در کاخ تصرف شدند و متن، آنها را در ۴۴ دسته مختلف، شمشیر و خنجرهای طلا، جامهای نقره‌ای به نام روسا، جامهائی با دسته طلا که از تابال^(۲) آورده شده بودند و بسیاری چیزهای دیگر طبقه‌بندی می‌کند.

سارگون پس از تصرف ثروت خزانه‌های کاخ، ملتزمین شخصی خود و رؤسای قشون خود را به معبد خالدی فرستاد که در آنجا ثروتی غنی‌تر در انتظارشان بود. علاوه بر مقدار زیادی طلا (که مقدار دقیق آنرا نمی‌دانیم)، آشوریها پنج تَن نقره و بیش از ۱۰۹ تَن شمش برنز تصرف کردند.

1- Ourzana.

2- Tabal.

آثار هنری اورارتو مشروح در غارت سارگون

متن لوور، لیست کاملی از اشیای گرانقیمت را می‌دهد که در معبد ضبط شدند، و در مجموع ۳۳۳۵۰۰ قطعه می‌شود. این صورت دارائی و اموال سندی است با یک اهمیت استثنائی برای مطالعه هنر و تمدن اورارتو. مثلاً اشاره‌ای به اشیاء زیر دارد: «شش سپر از جنس طلا، به رنگ قرمز آتشی، آویزان در اتاقش، در سمت راست و چپ، با یک روشنی خیره‌کننده؛ این سپرها در مرکز دارای کله سگهائی هستند که دندانه‌های خود را نشان می‌دهند؛ وزنشان ۶/۵ کیلوگرم می‌باشد... یک قفل در بشکل دست؛ میله بست درب با یک هیولای بالدار؛ یک چفت طلائی درب برای بستن درب و چفت محکم معبد و حفاظت توده ثروت درون آن، دو عدد کلید طلائی بشکل فرشتگان بالدار با تاجی بر سر، شمشیری کج و یک شلاق در دست، ایستاده بر روی سگهائی که دندانه‌های خود را نشان می‌دهند. این چهار ابزار بستن درب‌ها، که با هم زینت معبد و قفلها را تشکیل می‌دادند به وزن تقریب ۶۶ کیلوگرم بودند.

یکی از نقش برجسته‌های قصر سارگون - که فقط بوسیله یک تصویر از فلاندین^(۱) شناخته شده است، چون نسخه اصلی در جریان سفر به مقصد فرانسه غرق شده - کوله‌بار معبد موساسیر را نشان می‌دهد. در اینجا سپرهای آویزان بر روی ستونهای نمای معبد و حفاصل بین ستونها، با «کله سگها در مرکز که دندانه‌هایشان را نشان می‌دهند» دیده می‌شوند. آشوریه‌ها را می‌بینیم که آنها را حمل می‌کنند در حالی که یک شخصیت رسمی در یک صندلی تاشو نشسته و مشغول تهیه صورت اجناس است. در مقابل او دو کاتب اسامی اشیاء حمل شده را یادداشت می‌کنند، یکی به خط میخی بر روی لوح گلی، دیگری به خط آرامی بر روی پاپیروس.^(۲) صحنه بعدی توزین و برداشت اشیاء غارتی را نشان می‌دهد.

شرق قدیم به خوبی آداب و رسومی را که شامل وقف سلاح و قرا دادن آن در معابد است می‌شناسد. از آنجائیکه دو خداوند اورارتوئی خداوندان جنگ بودند، در معابد آنها مقدار زیادی سلاحهای مقدس و گرانقیمت انبار شده بودند. بنابراین تعجب ندارد

1- Flandin.

2- Papyrus.

که سارگون در معبد موساسیر «۲۵۲۱۲ سپر مفرغی، سبک و سنگین، ... ۱۵۱۴ نیزه کوتاه مفرغی سنگین یا سبک؛ سرنیزه‌های مفرغی توپر ... زوبین‌های مفرغی با غلاف‌های مفرغی ... ۳۰۵۴۱۲ قبضه شمشیر ...» را متصرف شود.

علاوه بر سلاح‌های معمولی، این معبد سلاح‌ها و زره‌های فلزی گرانقیمت در خود پنهان داشت: «یک شمشیر بزرگ، بلند بالا، که برای ساخت آن تقریباً ۱۴ کیلوگرم طلا لازم می‌بود؛ ۹۶ نیزه کوتاه از جنس نقره؛ ... کمان‌ها و نیزه‌های نقره‌ای مطلقاً؛ دو سپر سنگین از جنس نقره با کله‌های هیولا، شیر یا گاونر وحشی در مرکز آنها ...، ۳۳ ارابه نقره».

خزانه‌ها همچنین محتوی مبلمانهای گرانقیمت و جواهرات بودند که بطور مفصل در صورت غنائم جنگی قید می‌شوند: «۳۹۳ جام نقره‌ای، سنگین یا سبک، ساخته شده در آشور، اورارتو و هاب‌هی^(۱)؛ دو شاخ گاونر وحشی با حلقه‌هایی از طلا بدور آن؛ دو حلقه انگشتری طلا با مهر دربردارنده فرمان‌های باغماشتو^(۲)، همسر خالدي، مزین به سنگ‌های قیمتی؛ ۹ روسری بافته شده جهت پوشاندن سر خدای، با یک صفحه طلائی در حاشیه ... یک تخت از جنس عاج؛ یک متکا از جنس نقره برای سر خدای، قاب شده با طلا و مزین به سنگ‌هایی؛ ۱۳۹ چماق از جنس عاج، ... ده میز از چوب شمشاد، صندلی‌هایی از جنس عاج و چوب شمشاد، جواهرنشانهای طلائی و نقره‌ای، دو محراب؛ چهارده گونه جواهرات برای آراستن الوهیت؛ سنگ‌های گرانقیمت متعلق به خالدي و باغماشتو، همسرش ...»

من فقط چندین خلاصه از صورت اموالی که سارگون در موساسیر به یغما برده بود دادم، خیلی از اسامی اشیاء هنوز قابل ترجمه نیستند؛ اما همین صورت مختصر کافیهست که نفسمان را ببرد. ما چندان هم نمی‌توانستیم منتظر یافتن یک چنین خزانه انباشته در معبد موساسیر باشیم، حتی اگر این واقعیت را در نظر بگیریم که موساسیر یک مرکز مذهبی بوده باشد؛ و از خود سؤال می‌کنیم که آیا اطلاعاتی را که متن لوور به ما می‌دهد

1- Habhi.

2- Bagmashtou.

صحیح می‌باشند. باید اعتراف کنیم که اگر فقط یک سیاهه ساده‌ای از ثروت‌های مقبره فرعون توتان‌خامون^(۱) بر روی پاپیروس نداشته بودیم اشکالات بسیاری در قبول انباشتگی مشابه‌ای از اشیاء قیمتی می‌داشتیم. شاید روسا خزانه‌های کاخ‌ها و معابدش را برای حفاظت از دسترسی آشوری‌ها به موساسیر ارسال کرده باشد؟ معهذا این به نظر چندان هم محتمل نیست، مسافرت از توشپا تا موساسیر خیلی طولانی و مخاطره آمیز بوده، و تمامی منطقه بعثت نزدیکی به مرزهای آشور چندان امن نبودند. بعلاوه بعضی جزئیات متن متذکر می‌شود که خزانه واقعاً به موساسیر تعلق داشت: از جمله دو اشاره به «باغماشتو، همسر خالدي»، در صورتیکه همسر منسوب به خالدي در اورارتوی مرکزی آروبانی^(۲) بوده است. الهه به نام ایرانی، باغماشتو، بطور یقین یک الوهیت قدیمی موساسیر بوده و هنگامی که، تحت نفوذ اورارتوئی، پانته‌اون^(۳) جدید احداث می‌شد، وی نمی‌توانست بجز همسر خداوند عالی باشد.

متن لوور تعدادی اشیاء بزرگ مفرغی را نیز یادآور می‌شود که بعضی از آنها در نقش برجسته کاخ سارگون، بعنوان تزئینات نمای معبد ظاهر می‌شوند. از این قرار «سه دیگ سنگین برنزی، هر یک به ظرفیت ۵۰ پیمانه آب و یک دیگ بزرگ محتوی ۸۰ پیمانه با یک دسته بزرگ مفرغی، که پادشاهان اوراتو آنها را به هنگام قربانیان تقدیمی به خالدي از شراب پر می‌کردند».

کمی دورتر، مسئله مجسمه‌های بزرگ مفرغی است که درون معبد قرار داشتند: «چهار مجسمه بزرگ از جنس مفرغ که قراولان درب معبد را نشان می‌دهند و چهار پایه با پایه مجسمه از جنس مفرغ قالب ریزی شده؛ مجسمه یک شخصیت در حال عبادت؛ یک مجسمه از ساردوری، پسر ایشپواینی^(۴) پادشاه اورارتو، بر روی یک صندلی مفرغی قالب ریزی شده؛ یک گاونر، یک گاو ماده و گوساله‌اش قالب ریزی شده توسط ساردوری

1- Toutankhamon.

2- Aroubani.

3- Panthéon.

پانته اون = معبدی که در قدیم برای تمامی خداوندان می‌ساختند.

4- Ishpouini.

که تمامی مفرغ معبد خالدي را قالب‌ریزی کرد؛ مجسمه آرگیشتی، پادشاه اورارتو، تاجی بر سر مزین به ستارگان خداوندی که دست را برای رحمت بلند کرده، که با پایه مجسمه تقریباً به وزن ۶۰ تالانت مفرغ (۱/۸ تُن)؛ یک مجسمه اورسا (روسا)^(۱) با دو اسب بر روی پایه قالب‌ریزی شده از مفرغ دارای کتیبه این سخنان متکبرانه پادشاه: «با دو اسبهایم و هدایت کننده اسبهایم، بازوی من سرزمین پادشاهی اورارتو را فتح کرد».

بعضی از این مجسمه‌ها را می‌توان بر روی نقش برجسته کاخ سارگون شناسائی کرد. از هر طرف ورودی معبد، دو عدد از «مجسمه قراولان» بزرگ مشاهده می‌شوند و در سمت راست ورودی، گاو ماده و گوساله‌اش «قالب‌ریزی شده توسط ساردوری، پسر ایشپوایینی»، لیکن اثری از گاو نر ذکر شده در متن لوور دیده نمی‌شود. در پائین میدانگاهی معبد، در هر طرف از پله‌ها دو دیگچه عظیم بر روی سه پایه قرار دارند. حفاریهای دژ تی‌شباایینی^(۲) (کارمیر - بلور) دو دیگچه شکم‌دار یکسان ساخته شده از ورقه برنزی و با لبه‌های برنز قالب‌ریزی شده بدست آمده‌اند (تصویر شماره ۷۰).

کتیبه روی پایه مجسمه روسا که پیروزی پادشاهی اورارتو را متذکر می‌شود، بطور اجتناب‌ناپذیری توجه تاریخدانان را جلب کرده است. پیش از این فرض می‌شد که روسا پسر سلف خود، ساردوری، نیست، لیکن یک غاصب، یا پایه‌گذار یک سلسله جدید است. چون کتیبه سلطنتی که اعلان می‌کند «روسا، پسر ساردوری» با این فرضیه در تضاد قرار می‌گیرد؛ و بهر حال، اگر روسا وارث قانونی تخت سلطنت نبوده است، سالنامه‌های آشوری آنرا بطور حتم یادآور می‌شدند همانطوریکه آن را در هر تغییر سلسله انجام داده‌اند. بی‌شک این کتیبه مربوط به شکل‌گیری پادشاهی نیست، اما احیاء مرزهای ابتدائی و فتح دوباره استانهای که از ضعف قدرت مرکزی پس از تاخت و تاز تقلاط - فالاسار، جهت پس گرفتن استقلال خودشان از موقعیت استفاده کرده بودند، می‌شود.

بنابراین متن لوور ایده‌هایی از مجسمه یادبود اورارتوئی می‌دهد که عملاً هیچ زیست نکرده است. در رابطه با مجسمه کوچک، ما سه مجسمه کوچک مفرغی داریم، یگانه

1- Oursa (Rousa).

2- Teishebaini.

نمونه‌هایی از این نوع هنر. هم‌اکنون یکی در موزه بریتانیا است که، یک خدای ریش‌داری را با تاجی مزین به شاخهائی نشان می‌دهد؛ دیگری، که در موزه تاریخ ارمنستان می‌باشد یک الهه نشسته را نشان می‌دهد، بدون شک آروبانی؛ سومین مجسمه خداوند تی‌شبا(?) را نشان می‌دهد و در حفاریهای کارمیر - بلور یافت شده است (تصویر شماره ۱۰۶). یگانه نمونه مجسمه بزرگ سنگی که می‌شناسیم مجسمه‌ای است از جنس بازالت در یک وضعیت خیلی بد (ارتفاع محفوظ مانده: ۱ متر و ۲۸ سانتیمتر)، که هم‌اکنون در موزه تی‌فلیس در گرجستان نگهداری می‌شود. قسمت فوقانی این مجسمه از سال ۱۸۹۸ شناخته شده بود، مابقی بعدها بدنبال یک ظهور اتفاقی در دژ وان پیدا شد. در اصل این مجسمه باندازه قد طبیعی می‌بود. پوشش سر و صورت وجود ندارند ولی ریش و موهای موجود را که بر روی شانه‌ها و پشت افتاده‌اند تشخیص می‌دهیم.

در مورد مجسمه‌های معبد موساسیر، ما نمی‌دانیم که پس از غارت شهر چه بر سرشان آمد. آنها بطور یقین از طریق یک منطقه کوهستانی تقریباً غیرقابل عبور به آشور منتقل نشده‌اند. بر روی نقش برجسته کاخ سارگون، علاوه بر صحنه چپاول معبد، شاهد توزین و برداشت اموال غارت شده هستیم، و می‌توان سه نفر سرباز آشوری را در حال شکستن یک مجسمه با تبر دید - این مربوط به مجسمه‌های مفرغی یاد شده در گزارش سارگون به خدای آشور می‌شود.

بدینسان، بکمک متن قابل توجه‌ای که مخروبه‌های آشور، پایتخت آشوری، به ما داده‌اند و با مساعدت نقش برجسته‌های توصیفی کاخ سارگون در دور - شارروکین^(۱)، ما بطور دقیق یک واقعه قابل ذکر از تاریخ نظامی آشور را می‌شناسیم، و می‌توانیم از آن اطلاعات بسیاری درباره تمدن اورارتو کسب کنیم.

بنابراین، قشونی که سارگون بدقت تدارک دیده بود موفقیت‌هایی را کسب کرد؛ و سالنامه‌های آشوری با کلماتی مختصر و مقطع یادداشت می‌کنند: بمحض اینکه اورسا (روسا)، پادشاه اورارتو، شنید که «موساسیر تخریب شده است و اینکه خداوندش

1- Dour - Sharroukin.

خالدی بُرده شده است، با دست خود شمشیرش را از پهلوی خود که آویزان بود کشید و به زندگی خود پایان داد».

اصلاحات در زمان سلطنت ارگیشتی دوم و یافته‌های آلتین تپه

پیروزی کامل سارگون در سال ۷۱۴ ق.م.، با این وجود منجر به ختم پادشاهی وان نشد. پس از فوت روسا اول، پسرش ارگیشتی دوم به جای وی بر تخت سلطنت نشست و بلافاصله با تمام نیرو سعی در ترمیم خرابی‌های ناشی از جنگ نمود. سارگون ناگزیر بود از نو با یک نگاه محتاط مراقب وقایع اورارتو باشد. یکی از نامه‌های مأمورین سرّی این دوره ورود یک پیام از ارگیشتی به هاردا^(۱)، شهر مرزی دره فوقانی دجله (نزدیک شهر جدید دیار بکیر^(۲)) را ذکر می‌کند که یک فرمان قبلی پادشاه را باطل کرده و توصیه می‌کند که بر اسبهای خود سوار شوند و منتظر پیام آور دوم باشند. در میان این گزارشات سرّی، همچنین شرحی درباره نزاع در جنگل به خاطر قطعات چوب‌هائی که اورارتوئی‌ها نمی‌خواستند که آشوری‌ها آنها را ببرند، وجود دارد؛ یک نامه سومی اطلاع می‌دهد که دستجات اورارتوئی بطرف هاردا هدایت می‌شوند.

پادشاه جوان اورارتو بطور حتم در نظر نداشت که اسلحه را رها کند، وی بدون وقفه بدنبال تحکیم اقتدار خود بود و مخصوصاً در مرز غربی‌اش. فقط در سال ۷۰۸ ق.م.، سارگون شش سال پس از پیروزی‌اش بر اورارتو توانست با پادشاه کوم‌موه^(۳)، که به پرداخت خراج سالانه خود به ارگیشتی دوم ادامه می‌داد، پیمان ببندد.

سارگون در طی سالهای آخر سلطنتش اشتغال خاطر دیگری داشت و، پس از مرگش، آشور دچار یک وضعیت سیاسی مغشوش شد. حتی شاید، بموجب نامه‌های یافت شده در بایگانیهای نینوا^(۴)، یعنی اسناد رسمی با یک اهمیت استثنائی که به موقع اطلاعات ضعیف تهیه شده توسط سالنامه‌های رسمی آشوری را برای این عصر تکمیل

1- Harda.

2- Diyarbakir.

3- Koummoh.

4- Ninive.

می‌کنند، کودتائی اتفاق افتاده باشد.

از آن به بعد پادشاهی اورارتو دارای یک فضای حیاتی شد و می‌توانست نیروهای خود را پس از شکست جمع‌آوری کند. کتیبه‌های به خط میخی از یک فعالیت وسیع در زمینه سازندگی در زمان سلطنت آرگیشتی در مرکز پادشاهی صحبت می‌کنند، مخصوصاً در مناطق ویران شده توسط قشون سارگون. در نزدیکی شهر جدید ارشیش^(۱) در کرانه شمالی دریاچه وان، آرگیشتی شهر تیتومنی^(۲) را احداث کرد. وی در آنجا یک دریاچه مصنوعی و یک کانال ساخت. منطقه مملو از تعدادی دژهای قدیمی است که در آن‌ها آثار هنری با کیفیت کشف شده‌اند. یک نقش برجسته بزرگ حجاری شده بر روی چندین سنگ خداوند تی‌شبا را بر روی یک گاونر نمایش می‌دهد: احتمالاً به ملتزمین رکاب تعلق داشت؛ ممکن است تاریخ اثر مربوط به این دوره باشد و متعلق به یک بنای مفقود بوده باشد. آرگیشتی همزمان شروع به احداث یک پایتخت جدید بر روی تپه توپراک کالا کرد، کاری که توسط پسرش ادامه خواهد یافت.

به نظر می‌رسد که آرگیشتی پسر روسا در تمام مدت زمان سلطنت سن ناشریب^(۳)، پسر سارگون (۶۸۱-۷۰۵ ق.م)، پادشاه اورارتو بوده است، اما سالنامه‌های آشوری این دوره در مورد اورارتوها سکوت کرده‌اند. سن ناشریب سرگرم مبارزات خود علیه بابل، سوریه و فلسطین بوده و لشگرکشی به مصر را تدارک می‌دید: به این دلیل است که وی سعی در اجتناب از هر نوع درگیری مستقیم با همسایه شمالی خود می‌کرد هرچند که در این عصر مرزهای پادشاهی وان از مرکز آشور خیلی دور نبود. طبق کتیبه‌های سن ناشریب، کوهستان تاش^(۴) (کوه باویان^(۵) فعلی) که در آنجا پادشاه آشور دارای شکارگاه بود، «در مرز اورارتو» قرار داشت. نه چندان دورتر از این مرز یک کانال بزرگ آب از روی طاق پل‌ها و ستون‌ها کشیده شده بود و آب را از کوهستان‌ها به نینوا می‌رساند. با وجود

1- Erchish.

2- Titoumnia.

3- Sennacherib.

4- Tash.

5- Bavian.

این، همانطور که قبلاً گفتیم، کوهستان‌هایی که حوضه دریاچه وان را از آشور جدا می‌کردند تقریباً غیرقابل عبور بودند و یک مانع طبیعی را تشکیل می‌دادند.

آرگیشتی دوم سرگرم مستحکم کردن مخصوصاً مرزهای دور خود بود. او یک دژ محکم در کرانه طول فوقانی رود فرات نزدیک ارزینجان^(۱) احداث کرد. در آنجا، روی تپه آلتین تپه، است که در حین حفاری‌های اصولی، باستانشناسان ترک خرابه‌های یک دژی را آشکار کردند که بوسیله بُرج و باروی مستحکمی که هنوز هم نامش ناشناخته است دفاع می‌شد. در داخل، بناهای مختلفی شناسائی شده‌اند که یکی معبد کوچک «سوسی»^(۲) می‌باشد که مشابه آرین - برد^(۳) است، معبدی که به جای اینکه در یکی از طرف‌های حیاط ستون‌دار قرار داشته باشد در مرکز واقع شده است. پی‌ها از بلوک‌های بازالت خوش‌تراش تهیه شده‌اند: دیوارهای آجری خام ناپدید شده‌اند، اما در نخاله‌های مصالح باقی مانده نقاشیهای دیواری پیدا شده‌اند. زیر یک سایبان، در داخل یک معبد، محرابی بر پا شده بود و یک محراب دومی در خارج مقابل چهار ستون سنگی بزرگ با رأسی مدور یافت شدند. از اینرو، یک مهر سیلندری اورارتوئی یافت شده چندین سال پیش یک قربانی اهدائی را در روی یک محراب مقابل سه ستون سنگی یکسان و یک درخت مقدس نمایش می‌دهد.

این دژ محل سکونت نماینده پادشاه می‌بود، که مقام و موقعیت بالائی داشته است. در واقع، زیر دیوارهای دژ، گورهای شخصیت‌های عالی مقام مشابه مقابر سلطنتی کنده شده در صخره وان یافت شدند. دو تا از اینها با بلوکهای بزرگی ساخته شده‌اند، شامل سه اتاق و دیوارهای نشان‌دهنده طاقچه‌هایی از همان نوع که در غار هورهور که کتیبه آرگیشتی اول را در خود داشت می‌شدند. دهانه قبرها توسط سنگفرشهای مسدود شده بودند. دو تابوت سنگی با سرپوش با مقطع نیمه‌دایره‌ای حفر شده در یک بلوک در یکی از اتاقها پیدا شدند. حفاری قبرها ملزومات جالبی عیان کرده است: اسباب و اثاثیه

1- Erzincan (Erzindjan).

2- Susi.

3- Arin - Berd.

برنزی، چوبهای خاتم کاری شده با صفحاتی از جنس شاخ، که امکان بازسازی تخت خواب با پایه بشکل سُم گاوانر مزین به تاج گل را داد.

در میان دیگر اشیائی که توجه ها را جلب کرده اند، یک دیگچه مفرغی مزین به کله گاوه‌ای نر بر روی یک سه پایه، گلدانهای مفرغی که یکی از آنها حکاکی کتیبه هیتیت را داراست، و یک سپر قابل ذکر می باشند.

هنوز تعداد زیادی اسلحه‌های برنزی و آهنی یراق آلات اسب، کمربندهای برنزی مزین به سوارکاران و گاوه‌های نر بالدار، همچنین مقداری جواهرات گرانقیمت، دکمه‌های طلائی و یک پلاک طلا مزین به یک زنجیر طلائی یافت شده‌اند. بیشتر این اشیاء - مشخصاً هنر اورارتوئی نیمه اول قرن هفتم ق.م - متعلق به سلطنت آرگیشتی دوم می باشند و کتیبه‌هایی درباره تعدادی از آنها گواه آن است. آرزومندیم که در حفاریهای آینده آلتین تپه («تپه طلائی») کتیبه‌های به خط میخی دیگری بدست آیند که به ما اجازه افزایش شناخت از این عصر را بدهند.

مشکلات آشور و نقش روسا دوم

سن ناشریب^(۱) پادشاه آشوری در یک شورش داخلی کاخ در سال ۶۸۱ کشته شد و پس از اینکه اسارهادون^(۲) به تخت سلطنت نشست (۶۸۱-۶۶۸ قبل از میلاد)، قاتلین فرار کرده و به منطقه شوپریا^(۳)، در حاشیه اورارتو، پناه بردند. کتاب تورات واقعه را ذکر می کند، در واقع یادآور می شود که پسران سن ناشریب پس از کشتن پدرشان، به اورارتو فرار کردند («سرزمین آرات» یا «سرزمین ارمنستان»).

متون آشوری به ما اجازه تاریخگذاری بطور دقیق پایان سلطنت آرگیشتی را نمی دهند، هرچند که در بعضی نوشته‌های سلطنتی اسارهادون، متأسفانه بدون تاریخ، ما به اشاره یک پادشاه جدید اورارتوئی به نام روسا، پسر آرگیشتی، برخورد می کنیم.

1- Sennachérib.

2- Esarhadon.

3- Shoupria.

در این عصر از خطر جدیدی صحبت می‌شد که آشوریها را تهدید می‌کرد. و آن فشار ایلات چادر نشین سیمریها^(۱) (گیمیررایا^(۲)) و سیتها^(۳) (آشقوزایا^(۴)) بود که از طریق قفقاز به آسیای مقدم نفوذ می‌کردند. سالنامه‌ها صحبت از پیروزی بر "چادر نشینان" می‌کنند مخصوصاً درباره «توشپا، سیمری از سرزمینهای دور آمده» و درباره قشون ایشپاکا^(۵)، سیت هم پیمان سرزمین مانا. معهذا آشوریها بدنبال توافق با این رقبای مشکوک بودند. در میان مکانهای مقدس اسارهادون^(۶) - سؤالات شده از خداوند شاماش و رونوشتهای برداشته شده از روی لوحه‌های گلی - یکی وجود دارد که در آن پادشاه می‌پرسد آیا رئیس سیتها نسبت به پیمان اتحادش وفادار خواهد بود اگر، همانطوریکه تقاضا می‌کند، او با یکی از شاهزاده خانمهای آشوری ازدواج کند. جوابهای به این سؤالات به دستمان نرسید و ما نمی‌دانیم که ازدواج مورد سؤال انجام شد یا نه. در هر حال در یک سند سال ۶۷۹ ق.م. ذکر می‌شود از یک کسی به نام ایشدی - هارران^(۷) «فرمانده هنگ سیت» می‌کند، بطور مسلم، هنگ مزدوران.

موقعیت آشور در زمانی که ایلات چادر نشین شمال با دیگر دول مثل اورارتو هم پیمان شدند مختل گردید. آشوریها حق داشتند که به این دوستی مشکوک شوند. اسارهادون از شاماش می‌پرسد که آیا نقشه‌های سیم‌میریها و روسا، پادشاه اورارتو، عملی خواهند شد، آیا به سرزمین شوپریا، ایالت متلاطم که قاتلین سن‌ناشرب و نیز پناهندگان اورارتوئی به آنجا پناه برده بودند، وارد خواهند شد؟ نیروی سوق‌دهنده سیم‌میریها آنها را تا کناره‌های دریاچه وان، جایی که برای یک مدت طولانی ساکن شدند، هدایت کرد. یک نامه‌ای از بایگانی‌های نینوا صحبت از لشکرکشی‌های علیه

1- Cimmeriens.

2- Gimirraya.

3- Scythes.

4- Ashguzaya.

5- Ishpaka.

6- Esarhadon.

7- Ishdi - Harran.

سیم‌مری‌ها در سرزمین ماکا^(۱) و قشون کمین کرده در گردنه‌های کوهستانی می‌کند؛ نامه‌ای دیگر دستورالعمل‌هایی در موضوع مراقبت از مرزهای اورارتو، مانا، مدیا (ماد) و خوبوشکیا^(۲) می‌دهد، و دستور می‌دهد که سربازان فراری را مستقیماً به کاخ شاهزاده بفرستند. روسا دوم روابط دوستانه‌ای با چادرنشینان داشت، و حفاری‌های دژ تی‌شباینی، مرکز نظامی و اداری ماوراء قفقاز، دلایل روابط وسیع بین اورارتوئی‌ها و سیت‌ها بدست داده‌اند که امنیت مرزهای شمالی را تضمین می‌کردند. این حفاری‌ها چندین شئی مربوط به سیت‌ها (سلاح، یراق‌آلات، جواهرات) را آشکار کردند که نه تنها از قفقاز از شمال بلکه حتی از مناطق دورتر کرانه‌های رود دنی‌پیر^(۳) آورده شده‌اند.

برطبق متون باستانشناسی یافت شده، سلطنت روسا دوم دوره‌ای از فعالیت فشرده در زمینه سازندگی بوده، عصری که اورارتو مکان خود را در آسیای مقدم باز یافت. در غرب، روسا تلاش در برقراری کنترل اورارتوها بر روی جاده مدیترانه می‌کند، و یکی از کتیبه‌ها اشاره به گرفتن زندانی‌هایی در ایالات موشکینی^(۴)، هات‌تی^(۵)، هالیت‌تو^(۶)، بر فراز فرات و آنسوتر دارد. متأسفانه کتیبه‌ای از روسا در دژ مازگرد^(۷) (ملازگرد) در سرزمین غربی یافت شده، بقدری صدمه دیده است که قابل بازخوانی نیست.

در اورارتوی مرکزی در توشپا، روسا شهر را بر روی تپه توپراک کالا بنا کرد و نامش را روسا خینیلی گذاشت. او پایتختش را در یک منطقه غنی بنیان‌گذاری کرد که از ساحل صخره‌ای وان تا دامنه‌های کوهستان، جاییکه محل اقامت جدیدش را قرار داد، وسعت داشت. او کانالهای آبیاری در آنجا احداث کرد، یک دریاچه مصنوعی ایجاد کرد، باغها و تاکستان‌ها بوجود آورد و مزارع کشت احداث نمود. یک کتیبه‌ای که توسعه پایتخت را شرح می‌دهد بطور مخصوصی یادآوری می‌کند که کانال‌های آبیاری به مقصد پیش‌بینی

1- Maka.

2- Khoubouskia.

3- Dniepr.

4- Moushkini.

5- Hatti.

6- Halittou.

7- Mazgerd.

نیازهای شهر جدیدی مانند توشپا احداث شدند. برج و باروی توپراک کالای موضوع تعدادی از حفاریها از سال ۱۸۷۱ بوده و تا به امروز ادامه داشته، و بیشتر بهترین اشیاء هنری اورارتوئی هستند که به طرق تجاری از این محوطه به موزه‌های ما رسیده‌اند.

حفاریها خرابه‌های یک کاخی مزین به موزائیک سنگی چند رنگ لوزی شکل، چهار گوش یا دم فاخته‌ای آشکار کردند. پلاکهای بازالت زمین و دیوارها مزین به دایره‌های فشرده عریض از سنگ سفید، قرمز و سیاه بودند، که در بنائی یا پوشش مفرغی دیوارها مرصع کاری شده‌اند (تصویر شماره ۱۴). با وجود خرابیهای حاصله توسط شکارچیان گنج، حفاریهای سالهای اخیر ثمر ثمر بوده‌اند: کشفیات مساکن خصوصی، انبارهای زیرزمینی که هنوز محتوی خمره‌های بزرگی هستند که در خاک زمین چال شده‌اند.

معبد «سوزی» از نوع معمولی در اورارتو - یگانه قطعه با یک فضای سنگفرش شده در ورودی - از مدتها قبل مورد توجه باستانشناسان بوده است. اخیراً در حین حفاری زوایای معبد، چهار حفره چهارگوش و در درون دوتای از آنها پلاکهای برنزی یافت شدند. هر پلاک یک لوزی کوچک طلائی و یک چهارگوش کوچک نقره‌ای را نشان می‌داد که کاربرد علائم و نشان‌های رمزی آن هنوز غیرقابل توضیح است. در کنارهای معبد، چندین سپر بزرگ تزیینی از جنس مفرغ با نشانه‌هایی از گاو نر و شیر پیدا شده‌اند. بیشتر آنها دارای کتیبه‌هایی به نام یکی از آخرین پادشاهان اورارتوئی، روسا، پسر اری‌مینا^(۱) می‌باشند، لیکن یکی از آنها اسم روسا، پسر آرگیشتی را داراست. این موضوع این را در فکر ما القا می‌کند که روسا دوم سازنده معبد بوده که روسا سوم آنرا بازسازی کرده و سلاحهای مقدس تقدیمی به خالدی را در آن قرار داده است.

روسا خینیلی حدود یکصدسال اقامتگاه پادشاهان اورارتو بود. این شهر در اوایل قرن ششم ق.م. بوسیله مادها که آخرین ضربه را به پادشاهی وان زدند تخریب شد.

فعالیت سازندگی در اورارتو در قرن هفتم ق.م

در تمامی شهرهای بزرگ که توسط آرگیشتی دوم بنا شده‌اند، پسرش روسا کتیبه‌های پایه بر جای گذاشته و سیاست سازندگی پدر خود را دنبال کرده است. آدیل جواز^(۱) چندین کتیبه بلند از بنیان و قربانیهائی که به زمان روسا دوم مربوط می‌شود آشکار کرده و دژ روی تپه کف کالاسی^(۲) نیز به او نسبت داده شده است. حفاران از این محوطه عناصر گوناگون معماری قسمت‌هایی از یک عمارت بزرگ با ستون‌های چهارگوش پهن در طرفین درب‌ها ساخته شده از بلوکهای برافراشته بازالت، چندین بلوک چهارگوش، بدون شک پایه‌های ستون، که خود ستونها از آجر خام بوده‌اند، خارج کردند. این پایه‌ها مزین به نقش برجسته‌هایی با اشکال گاونر بالدار ایستاده بر روی شیرهایی با نیم‌رخ روی زمینه دیوارهای ضخیم دور قلعه و برجهایی بشکل عمارت مشابه اثر بزرگی که بر روی یک پلاک یافت شده در توپراک کالا نشان داده شده است، بودند.

دژ کمربندی آلتین تپه، خود نیز، در زمان سلطنت روسا دوم هنوز مورد استفاده قرار داشت. اشیائی که در اینجا یافت شده‌اند دارای کتیبه‌هایی به نام این حاکم می‌باشند و تعدادشان جهت نشان دادن پیوستگی با ملزومات آشکار شده در توپراک کالا بسیار است. و پلاک‌هایی از جنس عاج با اشکال دیوهای بالدار با سرهای عقاب را تجسم می‌کنند که نقش برجسته‌های از جنس استخوان کالاله را بخاطر می‌آورند.

بطوری که کشف اتفاقی یک کتیبه واقع در شکاف دیوار کمربندی ما را آگاهی می‌دهد، در مرز شمال شرقی نزدیک شهر فعلی ماکو^(۳) در آذربایجان دژی برپا بود به نام «شهرک پادشاه روسا».

خود خرابه‌های قلعه تی شبایینی بر روی تپه کارمیر - بلور (اروان)^(۴)، دلیل گویایی از سیاست سازندگی در یک مقیاس بزرگی بما می‌دهد که توسط روسا در منطقه واقع در شمال رود آراز به اجرا درآمده است. شرح حفاریهای این دژ موضوع فصل آینده خواهد بود، اما مفید خواهد بود که چکیده‌های عمومی‌ای را تا به امروز یادآور شویم. قلعه تی شبایینی یک فضای کلی‌ای در حدود چهار هکتار را احاطه می‌کرد که شامل ۱۵۰

1- Âdilcevaz (Adeldjevaz).

2- Kefkalasi.

3- Makou.

4- Erevan.

عمارت مجزای جمع شده در اطراف یک حیاط وسیع می‌شد. این قلعه یک احساس قدرت یکپارچه‌ای را می‌داد. دیوارها دارای عمقی از دو متر و ۱۰ تا سه متر و ۵۰ و گاهی هفت متر ارتفاع بودند. بیشتر ساختمانها دارای پشت‌بامهای آجری خام که شکل گنبد گهواره‌ای ایجاد می‌کردند، بودند. بعضی از آنها دارای پشت‌بامهای شکل داده شده توسط الوار کاج، تبریزی، آتش یا دیگر چوبها بودند. ساختمان قلعه نیاز به دو میلیون آجر بزرگ داشت (هرکدام ۵۱ سانت و ۸ طول در ۳۵ سانت). نمی‌توان وزن کل چوبهای بکار رفته را که بیشتر آنها از مناطق دوردست آورده شده بودند حدس زد. بنابراین یک اقدام وسیع کارهای عمومی بود: ساخت آجر، حمل و نقل چوب، استخراج و جلابخشی سنگ مورد استفاده پایه‌ها، همچنانکه تهیه پلاکهای بازالت مورد استفاده در بالا، مسلم است که این اقدام عظیم نیاز به کارگران زیاد داشت؛ احتمالاً این آخری‌ها را از میان زندانیهای جنگ تهیه می‌کردند.

قلعه دارای هشت انبار ذخیره با ظرفیت تقریباً چهل هزار (۴۰۰۰۰) لیتر، سیلوهای کوچک غلات و حبوبات با دو دالان جانبی با ظرفیت ۷۵۰ تن، و دیگر انباری‌های داخل قلعه با ظرفیتهای حداقل به همان اندازه، بود. این اعداد ایده‌ای از قدرت پادشاهی اورارتو در قرن هفتم ق.م را می‌دهند. فقط یک قدرت تولیدی فشرده و یک موقعیت سیاسی استوار می‌توانستند اورارتوئی‌ها را قادر به ساخت قلعه‌ای به این قدرت در ماوراء قفقاز کنند. در واقع می‌دانیم که موقعیت اورارتو در این عصر نسبتاً مطمئن بوده، آشوریها، قبلاً گفتیم، سعی در اجتناب از هرگونه درگیری با اورارتوئی‌ها که به نوبه خود، بدنبال فرصتی نبودند که جنگی را برانگیزند، داشتند.

در سال ۶۵۴ ق.م پس از پیروزی آشوربانی پال بر پادشاه ائلام^(۱)، تی‌اومن^(۲)، و فتح شوش، روسا دوم نمایندگان نزد شاه آشوری فرستاد. «در این عصر» سالنامه‌ها نقل می‌کنند، «روسا، پادشاه اورارتو، قدرت خداوندان مرا شناخت و در مقابل شکوه و

عظمت من حیران شد. بنابراین او شاهزادگان خود را برای ادای احترام به من به آربلا^(۱) فرستاد». و نقش برجسته‌های کاخ نینوا بطور واقعی فرستادگان اورارتوئی‌ها را همراه دیگران که در شکنجه وحشیانه و اعدام ائلامی‌ها حضور دارند نشان می‌دهد. پادشاه دیگر اورارتو، ساردوری، پسر روسا، نیز در سال ۶۳۹ ق.م پس از پایان جنگ علیه عربها فرستادگانی به نزد آشوریانی پال^(۲) فرستاد.

1- Arbela.

2- Assurbanipal.

شهر خداوند تی شبا: تی شبایینی (کارمیر - بلور)

IV

محوطه و حفاری

اگر از ساکنان اروان سؤال می‌کردید که سی سال پیش کارمیر - بلور چه بود، آنها به شما جواب می‌دادند که یک تپه واقع در حاشیه شهر (تصویر شماره‌های ۱۷ و ۲۰) در کرانه چپ رودخانه رازدان^(۱)، که به سهولت از جاده‌ای که به اشمیازین^(۲)، محل سکونت ارمنیان کاتولیک، می‌رود قابل تشخیص است، و محوطه مورد علاقه ورزشکاران، محل زندگی پرندگان مهاجر، خرگوش‌ها و گاه‌آ روباه بوده است و بعضی‌ها هم اضافه خواهند کرد که در آنجا سابقاً ناقوس قرون وسطی‌ای روی تپه قرار داشت، اما اکنون ناپدید شده است.

اگر همان سؤال را امروز از ساکنان اروان پرسید آنها جواب خواهند داد که کارمیر - بلور در بخش غربی شهر واقع شده، و یک شهر باستانی در اینجا کشف شده که یکی از سالن‌های موزه تاریخی ارمنستان مملو از اشیائی است که از حفاریهای این شهر که به شاهنشاهی قدیم اورارتو تعلق داشت آورده شده‌اند.

در سال ۱۹۳۶ بود که کارمیر - بلور برای اولین بار توجه باستانشناسان را جلب کرد. در سراشیبی‌های تپه قطعه سنگی به تازگی یافت شده بود که کتیبه‌ای به خط میخی به نام پادشاه روسا دوم را نشان می‌داد. این یافته این فکر را سبب شد که شاید تپه یک دژ قدیمی دوره زایش دوباره اورارتو را در بر داشت.

1- Razdan.

2- Echmiazin.

در سال ۱۹۳۹، یک هیئت که هم‌زمان توسط آکادمی علوم ارمنستان و توسط موزه ارمنیاز پشتیانی می‌شد حفاریهای اصولی را آغاز کرد (تصویر شماره‌های ۱۷-۳۳). باستانشناسان در نظر داشتند که یک مطالعه کامل از خرابه‌های دژ انجام دهند، و نیز محله‌های مختلف شهر را که می‌بایست روی سه طرف تپه گسترده باشد حفاری کنند (در شمال و شمال شرقی، سراشیبه‌ها یک راست بر روی گلوگاه‌های رودخانه رازدان فرود می‌آمدند).

کارمیر - بلور فاش کردن اسرار خود را طول داد، اما حفاری بطور تقریباً جامع انجام شد. تلاشهای صبورانه دانشمندان بسیار مثمر ثمر بوده و نیز گاهی شانس کمک به یافته‌ها می‌کرد.

در ابتدا، غیبت کامل قطعات شکسته که عموماً در محوطه‌های مسکونی قدیمی یافت می‌شوند حفاران را فریب داد. هیچ خرده‌ریز سفالی در کارمیر - بلور. برعکس، از اولین روز قطعات آجر ظاهر شدند و خط دیوارها سر از خاک برآورده امکان پیگیری را دادند. کار اغلب سخت بود و جستجو خسته‌کننده و بعداً یک بارندگی شدید کار را برای مدتی متوقف کرد و در صبحگاهی که پایان رگبارهای طولانی را بدنبال داشت، همه نقشه قلعه بر روی زمین قابل دیدن شد. دیوارهای آجری خام، با نگهداری آب باران بیشتر از خاکریزی زمین، به روشنی خطوط پررنگ را رسم می‌کردند. بنظر می‌رسد، از همان طریق است که در بین‌النهرین شرقی، در اوروک^(۱)، «دالان مراسم» (بیت آکیتو^(۲)) در حاشیه‌های شهر یافت شد؛ حفاران ابتدا طرح عمارت را در نور ماه مشاهده کردند، ولی صبح روز بعد چیزی تشخیص ندادند، این فقط پس از یک رگبار شدید بود که رد دیوارها از نو بر روی سطح بیابان صاف توسط باد طراحی شد.

درباره محوطه ما، باستانشناسان با زحمت زیاد نقشه عمومی تشکیلات قدیمی اطراف قلعه کارمیر - بلور را تهیه کردند، چون اهالی محل محوطه باستانی را جهت یافتن سنگ بنا کننده بودند. خوشبختانه، عکاسیهای هوایی به یکباره نقشه کامل شهر را با

1- Ourouk.

2- Bit Akitou.

خیابانهای طولی و عرضی ظاهر کردند و برای حفاران یک سر نخ دقیقی بوجود آوردند. حفاری قلعه برای شروع کار یک سالن کوچک حدود ۲۰ متر مربع را از زیر خاک خارج کرد. محیط دیوارها خیلی واضح بودند، براحتی توانستند خاک نرم پر شده را بردارند؛ اما این خاک پر شده تا چنان عمقی پائین می رفت که بیشتر به یک چاه فکر می شد تا به یک اتاق. کار با یافتن دو در کوچک و بالاخره در عمق ۷ متر و ۱۵ کف زمین خاتمه یافت. یگانه یافته عبارت از یک کوزه گلی با ورنی قرمز بود.

عمق غیرعادی اتاقهای پر شده از خرده ریز آجرهای ریخته از دیوار (تصویر شماره ۳۳)، فقدان هر نوع سطح تصرف محققین را فریب داده و آنها را به این فکر انداخت که شاید دژ تمام نشده بوده و این که سایر اتاقها نیز خالی باشند. با وجود این، حفاریها متعاقباً سالنهای کمی مجهزتر دیگری را آشکار کردند، همچنانکه مقداری اشیاء: ظروف چوبی، تکه های پارچه، انگور، خرده های نان، و یک گل انار؛ مشاهده شد که خرده های آجرها که خرابه ها را پوشانده بودند، یک پوشش ضخیم غیرقابل نفوذ رطوبت و هوا تشکیل داده بودند که سبب حفظ باقیمانده های مواد آلی که معمولاً اثری به جا نمی گذارند شده اند.

قبل از شروع حفاری اصولی سالنهای مختلف قلعه، لازم بود که نقشه تمامی ساختمان تهیه شود. این یک عمل دقیقاً تعیین شده بود، ولی پر زحمت. یک برش دو متری عریض در طول پایه دیوار بوجود آمد و هر روز از حفاریها سهم خود را در نقشه مفصل قلعه به همراه داشت. پس از سه سال تحقیق پیگیرانه، نقشه یک دژ با چهار برج بزرگ مربعی با کنگره ها با فاصله های منظم در طول خندق (تصویرهای ۲۲ و ۲۴) و چندین برجستگی مربع در دیوار که رودخانه را کج می کرد. در غرب حیاط بزرگی وجود داشت که از طریق درب جنوبی یکپارچه و کاملاً حفاظ شده، و از طریق یک درب مخفی کمتر مستحکم در گوشه شمال غربی وارد آنجا می شدند. در آنجا نیز یک شگفتی منتظر باستانشناسان بود. آنها ورودی حیاط را یافته بودند، اما ساختمان اصلی قلعه دارای دری نبود: یک دیوار سنگی ضخیم دو متر ارتفاع آنها را از هر بخشی احاطه می کرد. بنابراین محققین مجبور به توضیح درباره این ساختمان بودند که بعنوان مثالی از معماری شرقی

ظاهر شد.

سکوه‌های از آجر خام که بر روی آنها کاخ‌های آشوری ساخته شده‌اند نمونه بارزی از این معماری است. در کاخ سارگون این سکوها به ۱۴ متر ارتفاع می‌رسیدند. کتیبه‌های پایه آشوری‌ها توضیح کاملی از این فن معماری را به ما می‌دهند. در بناهای آشوری‌ها بطور عموم در زیرزمین زیربناها اتاقی وجود ندارد که دارای گذرگاه‌های عریض با طاق‌های استوانه‌ای، جهت زهکشی آبها، نباشند. در کارمیر - بلور، یک طبقه هم‌کف با انباری‌ها و اتاقهایش بعنوان «زیرزمین زیربنا» مورد استفاده بوده؛ فقط نمی‌شد وارد این اتاق‌های هم‌کف شد مگر از راه بالا. تعدادی از آنها مطلقاً از سایرین جدا بودند؛ آنهاییکه واقعاً بعنوان زیرزمین زیربنا مورد استفاده بودند، یعنی آنهاییکه در بالایشان ساختمان اصلی قرار داشت، پر از پاره‌سنگ بودند. یک سرازیری در جنوب غربی به ورودی قلعه می‌رسید، آنکه سرایشی کنونی قلعه را آشکار می‌کند.

کارگاه‌ها و انبارها

طبقه مشتمل بر ۱۴۸ اتاق با اندازه‌ها و موارد استفاده گوناگون بود، انبارهای کوچک (تصاویر ۳۰ و ۳۳) یا انبارهای وسیع آذوقه و کارگاه. آنها مطابق وضعیت تپه در سطوح مختلف قرار داشتند و پنجره‌های اتاقهای مرکزی در ارتفاع بالای دیوارها، زیر سقف، واقع بودند، بی‌شک از بالا برای دیدن پشت‌بامهای دیگر اتاقهای پائین‌تر. این ترتیب پلکانی خصوصیت معماری بین‌النهرین است.

اتاقهای قلعه برای استفاده‌های گوناگون ساخته شده بودند. سه اتاق بزرگ واقع در گوشه شمال شرقی، مثلاً برای تهیه روغن کنجد اختصاص داشت. یکی از آنها هنوز محتوی خزانه آهک بود که جهت خیساندن دانه‌ها قبل از فشردن مورد استفاده بودند. بر روی زمین دومین اتاق مقدار زیادی «خمیر» کنجد و تفاله باقی مانده از تهیه روغن یافت شد؛ پرس چوبی که می‌بایست در این اتاق پیدا شود بوسیله آتش کاملاً نابود شده است. سومین اتاق که در آن روغن ذخیره می‌شد (تصویر ۳۰) دارای اثرات آتش‌سوزی شدید بود که دیوارهای آجر خام را تا حد تفاله آهن تقلیل داده بود.

همچنین یک سالن تخمیر جهت تهیه آبجو وجود داشت که در آنجا خزانه سنگی محتوی آثار جو مالت شده قرار داشت. آبجو در خمره‌های بزرگی با ته گرد، بشکل خوابیده نگهداری می شد (تصویر ۵۷).

دو سالن صنعتکاران را که اقدام به مجسمه سازی یا حکاکی روی شاخ گوزن می کردند، در خود پناه می دادند. شاخها و نیز تکه های از قبل بریده شده و چاقوهای آهنی روی زمین خوابیده افتاده بودند.

کارگاه های سفالگران و زرگران در خارج از قلعه قرار داشتند. در واقع، پخت سرامیک و ذوب فلزات خطر ایجاد آتش سوزی را داشتند، و این کارها در کارگاه های مخصوص، در یک فاصله معقول از اماکن مسکونی انجام می شدند. قلعه نیز انبارهایی در خود داشت که در آنها ظروف غذاخوری و مخازن از هر نوع انباشته شده بودند: یکی از انبارها محتوی کوزه های شراب بود (تصویر ۴۹ و ۵۰)، دیگری خمره ها و کاسه های شیر، سومی سفال برای مصارف خانگی. اتاقهای بسیاری اشیاء فلزی در حال ساخت و شمش های برنز بشکل نامنظم با یک طرف مسطح و یک طرف محدب را آشکار کرده اند.

انبارهای غله بسیار بودند. حفاران مقدار زیادی گندم سفید، جو، و ارزن با یک کیفیت عالی و آمیختگی کم یافتند (تصویر ۲۹). جالب اینکه، در انبارهای غله باقیمانده حشرات، شپش غله و مورچه هایی که از دانه های اورارتوئی تغذیه می کردند بدست آمد.

کتیبه ها ما را از سطح پیشرفته کشاورزی در تمامی منطقه اطراف تی شبایینی آگاه می کنند. یک لوح سنگی بزرگی در معبد زوارنوتس^(۱) نزدیک اشمیادزین^(۲) یافت شد که می بایست پیش از این در کرانه سمت راست رازدان در مقابل کارمیر - بلور برپا بوده باشد، که کتیبه زیر را در برداشت: «روسا، پسر آرگیشتی، اعلان می دارد: در درّه کوتورلینی^(۳)، روی زمین هیچ وقت کار نشده بوده است. آنگاه، به فرمان خالدی، من این

1- Zvarnots.

2- Echmiadzin.

3- Koutourlini.

تاکستان را احداث کردم، من این مزارع اطراف شهرها را تخم‌پاشی کردم. من کانالی از رودخانه ایلدارونی^(۱) احداث کردم: نامش اومشینی^(۲) است». آنگاه دستورات برای اهدای قربانی‌ها به پیشگاه خداوندان در روز افتتاح کانال به اجرا در می‌آیند. پادشاهان اورارتو، اهمیت خاصی برای آبیاری قائل بودند، متن مزبور آن را به خوبی به ما نشان می‌دهد؛ و کانال اومشینی، تونل بزرگ حفر شده در دل سنگ آندسیت^(۳) و صخره بازالتی، که هنوز پس از ۲۶۰۰ سال به زندگی ادامه می‌دهد، شاهدی است از کیفیت کارهای مصمم (تصویر ۳۱).

حفاریها باز هم باقیمانده تعدادی میوه - آلو (تصویر ۲۶)، انگور، سیب، به، گیلان، و انار آشکار کردند. انبارهای به تعداد شش، به نظر می‌رسد نقش مهمی در اقتصاد تی‌شباینی بازی می‌کردند. عموماً اتاقهای بزرگ بدون روشنایی بودند، ردیف‌های خمره‌ها در اینجا به کف زمین فرو رفته بودند، هر کدام دارای علامت ظرفیت به خط میخی یا تصویری بودند. این ظرفیت از ۸۰ لیتر تا ۱۲۰ لیتر بود و از اینرو در مجموع در تمامی انبارها تقریباً ۴۰۰ خمره وجود داشت - خمره‌های دو انبار بطور عمده از بین رفته‌اند - مقدار کلی شراب ذخیره می‌بایست تقریباً چهل هزار لیتر (۴۰۰۰۰ لیتر) می‌شد. این ذخیره خیلی بیش از سایر دژها حائز اهمیت است اگر کتیبه‌ها را باور کنیم.

انبارهای آذوقه تاریک و مرطوب بودند همانطوریکه یافته‌های تعداد زیادی چراغ روغنی بر روی زمین این اتاقها ثابت می‌کند، و همچنین کشف غیر منتظره لانه زنبور در گوشه‌ای از دیوار و اسکلت یک قورباغه. پشت بام آنها که از تیرک‌های چوب کاج ساخته شده بودند، طوری حفظ شده‌اند که سازندگان محلی آلات موسیقی قطعه‌ای از این چوب را برای ساختن بدنه ویولونی استفاده کردند که یکی از اعضاء ارکستر فیلارمونیک اروان توانست آن را بنوازد.

یک انبار وسیع هنوز طبقه فوقانی قسمت شرقی قلعه را در اختیار داشت. احتمالاً به

1- Ildarouni.

2- Oumeshini.

3- Andesite.

ذخیره شرابه‌ای سبک که می‌بایست زیر آفتاب کهنه شوند اختصاص داشت. در نزدیکی انبارهای بزرگ، انبارک‌های محتوی کوزه‌هائی بودند که برای شراب مورد استفاده داشتند. در یکی از انبارک‌ها ۱۰۳۶ کوزه سفالی ورنی قرمز بدست آمد که صد عدد از آنها دست نخورده بودند. در یک اتاق بغل دستی تعداد زیادی جام مفرغی یافت شدند که متأسفانه در وضعیت بسیار بدی بودند. یکی دیگر از انبارهای بزرگ بخش غربی محتوی یک خمره بزرگی بود که درون آن مملو از ۸۷ جام مفرغی جهت حفاظت در پناهگاه بودند. بیشتر آنها (تصویر ۹۷ و ۹۸) درخشندگی اصلی خود را حفظ کرده و هنوز صدای ملودی خود را در موقع ضربه زدن منعکس می‌کردند. هر یک از آنها در مرکز خود نوشته‌ای به خط میخی به نام یکی از پادشاهان اورارتوئی قرن هشتم ق.م.، منوآ، آرگیشتی اول، ساردوری دوم و روسا اول را نشان می‌داد. چند عدد از آنها نیز دارای علامتی مصوّر از یک برج مستحکم و یک درخت بود.

نام دژ

برخی از این انبارها هنوز باقیمانده درها را دارا بودند که از ورقه‌های ضخیم ساخته شده بودند و بوسیله قفل و چفت مفرغی بسته می‌شدند. در سال ۱۹۴۵ بر روی یکی از این قفل و چفت‌ها کتیبه‌ای به خط میخی کشف شد: «دژ شهر تی شبایینی، متعلق به پادشاه روسا، پسر آرگیشتی» (تصویر ۷۴). این کتیبه وجه تسمیه دژ کارمیر - بلور را می‌داد. این دژ در قرن هفتم ق.م. ساخته شده و نام خود را از خداوند تی شبا، خداوند جنگ، رعد و برق می‌گیرد. معذالک ممکن است شیء کوچکی که حامل کتیبه است از دژ دیگری آورده شده باشد، مثلاً از دژی که روسا بر روی کرانه شرقی دریاچه سوان احداث کرده بود و اینکه آن نیز به اسم تی شبایینی نامیده می‌شد.

در سال ۱۹۶۲ بود که نام بطور قطعی بوسیله کشف بلوک‌های بزرگ پایه یک معبد در قسمت شرقی دژ که حامل دو کتیبه طویل به خط میخی بود مورد تأیید قرار گرفت. این کتیبه‌ها متذکر می‌شوند که پادشاه روسا، پسر آرگیشتی، معبد «سوسی» را به افتخار

خالدی بنا نهاد و درب با شکوه خالدی را در شهر تی شبایینی واقع در خاک آزا^(۱) ساخت. این کتیبه می افزاید که منطقه سابقاً بیابانی بود و این که روسا دوم در زمان جلوس خود به تخت سلطنت بناهایی احداث کرد که کتیبه از آنها صحبت می کند. برای تقدیس کردن این سازندگی، بعضی قربانی ها تجویز شده بودند: گاو نر، برّه و گوسفند برای خدایان، گاوهای ماده برای الهه ها. آخرین بخش کتیبه اشاره دارد به قربانیان مورد اهدا در زمانی که پادشاه برای بازدید از تی شبایینی می آید.

این کشف اتفاقی در اواخر حفاری، در جریان بیست و دومین سال کارها، تمامی نتایجی که باستانشناسان به آن رسیده بودند تأیید کرد. دژ کارمیر - بلور مانند اربونی و آرگیشتی خینیلی در سرزمین آزا قرار داشتند. این کتیبه فرمول بکار رفته در کتیبه های پایه آرماویر^(۲) (ارگیشتی خینیلی) و آدیل جواز را کلمه به کلمه دنبال می کند. این کتیبه متذکر می شود که تی شبایینی در آغاز سلطنت روسا دوم پایه ریزی شد و این که خود پادشاه اغلب برای بازدید از این مرکز اداری و اقتصادی مهم در شمال آراز (ارس) می آمد. یک اردوگاه دژ را که مقرر معاون پادشاه نیز بود در برداشت. خراجهای پرداختی توسط منطقه احاطه کننده در تی شبایینی در خزانه دژ جمع آوری شده و سپس بطرف مرکز پادشاهی برده می شد.

چهارپایان قربانی و چهارپایان دامی

باستانشناسی وفور قربانیهای اهدائی در محوطه را مورد بررسی قرار داد. در نتیجه محققین یک اتاق کاملاً پر از استخوانهای تکلیس شده گوساله های جوان و حیوانات کوچکتر را کشف کردند. کله و انتهای تحتانی نداشتند، صفت مشخصه قربانی حیوانات در قفقاز.

در سال ۱۹۶۵ حفاری یک سالن قسمتهای گزیده (گردن و سینه) ۲۶ جسد حیوان را آشکار کرد. طبیعتاً چیزی نمی ماند جز استخوانهایی که به یک نحو آناتومیکی درست

1- Aza.

2- Armavir.

چیده شده و بعضاً اثراتی از ضربه تبر را نشان می دهند. به نظر می رسد که این حیوانات به منظور مصرف نبوده لیکن جهت قربانی کردن اختصاص داشتند.

تهیه آذوقه تی شبایینی بطور قابل ملاحظه ای سازمان یافته بوده است. نه فقط استخوانهای جدا شده از گوشت که خورده شده بودند، حتی اسکلت کامل چارپایانی که در آتش سوزی تلف شده بودند یافت شد. در لحظه تسخیر قلعه، حیوانات، احشام، اسبها و الاغها در قسمت شمال غربی پشت بام قلعه جمع شده بودند. وقتی که مصالح چوبی سقف بوسیله شعله های آتش احاطه شد، آنها افسارهای خود را گسیختند؛ در حالت جنون، خود را به بخشی از پشت بام که تیرهایش آتش گرفته بودند پرتاب کردند، و در روی زمین له شدند. وضعیت و حالت بد اسکلتها به روشنی متذکر می شود که آنها از یک ارتفاع قابل توجه ای افتاده اند. همراه استخوانها تکه های گوشت و پوست مکلس شده یافت شدند، همچنانکه بقایای روده و محتویات معده (تصویر ۲۷)، حتی قادر به تشخیص باقیمانده های گیاهان هضم نشده و تخم هندوانه شدیم.

چارپایان از نوع بوس پریمیژنیوس^(۱) بودند. صنعت لبنیات در اورارتو بسیار پیشرفته بود و حفاریها چندین ظرف کره سازی را آشکار کردند که جهت سرعت بخشیدن به شکل گیری کره از گوشه ها به دیواره داخلی ثابت شده بودند. یک خمره کوچک دو بخشی هنوز محتوی ماده آلی بود که در آنجا می شد دانه ها را تشخیص داد. یک تجزیه دقیق ثابت کرد که این ظرف محتوی یک عامل انعقادکننده است که از یک تکه از معده و چندین دانه ذرت و انگور تهیه شده بود. هنوز امروزه، از این نوع عامل انعقاد برای تهیه پنیر استفاده می شود.

در میان حیوانات کوچک اندام، دو نوع گوسفند وجود داشت، که یک نوع آن دارای پشمی با کیفیت استثنائی بود (مرینوس).

یکی از متون تی شبایینی (تصویر ۳۶) لیستی از ۲۲۴ پوست گاو، ۵۲ کلاف پشم، ۱۷۲ پوست گوسفند و ۱۸ پوست بز را بدست می دهد.

1- Bos Primigenius.

کار پشم‌ریسی در آسیای مقدم از زمانهای بسیار دور شناخته شده بوده است. از انبارهای تی‌شبااینی تعدادی کلاف نخ پشمی، چرخ پشم‌ریسی و تکه‌های مختلف پارچه که بعضی از آنها مخمل کرکدار خود را حفظ کرده‌اند بدست آمد.

می‌دانیم که پارچه‌های پشمی گرانقیمت، با رنگ‌رزیهای گوناگون، در اورارتو بافته می‌شد. متون متعدد آشوری به آنها اشاره دارند، مخصوصاً متن سارگون شرح غارت معبد موساسیر را داده و صورت اموال را ذکر می‌کند: «۱۳۰ دست لباس به رنگهای گوناگون و تونیک‌های پشمی سفید، آبی و قرمز، که از سرزمین اورارتو و هاپ‌هو^(۱) آورده شده‌اند.» متأسفانه حفاریهای کارمیر - بلور فقط تکه‌های ماهوت سوخته را آشکار کرده‌اند که تمامی رنگ خود را از دست داده بودند؛ با وجود این چندین قطعه وجود دارند که هنوز اثرات یک تزئین هندسی را نشان می‌دهند. همچنین دامن یک خفتان از جنس پشم دارای کناره‌های پارچه‌ای ناهموار با موضوعات قلاب‌دوزی شده کاملاً طبق فن گوبلن‌ها، یافت شد. تعداد زیادی وزنه جهت کار پارچه‌بافی وجود آتلیه‌های بافندگی در تی‌شبااینی را تأیید می‌کنند؛ اندازه این وزنه‌ها بافندگی منسوجات زمخت عریضی را تداعی می‌کند. یک توپ پارچه پشمی سوخته در حین حفاریها پیدا شد.

در میان استخوانهای بی‌شمار یافت شده حیوانات در تی‌شبااینی، باید به اسکلت‌های کامل و استخوانهای مجزای متعلق به دو نوع اسب، یکی نژاد بزرگ و یکی کوچک اشاره کرد. قطعات زین و یراق مفرغی اسب که با کتیبه‌هایی به نام منوآ، آرگیشتی، و ساردوری پیدا شده‌اند (تصویر ۷۹) که با نژاد اسب بزرگ مطابقت دارد، که در آسیای مقدم مشهور بوده است. در یک مزرعه، در نزدیکیهای وان، سنگی پیدا شده که کتیبه‌ای به خط میخی در بر داشت که می‌گوید: «منوآ پسر ایشپوایشی، اعلان می‌دارد: در اینجا اسب آرتسیبی^(۲) (عقاب) نامیده می‌شود، که توسط منوآ سوار شده، ۲۲ کوده پریده است». مسلم است که فقط اسب بلند اندامی می‌توانسته پرشی به این طول داشته باشد (تقریباً ۱۱ متر و ۴۰).

1- Haphou.

2- Artsibi.

در یکی از انبارهای تی شبایینی اشیاء مختلفی از جنس برنز یافت شده‌اند که یکی از آنها سر باشکوه اسبی است که بی شک تزئین مال بند ارابه‌ای بوده است (تصویر ۱۰۷). کلاه خودها و تیردانه‌های مفرغی که اغلب مزین به نقش برجسته‌های نشان‌دهنده ارابه‌ها و سوارکاران می‌باشند به دست آمده‌اند (تصویر ۸۵، ۸۶، ۹۳).

بنابراین حفاریهای کارمیر - بلور اجازه تهیه تابلوی دقیقی از موقعیت اقتصادی اروارتو را به ما داده‌اند: کشاورزی و سیستم آبیاری، باغداری و احداث تاکستان، انبار کردن محصولات زراعی و صنعت فلزکاری. اهمیت شهر یک سازمان مالی اصولی را طلب می‌کرد. انبارهای قلعه با دقت تمام قفل می‌شدند همانطوریکه قفل‌هایی که نام شهر بر روی آنها است آنرا ثابت می‌کند. برای اطمینان بیشتر درهای انبارها باز هم مهر و موم می‌شدند. حفاری‌ها در یکی از انبارهای بزرگ یک مهره شکسته را آشکار کردند. این مهره عبارت از یک تکه گل‌رسی آغشته به قیر بود که درون آن گره‌ای قرار داشت که دو تکه ریسمان را به هم وصل می‌کرد که با آن چفت و بست به در ثابت شده بود. در دو انتهای این ریسمانها دو مهر مختلف وصل بودند - مهرهای دو نفر مسئول انبار. یک مهره مشابهی در یک انبار غلات یافت شده که دارای اثر دو مهر بود، یکی مدور، دیگری استوانه‌ای. این آخری یک درخت زندگی را بین دو جانور بالدار با تصویر نیم‌تنه انسان همراه با کتیبه‌ای به خط میخی در بالا و در پائین نشان می‌دهد که به معنی «این مهر کاخ روسا، پسر روسا» می‌باشد.

مدارک مکتوب و کتیبه‌های یافت شده بر حسب اتفاق

صورت‌های اموال تی شبایینی پیدا نشدند، لیکن می‌بایست موجود بوده باشند. لوحه قبلاً ذکر شده (تصویر ۳۶) که سیاهه پوست حیوانات و کلافهای پشم را می‌دهد شاهی است بر آن، همچنانکه دو قطعه محاسبات دیگر. آنها بطور ناشیانه‌ای نوشته شده‌اند و دارای چندین غلط املائی می‌باشند.

نامه‌های نوشته شده به معاون پادشاه تی شبایینی بوسیله پادشاه اورارتو و شخصیت‌های بلندپایه پایتخت احساس کاملاً مختلفی می‌دهند. آنها خیلی خوب با یک

خط میخی عالی نوشته شده‌اند و حامل اثر مهر سلطنتی استوانه‌ای با درخت زندگی و حیوانات تخیلی در هر دو طرف می‌باشند (تصویر ۳۴، ۳۵، ۳۷). این نامه‌ها دارای منظور تعیین مالیاتهای جدید ارضی (تصویر ۳۷)، برگشت یک برده فراری (تصویر ۳۴)، جمع‌آوری مالیاتها و جابجائی مردم و حیوانات، مسائل ارثیه می‌باشند. آنها تابلوئی از زندگی روزمره قلعه به ما می‌دهند و کمیتی از موضوعاتی که ما از جهات دیگر نمی‌دانیم روشن می‌کنند.

غیر از این ثبت‌های روی لوحه‌های گلی، شهر می‌بایست دارای ثبت‌های دیگری بر روی پاپیروس، احتمالاً با خط آرامی می‌بود. نقش برجسته‌های کاخ‌های آشوری که چگونگی صورت‌برداری خزانه را نشان می‌دهند بطور عموم دو کاتب را نمایش می‌دهند، یکی لوحه‌های گلی و یک چوب در دست و دیگری یک رول کاغذ پاپیروس و یک قلم. متأسفانه آنچه که از آنها در تی‌شباینی برایمان باقی مانده است یک مهره قیراندود شده تخت است که جهت مهر زدن رول کاغذ پاپیروس بکار می‌رفت. این مهره در یک رو اثر یک مهر مصور به یک انسان و با یک گوزن را نشان می‌دهد؛ روی دیگرش محدب، پرزهای کاغذ پاپیروسی را که بوسیله آتش نابود شده حفظ کرده است. رولهای پاپیروس نیز درون کاخ آشور ناپدید شده‌اند، همچنین این یک مهره است که به ما درباره قرارداد بسته شده بین سن‌ناشرب^(۱) و فرعون شاباکا^(۲) اطلاعاتی می‌دهد، مهره‌ای با دو مهر یافت شده در کاخ سن‌ناشرب در نینوا. خود مدارک سوخته‌اند ولی مهره گِل رُسی سالم مانده است.

ما قبلاً از کتیبه طویل پایه که در سال ۱۹۶۲ در حفاری معبد بخش شمالی قلعه یافت شده استفاده کرده‌ایم؛ یک کتیبه دومی آنرا ادامه می‌دهد، لیکن کامل نیست، از آن فقط دو سنگ و چندین قطعه باقی مانده است. چون قطعه کتیبه یافت شده در سال ۱۹۳۶ که سبب حفاریها گردیده، کامل شدن یکی از بلوکهای نوشته سال ۱۹۶۲ را فراهم می‌کند: این بلوک بخش نتیجه‌گیری را تشکیل می‌دهد و نفرین می‌کند کسی را که سعی در

1- Sennacherib.

2- Pharaon Shabaka.

تخریب عمارتی کند که قسمتی از آن است. یکی از بلوکهای دومین کتیبه حمل و نقل سلاحهای مقدس به مقصد قرار دادن در روی درهای معبد خالیدی را در نظر می‌گیرد، این متن اشاره به تعداد زیادی سلاحهای زیبای مفرغی می‌کند که باعث غرور مخصوصاً کارمیر - بلور شد. اغراق نخواهد بود اگر گفته شود که حفاریها یک موزه واقعی از تجهیزات نظامی اورارتوئی قرن هفتم ق.م را آشکار کردند (تصویر ۸۰، ۹۶). یافته‌ها مشتمل بر تعداد زیادی سلاحهای آهنی و مفرغی می‌باشند: پیکان (تصویر ۸۳)، نیزه، خنجر، شمشیر (تصویر ۸۷) که بعضی از آنها بسیار طویل هستند و دسته‌های مفرغی را نمایش می‌دهند. تکه‌های زیادی زره نیز یافت شده‌اند و بر روی یکی از زیباترین قطعات دگمه‌ای پیدا شد که حامل اسم آرگیشتی اول است.

حفاریها بازهم بیش از بیست تیردان با دکور حاشیه افقی که بر روی آنها ارابه‌های جنگی و سوارکاران نشان داده می‌شوند آشکار کردند (تصویر ۸۵، ۸۶) با کتیبه‌های کوتاه اهدائی به خداوند خالیدی از طرف آرگیشتی اول و ساردوری دوم. درون تیردانها چندین نوک پیکان یافت شدند که همان کتیبه‌ها را داشتند.

می‌دانیم که اورارتوئی‌ها کمانداران ماهری بودند و کتیبه‌ای که کارهای برجسته پادشاه سوارکار اورارتو را یادداشت می‌کند قرینه یک سنگ نبشته دیگر است، که در یک مزرعه یافت شده، و یادآور کار برجسته آرگیشتی دوم در حال پرتاب تیری به بیش از ۹۵۰ کود (۴۷۵ متر) است («آرگیشتی، پسر روسا، تیری در این محل در مقابل غار به نام ژیرولانی»^(۱) یک تیر به همان دوری باغ ایشپیلینی^(۲)، پسر باتو^(۳)، پرتاب کرد: ۹۵۰ کوبیت»^(۴)).

یک سری کلاه خود نوک تیز مزین به تصاویر درختان مقدس، با فرشتگانی بر روی پیشانی و ارابه‌ها و سوارکاران بر روی گیجگاهی‌ها و پس کلاه، مورخه قرن هشتم (تصویر ۹۳ و ۹۶) می‌باشد. کتیبه‌هایی با خطوط به میخی بر روی لبه می‌دوند. اما بیشتر این

1- Giroulani.

2- Ishpilini.

3- Batou.

4- Cubits.

بیست کلاه خود دارای یک تزئین ساده‌تری بودند، شامل یک موضوع یگانه و مرموز - یک روشنائی در پیشانی کلاه خود.

زمانی که باستان‌شناسان اولین نمونه‌های این تجهیزات اهدائی باشکوه به خداوند خالدي را کشف کردند، بر ایشان مشکل بود توضیح دهند که چرا بیشتر این اشیاء، در یک دژ قرن هفتم یافت شده‌اند که در واقع متعلق به قرن هشتم بودند. فرض بر این شد که آنها از یک محوطه قدیمی‌تر آورده شده‌اند. و در لحظات آخر حفاری کشف کتیبه پایه که آوردن سلاحهای مقدس را به خالدي در زمان ساخت معبد ذکر می‌کند، این فرضیه را به اثبات رساند. کتیبه‌های طویل مکشوفه بر روی سپرهای مفرغی تمامی فرضیه را برطرف می‌کنند: ۱۷ سپر با هم پیدا شدند، پنج تای آنها مزین به گاو نر و شیر بشکل دایره‌ای بطرف مرکز می‌باشند (تصویر ۸۸، ۹۲). کتیبه‌ها تاریخ آنها را به سلطنت آرگیشتی اول، ساردوری دوم و روسای اول منسوب می‌کنند. کتیبه‌های به نام آرگیشتی اول، بنیانگذار اولین تشکیلات اورارتوئی در ماوراء قفقاز، به ما اطلاع می‌دهند که این سپرها برای شهر اربونی ریخته‌گری شده‌اند، چیزی که قبلاً در فصل گذشته شرح داده شده است. بنای تی‌شبااینی در عصری انجام شد که در آنجا مرکز قدیمی اهمیت اولیه خود را از قبل از دست داه بود. یک کتیبه یافت شده بر روی یک پایه‌ای گرد و از مفرغ توپر تی‌شبااینی نیز یادآور می‌شود که «این شیء چوبی» در زمان بنای اربونی کنده‌کاری شده است. بی‌شک این پایه مجسمه چوبی یک شاه یا یک خدائی بوده است.

در واقع، در تی‌شبااینی مجسمه‌های این نوعی یافت شده‌اند: یک مجسمه زنانه و چهار مردانه با بلندی تقریباً ۲۰ سانتیمتر که از چوب تراشیده شده و همراه با ملحقات مفرغی بوده‌اند (تصویر ۱۲۸) (یک تاج، یک کمر بند، یک شمشیر یک تیردان و تیرهایش، یک نیزه، - و در مورد مجسمه‌های زنانه یک آئینه و یک بادبزین). این تمثالهای الهی اورارتوئی در وضعیت بدی نگهداری شده‌اند (تصویر ۱۲۷، ۱۲۸)، یعنی در میان خرده‌ریزهای شاخ و برگ‌های سوخته. در زمان کشفشان دارای آثاری از رنگ بودند که از آن به بعد ناپدید شدند.

کشفیات گوناگون

این مجسمه‌های خداوندان جنگ بازهم به شناخت ما از تجهیزات نظامی اورارتوئی افزوده‌اند. همچنین چندین کمر بند مفرغی مزین به موضوعات هندسی یا تصاویر سه خداوند اصلی اورارتوئی: خالدی^(۱)، تی شبا^(۲) و شیوینی^(۳) (تصویر ۸۰) جمع‌آوری شده‌اند.

همانگونه که قبلاً اشاره کردیم، حفاریها خرده‌ریزهای لباسهای پشمی را آشکار کرده‌اند، لیکن نمی‌بایست منتظر یافتن باقیمانده‌های کفش‌هایی بود. در این زمینه، سفالگری به کمک باستانشناسی می‌آید. در میان قطعه‌های زیبای یافت شده در تی شبایینی دو گلدان بشکل چکمه‌های بزرگ (چرمی) جلب توجه می‌کنند که محل بندها نقاشی یا حکاکی شده‌اند (تصویر ۴۷، ۴۸). گلدانی که محل بندش حکاکی شده، با یک ورنی زیبای مشکی، یک چکمه باشکوه با تخت نازکی را ترسیم می‌کند که بقدری وسواسانه تولید شده که یک کفاش امروزی هیچ مشکلی در کپی‌برداری دقیق از این نوع کفش اورارتوئی نخواهد داشت.

این گذر سطحی نتایج حفاریهای کارمیر - بلور اجازه ذکر تمامی اشیاء جالب را که خرابه‌های قلعه آشکار کرده‌اند نمی‌دهد. سرامیک قرمز در اینجا بوفور عرضه شده است (تصویر ۴۶، ۴۹، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۶۳، ۶۴، ۶۸)؛ سرامیک سیاه بسیار نادر است. در میان گلدانهای جالب باید به یک ظرف مشکی با یک نوار رنگی در عریض‌ترین قسمت آن اشاره کرد؛ این ظرف مزین به سه سر مجسمه‌سازی شده گاو نر مشابه آنهایی که در خارج گلدانهای مفرغی قرار دارند می‌باشد (تصویر ۵۵). گلدانهای مفرغی بسیاری، مخصوصاً جام‌های شراب از نوع مرسوم در آسیای مقدم (تصویر ۹۷، ۹۸). دیگ‌های بسیار قربانی از جنس مس، که لبه‌هایشان مفرغی است، دقیقاً مشابه آنهایی هستند که می‌شود در مقابل معبد موساسیر در نقش برجسته کاخ سارگون دید؛ و در موزه تاریخ

1- Khaldi.

2- Teisheba.

3- Shivini.

ارمنستان در اروان، بخش اصلی سالن یافته‌های تی‌شبااینی را به نمایش می‌گذارد (تصویر ۷۰).

در میان مجسمه‌های مفرغی، مجسمه کوچک قابل توجه‌ای را یادآور می‌شویم، بی‌شک مجسمه تی‌شبا، در اصل در سر آن یک پرچم جنگ جا داشته است (تصویر ۱۰۶). درجه خورندگی مجسمه نشان می‌دهد که برای براق بودن به دفعات مورد جلا قرار گرفته و اینکه در تمام وقت نزد سربازان بوده است.

تی‌شبااینی نیز تعداد زیادی جواهرات مفرغی (قزن قفلی و گردن‌بند کوچک) نقره‌ای (مدال با نقش خداوندان) (تصویر ۱۲۲، ۱۲۳) یا طلا (دست‌بند) گوشواره یا سایر زیورآلات (تصویر ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۴) آشکار کرد. در میان قطعات بزرگ، باید یک گردن‌بند یا طوق نقره‌ای مرصع با یک نوار طلائی با یک انار طلائی در مرکز حامل کتیبه‌ای به نام آرگیشتی اول را ذکر کرد.

همچنین اورارتوئی‌ها در ساخت مجسمه از سنگهای قیمتی و استخوان مهارت داشته‌اند (تصویر ۱۱۵، ۱۱۷). سنگهای قیمتی از هر نوع یافت شده‌اند، بویژه، چندین دانه تسبیح خیره‌کننده گرد یا استوانه‌ای یشم و عقیق جگری (تصویر ۱۱۳). گردن‌بندها اغلب حامل آویزه‌های مهر می‌باشند (تصویر ۴۰، ۴۱): آنها مخروطی یا زنگوله شکل، یا استوانه‌ای با یک حلقه کوچک برای آویختن یا بطور طولی سوراخ شده می‌باشند، ضمائم فراوان بر روی استوانه‌های آسیای مقدم. علاوه بر استفاده معمولیشان، این مهرها به عنوان طلسم نیز به کار می‌رفت.

سه مدال نقره‌ای، یکی یک قربانی برای خداوند خالدي را نشان می‌دهد (تصویر ۱۲۳)، دیگری الهه آروپانی (تصویر ۱۲۲) (سرهای دو رب‌النوع بر روی یک صفحه کوچک طلائی کار شده بر روی مدال قرار دارند)؛ سومی هم سمبل خداوند شیوینی (یک صفحه خورشیدی بالدار) را نشان می‌دهد. کمربندهای مفرغی نیز اغلب مزین به تصویر سه خداوند اصلی اورارتوئی می‌باشند. حفارها همچنین در یک انباری در نزدیکی یک محراب چندین مجسمه کوچک سفالی که خداوند - ماهی را نشان می‌دهد، مشابه رب‌النوع آشوریه‌ها و مجسمه‌های کوچک پیدا شده در دژ اورارتوئی آدیل جواز،

یافته‌اند.

یک انبار دیگر یک مجسمه کوچک سفالی یک خداوند - عقرب را آشکار کرده است (تصویر ۶۵). این مجسمه‌ها بی شک جهت حفظ ذخایر انبارها از ارواح بد ساخته شده‌اند.

تأثیرات دریافتی

تعداد بی شماری اشیاء کشف شده در تی شبایینی وجود روابط بین مراکز اورارتوئی ماوراء قفقاز و سایر کانالهای فرهنگی شرق قدیم را اثبات می‌کند. بدینسان چندین مهر استوانه‌ای باشکوه آشوری (تصویر ۳۹، ۴۳) را دارا هستیم که، یکی عقیق جگری است، مربوط به دوره سارگونی با تصویر یک پادشاه در حال شکار گاوهای نر و حشی از روی اراپه‌اش. چندین مهر از جنس بدل چینی (تصویر ۴۵) و سنگ‌های قیمتی کارمیر - بلور شباهتهای نمایانی با اشیاء مشابه آشکار شده در حفاریهای قلعه آشوری آشور را نشان می‌دهند. وانگهی بعضی جامهای مفرغی و بعضی دانه‌های تسبیح اورارتوئی اصلیت آشوری دارند.

اشیاء دیگر تبادل نفوذ بین تی شبایینی و شهرهای آسیای صغیر و مناطق مدیترانه‌ای را تصویر میکنند: یک کوزه نقره‌ای مزین به یک برگ نخل در زیر دسته و یک نوشته تصویری (تصویر ۷۱، ۷۳)؛ یک جفت گوشواره بشکل قفل آویزان با تزئین زنجیره‌ای (تصویر ۱۱۹). تزئین هندسی بر روی زمینه سفید که بر روی ظرف نوع «اسک اُس»^(۱) (تصویر ۵۸) دیده می‌شود، نزدیک به تزئین هندسی مورد استفاده در آسیای صغیر است. یک تکه از ظرف سفالی جلا داده شده با تصویری از یک زن نشسته نشاندهنده شباهتهای نمایان با گلدانهای بدل چینی سرخ فام رودی‌ها^(۲) می‌باشد (تصویر ۶۱). یک طلسم سفالی با شکل الهه سخمت^(۳) و چندین شیء جواهری به شکل سوسک حامل نوشته تصویری مصری (تصویر ۴۴) شاید از مصر یا سوریه از شمال آمده باشند، و یک

1- Askos.

2- Rhodiens (Du Rhône).

3- Sekhmet.

مطالعه مفصل جواهرات بی شک روابط نزدیک و گوناگونی بسیار بین شهرهای اورارتو و کشورهای شرق قدیم را پدیدار خواهند کرد.

انبارهای تی شبایینی همچنین محتوی اشیاء سیت‌ها^(۱) بودند که نه فقط از قفقاز شمالی آورده شده‌اند، بلکه حتی از منطقه دنیپر^(۲) در میان اشیاء این منطقه آخری می‌توان یک افسار آهنی را که شاخه‌هایش مرکب از صفحات استخوان مزین به یک کله حیوان - گوسفند یا اسب - و یک کفش چوبی بودند، طبقه‌بندی کرد. دانه‌های تسبیح بدل چینی شیاردار و حلقه‌ها کمربند از شاخ گوزن به شکل کله گوسفند، از یک نوع متداول در کورگانهای^(۳) کلرمس^(۴) نیز اصلیتشان سیت می‌باشد. به همراه نوک پیکانهای مفرغی یا آهنی اورارتوئی مجهز به یک رشته ابریشم طویل که پیکان‌ها را تنظیم می‌کرد، مقدار زیادی نوک پیکان مفرغی از نوع اصلیت سیت یافت شده است.

بنابراین اجازه هیچ‌گونه شک در روابط وسیعی که سیت‌ها با این محل پیشرفته اورارتو و از طریق آن با سایر دیارهای شرق قدیم داشتند، را نمی‌دهد. حتی بعضی از اشیاء نوع سیت می‌توانسته‌اند در تی شبایینی ساخته شده باشد. در درب اصلی قلعه یک حجره قراولی وجود داشته که در آتش‌سوزی عمومی شهر نابود شده است. حفاریها آشکار کرده‌اند که قراول اوقات فراغت خود را با کار بر روی شاخ می‌گذرانده، چون محل پُست وی محتوی مقداری قطعات شاخ آماده مجسمه‌سازی و سر یک لاشخور به سبک سیت بوده است. فرسودگی این کله اشاره به استفاده طویل آن دارد و بی شک کار هنرمند محلی مان نبوده: حتماً از آن بعنوان مدل استفاده می‌شده.

بعضی اشیاء یافت شده در تی شبایینی، بویژه کمربندهای مفرغی (تصویر ۸۰)، که در سایر مناطق ماوراء قفقاز هم پیدا می‌شوند، عناصر تزئینی‌ای مانند درختان مقدس دارای سبک را در بین دیگر اشیاء ارائه می‌کردند، که یک پیوستگی‌ای بین چندین شیء از

1- Scythes.

2- Dniepr.

3- Kurgans.

4- Kelermes.

خزانه زیویه^(۱) و بعضی آثار منقوش هنر سیت مانند تزئینات طلائی لبه غلاف خنجرهای کورگان‌های کلرمس و ملگونف^(۲) را تشکیل می‌دهند. بعد از این دیگر نمی‌شود روابط بین سیت‌ها و مردم دیگر شرق قدیم را بدون در نظر گرفتن یافته‌های کارمیر - بلور مورد مطالعه قرار داد.

ساختار شهری

در اطراف قلعه تی شبایینی، در یک فضای ۳۰ الی ۴۰ هکتاری، شهر گسترده بود. این شهر با دیوارهایی احاطه شده بود، اما کارهای دفاعی به پایان نرسیده بودند: شاید خود شهر طرح اولیه را دیگر بطور کامل دنبال نکرده بوده.

معماری شهر اقشار مختلف اجتماعی را به روشنی نشان می‌دهد. محله‌های مسکونی یکسان کاملی وجود دارند که از طریق یک حیاط رو باز به آنجا وارد می‌شدند که انباری نداشتند: خانواده‌هایی در آنجا زندگی می‌کردند که دولت کمک به احتیاجاتشان می‌کرد. منازل دیگری چنان به نظر می‌رسند که محل زندگی شهروندان خوش بخت‌تر بوده باشند، که هر کدام شامل چندین اتاق و انبار برای آذوقه بودند. نوع سومی از ساختمانها که در سال ۱۹۶۱ حفاری شده‌اند، امتیاز ویژه‌ای را ارائه می‌دهند. در یک فضای تقریباً ۱۸۰۰ مترمربع چهار خانه با نقشه یکسان، با یازده اتاق در هر کدام و، بی شک، در دو طبقه احداث شده بودند. یکی از دیوارها دارای چهار در بود و مجتمع از بیرون شباهت به یک عمارت سه طبقه‌ای داشت که تصویر آن در روی یک پلاک برنزی که در توپراک کالا یافت شده، نقش بسته است.

نظم نقشه شهر و انواع گوناگون مساکن این فکر را تداعی می‌کند که شهر از قبل برای سکونت جمعیتی تهیه شده بود که مایل به انتقال از یک منطقه دیگری بودند. زندانیان جنگی و جمعیت محلی نیروی کاری را، مانند آنچه که در اربونی بود، تشکیل می‌دادند. در شهر صنعتکاران، سربازان ساخلو، کشاورزان و مقامات رسمی

1- Ziwiye.

2- Melgunov.

زندگی می کردند؛ جمعیتی خاص از هر مرکز اداری و اقتصادی شرق قدیم.

انهدام تی شبایینی

حفاریها تصویر خیلی دقیقی از تخریب تی شبایینی در اوایل قرن ششم ق.م (تقریباً ۵۹۰-۵۸۵) را بما داده اند، عصری که یورشهای مادها سلطنت اورارتو را بلرزه درآوردند. این یک حمله شبانه بود که بر قلعه چیره شده آن را به آتش کشید: حمله ای هدایت شده نه از سمت درب بزرگ که به خوبی دفاع می شد، بلکه از طرف درب مخفی ضلع شمال غربی. قبل از حمله نهایی، قلعه با پیکانهائی تیرباران شد، و از دیوارهای آجرخام اطراف درب مخفی تعداد بسیار زیادی پیکانهای مفرغی سه لبه از نوع سیتها استخراج شد. واضح است که متجاوزین به دژ چندین متحد قدیمی اورارتوئی ها مثل سیتها را جزو همدستان خود به حساب آوردند.

به محض نزدیک شدن دشمن، شهر رها شده و مدافعان تی شبایینی بطرف قلعه عقب نشینی نموده، موقتاً در حیاط و ساختمانها قرار گرفتند و آذوقه ها را در آنجا انبار کردند. حمله در ماه ژوئیه یا اوت انجام گرفت: فصل درو به پایان رسیده بود. اما انگورها هنوز بر روی درختان و خمره های شراب خالی بودند. درون یکی از خمره ها آثار گوگردی که جهت سوزاندن داخل ظرف برای ضد عفونی کردن بکار رفته بود یافت شد؛ موش و موش صحرائی اغلب در اینجا لانه گزیده بودند همانطوریکه اسکلت های یافت شده آنها گواه آنست، همچنین تعدادی هم استخوان گربه. کمی علف خشک چسبیده به یک جاروب ه بی شک جهت نظافت انبارها مورد استفاده داشته، فصل سالی را که تخریب اتفاق افتاد تأیید می کند. بالاخره گیاهشناسان توانستند در میان خرده ریزهای سوخته باقیمانده تقریباً غیر قابل مشاهده گلهای شکفته شده در اواخر تابستان را تشخیص دهند.

ساکنان پناهنده در درون قلعه قبل از حمله دارائی های خود را با عجله از انبارها خارج کرده، آنها را تقسیم بندی نموده و با سعی تمام در زیر شاخ و برگها، درون غلات یا در زیر خاک کف زمین مخفی کردند. کشفیات انجام شده یک ایده واضحی از تقسیم بندی از قبل آنها را به ما می دهند. بدین سان یک مخفیگاه فقط یک گوشواره طلائی (تصویر ۱۱۹)، یا

نیمه یک النگوی نقره‌ای مزین به یک شیر طلایی در انتهایش (تصویر ۱۲۰)، یا حتی نیمه یک دیگ مفرغی، یا قطعات مجزای یراق آلات را در خود پنهان می‌داشت.

بدون هیچ تردید، نگهبانان فکر می‌کردند که این اشیاء را به محض ترک محاصره دوباره پیدا می‌کنند؛ و شاید با این فکر از قبل است که کسانی با یک ضربدر قهوه‌ای رنگ بر روی دیوار محل یک مخفیگاهی، که از درون کف زمین آن یک سپر و یک شمشیر بدست آمد، علامت‌گذاری کرده‌اند. لیکن سرنوشت در مورد آن طور دیگری تصمیم گرفته بود. قلعه تسخیر و یک شبه به خاکستر مبدل شد. مساکن سیاه‌بخت واقع در حیاط اولین‌ها بودند که آتش گرفتند، و پشت‌بامهای چوبی و خار و خاشاک‌ها تمامی آنچه را که محتوی مساکن بودند با بر زمین کوفتن در خاک دفن کردند. ساکنین به زحمت فرصت فرار یافتند: مردی سلاحهای خود را نزدیک یک بخاری تو دیواری رها کرده بود و زنی جواهرات خود را در گوشه اتاق. در زیر آوارها اسکلت یک کودک و یک الاغ که بی شک بسته بوده یافت شدند. تمامی این تفصیلات به خوبی مبین یک حمله شبانه و ناگهانی می‌باشد. قلعه بطور کامل طعمه حریق شد، پشت‌بامها و طبقات فرو ریخته و آنچه را که آتش بطور کامل نسوزانده بود دفن شد. در قسمت شمال شرقی، مخفیگاه‌های انبارها اسکلت نیمه سوخته کسانی را که بی‌تردید به آنجا پناه آورده بودند آشکار کردند، یک دستبند طلایی در کنار اسکلت یک زن افتاده بود. مجموعه نیمه سوخته مردی افتاده بر روی کف زمین کوبیده هنوز باقیمانده سوخته مغزش را نشان می‌داد (تصویر ۲۸).

اما آتش همه را نابود نکرد. حرارت فقط سبب سخت شدن اشیائی سفالی مثل لوحه‌های بایگانی شد و پدیده ذغالی شدن، بعضی مواد نظیر پارچه، نخ پشمی و علف را حفظ کرد. یکی از زیباترین یافته‌ها کشف یک گل انار بود که پرچم، تخمدان و برگچه‌ها را حفظ کرده بود در صورتیکه گلبرگها ناپدید شده بودند. این گل با تزریق رزین ترکیبی توانست حفظ شود. هم اکنون در موزه شراب‌سازی ارمنستان در فروغ و درخشندگی است، درون ویرین و شکننده.

پس از سقوط قلعه، زندگی دیگر در شهر جریان نیافت. تپه کارمیر - بلور و ناحیه اطراف خالی و متروکه ماندند. شهرهای دیگر اورارتو که، مانند اربونی، قبل از این زمان

تخلیه شده بودند، و در آنها همه زندگی کاملاً محو نشده بود، با فلاکت ادامه حیات دادند. کاوش این شهرها باقیمانده به خوبی حفظ شده یک معماری با مشخصات قرون ششم، پنجم و چهارم ق.م.، را که با بناهای قدیمی تر ترکیب شده اند پیدا کرد که کتیبه های به خط میخی به نام پادشاهان اورارتوئی قرن هشتم را در خود دارند.

نتیجه گیری

همانطوریکه قبلاً متذکر شدیم، شناخت ما از تاریخ اورارتو از سه منبع همان عصر، منتج می شود: سالنامه ها و آثار هنری آشوری، کتیبه های اورارتوئی، و عناصر بدست آمده توسط کاوش های باستانشناسی دژها و گورستانها.

اطلاعات بدست آمده از این طریق کامل کننده هستند. برای شکل گیری پادشاهی اورارتو و وقایع قرن نهم، منبع دیگری بجز متون آشوری که یک جدول تاریخ نگاری را تهیه میکنند وجود ندارد. در واقع، تمامی تاریخ نگاری پادشاهی اورارتوئی بر اساس تاریخهای داده شده توسط سالنامه های آشوری می باشد.

وقایع قرن هشتم همزمان در متون آشوری ها و در متون اورارتوئی ها یادداشت شده اند، لیکن این دو منبع اطلاعاتی می دهند که بجای تداخل یکدیگر را تکمیل می کنند. دلیلش ساده است: آشوریه از فتوحاتشان صحبت می کنند و از شکست هایشان سخن نمی گویند، و اورارتوئی ها همچنین.

مطالعه باستانشناسانه محوطه های قرن هشتم فقط آغازی بیش نیست؛ محققین بویژه تا اینجا علاقمند به دژهای اورارتوئی قرن هفتم هستند، چون، برای این دوره، منابع مکتوب بسیار فقیر هستند: تاریخدانان چیزی جز گذرهای مختصر از کتیبه های پایه و چندین اسم از پادشاهان در اختیار ندارند؛ بنابراین مطالعه تمدن اورارتوئی ها در آنجا بطور کامل در دستهای باستانشناسان است. حفاریهای کارمیر - بلور دقیقاً اجازه حیات دوباره تمدن اورارتوئی ها را در قرن هفتم می دهند و آنها همچنین تهیه کنندگان بعضی اطلاعات درباره هنر اورارتوئی قرن هشتم به لطف کشف اشیاء منتقل شده از محوطه های قدیمی تر اورارتوئی هستند.

خاتمه

V

آخرین پادشاهان اورارتو

در زمان سقوط تی شبایینی، تمامی پادشاهی اورارتو در آغاز زوال کامل قرار داشت. قلعه روسا خینیلی، اقامتگاه پادشاهان اورارتو در پایتختشان توشپا، به همان بلا گرفتار شد که دژهای ماوراء قفقاز. حفاریهای توپراک کالا نشان داده‌اند که آن نیز توسط آتش نابود شده بود، و آنها تعدادی سپر مفرغی آشکار کردند، که از محراب معبد فراهم شده‌اند، و حامل کتیبه‌هایی به نام آخرین پادشاه اورارتو، روسا، پسر اریمنا می‌باشند؛ همچنین نام وی در یک متن لوحه کوچک ظاهر می‌شود، که یادآور ساختمان یک انبار غله در آرگیشتی خینیلی در ماوراء قفقاز می‌باشد.

حفاریهای توپراک کالا تعدادی کتیبه بدست داده‌اند که اسامی پادشاهان اورارتو را ذکر می‌کنند. زندگی این شهر دقیقاً با دومین دوره تاریخ پادشاهی وان همزمان است: دژ در زمان سلطنت روسا دوم در لحظه زایش دوباره اورارتو بنا شده، و حجم با هیبتش قدرت این دولت را گواهی می‌کند.

زمانی که روسا دوم این قلعه را بنا کرد، دستور نوشتن کارهای بزرگش را بر روی دیوارهای معبد اصلی داد، وی نقل و انتقال خزانه‌های دژهای دیگر اورارتوئی را به اینجا انجام و معابد را با سپرهای تزیینی حامل اسامی پیشینیانش مزین کرد. کتیبه‌های روسا دوم آخرین کتیبه‌های حکاکی شناخته شده اورارتوئی‌ها تا به امروز هستند: از آن به بعد ما غیر از لوحه‌های گلی نوشته شده به خط میخی و متون کوتاه فرعی بر روی اشیاء مفرغی چیز دیگری نداریم. این دوره نهایی خیلی طول کشید. آخرین اشاره به نام روسا

دوم در سالنامه‌های آشوری زمان سلطنت آشوربانی پال در رابطه با وقایع سال ۶۵۴ ق.م. می‌باشد؛ در مورد پسرش ساردوری سوم، سالنامه‌ها اشاره به ملاقات وی از آشور در سال ۶۳۹ ق.م. می‌کنند؛ می‌توانیم از آن نتیجه‌گیری کنیم که بین مرگ روسا دوم و پایان اورارتو، در سالهای ۵۹۰-۵۸۵ ق.م.، تقریباً شصت سال گذشته است. در طی این مدت زمان، پنج پادشاه که ما از آنها اطلاع نداریم، بجز اسامی‌اشان، به تخت سلطنت اورارتوئی نشست‌اند.

اگرچه که ساردوری سوم، پسر روسا، درود و هدایائی به شاه آشور فرستاد، معهذا با سیت‌ها در رابطه خوبی باقی ماند. به نوبه خود آشوربانی پال هم در یک سرود به خدای آشور اشاره کرده می‌نویسد: «اورارتوئی‌ها نیز، این مردم مغرور کوهستانها، با او ممان - ماندا^(۱) (چادرنشینان)، دشمن خائن، دسیسه کردند، بی‌وقفه توطئه خیانت بر علیه تو می‌چینند». دو کتیبه یافت شده در تی‌شبااینی اوامر ساردوری سوم را در مورد تقسیمات ارضی و چهارپایان ذکر می‌کند.

پس از مرگ ساردوری، متون آشوری دیگر محتوی نام پادشاهان اورارتو نیستند و فقط کتیبه‌های فراهم شده درباره اشیاء نذری یا مهرهای اورارتوئی هنوز بعضی اسامی پادشاهان را به ما می‌دهند. علی‌رغم همه اینها، این مراجع مختصر یک یا دو کار غیرمنتظره کوچک برایمان بارمغان می‌آورند. اثر مهری بر روی یک لوحه کارمیر - بلور که حامل: «ساردوری، پسر ساردوری» می‌باشد، ابتدا منسوب به شاهزاده‌ای از کاخ سلطنتی است چون، یکبار که پادشاهی بر تخت سلطنت نشست، در اصل هیچگاه همان نام پدرش را نمی‌داشت، و در تی‌شبااینی لوحه مهر شده یک مأمور مخفی را با «مهر شاهزاده» پیدا کرده‌ایم. لیکن محققین سپس سپری مفرغی یافتند که در لبه خود حامل کتیبه «ساردوری، پسر ساردوری» بعنوان پادشاه بود. بدون تردید آیا می‌بایست در این دوره چندین سپر تزئینی را بر روی دیوارهای معبد جابجا کرد یا از نوبه آنها اضافه کرد: نوه روسا دوم از فرصت استفاده کرده اسم خود را نوشته است.

دیگران بعضی از همان نوع تجدیدات را در تزئین معبد‌ها عمل کردند؛ بدینسان هم، در روسا‌خینیلی، روسا سوم، پسر اریمن^(۱)، حمل کرد (فقط یک اثر مُهر تی شبایینی حامل نام اریمن است) (تصویر ۳۵). سپرهای به نام روسا سوم که حفاریهای توپراک‌کالا آشکار کرده‌اند، گواه یک کیفیت بالای هنری هستند و کتیبه‌هایشان فرمول‌های اهدائی معمولی را تکرار می‌کنند. عموماً فکر می‌شود که روسا، پسر اریمن، آخرین پادشاه اورارتو شد؛ سلطنتش، که رو به ترقی بود، در حدود سال ۵۸۵ توسط یورش مادها از هم گسیخته شد؛ مادها از پایتخت اورارتوئی گذشته به مقابله با قشون لیدیائی پادشاه آلیا تس^(۲) در کرانه رود هالیس^(۳) رفته‌اند. اما در این زمینه نیز، یافته‌های کتیبه‌ای کارمیر - بلور نورهای ضعیف جدیدی می‌دهند. بر روی آثار دو مهر مختلف، یکی بر روی لوحه‌ای گلی، دیگری بر روی یک حباب مهره که با آن درب یک انبار مُهر شده، می‌توان جمله «روسا، پسر روسا» را خواند؛ در کتیبه‌های چنین مختصر، عموماً تیترا سلطنتی حذف می‌شود؛ بنابراین نمی‌دانیم که آیا این روسا پادشاه بود یا شاهزاده، لیکن اولین فرضیه قابل پذیرش است. در این شرایط، این سلطنت روسا چهارم می‌باشد که نابودی وحشیانه روسا‌خینیلی در اورارتوی مرکزی و تی‌شباینی در کمربندی پادشاهی را دیده است. بنابراین دنباله پادشاهان دومین دوره تاریخ اورارتوئی عبارتست از: روسا دوم، ساردوری سوم، ساردوری چهارم، اریمن، روسا سوم، روسا چهارم.

حذف آشور و صعود سیت‌ها

از زمان پایان سلطنت روسا دوم، پادشاهی اورارتو دیگر نقشی در تاریخ آسیای مقدم بازی نمی‌کند؛ با وجود این موفق به ادامه زندگی بعد از رقیب بزرگ آشوری‌اش شد. در نتیجه آشور کم‌کم قدرت و سرزمینهایش را در طی نیمه دوم قرن هفتم از دست داد. آشور درگیر جنگی مشکل با بابل که بر علیه حاکمیت آشور شورش کرده بود شد،

1- Erimena.

2- Alyattes.

3- Halys.

همچنین با مادها که قدرتشان تا افق صعود می کرد.

یک پیمان با مصر برای نجات آشور کافی نبود: در سال ۶۱۴ ق.م. مادها آشور را تصرف کرده شهر را تخریب نمودند؛ خشایار، مادی و نابوپالاسار^(۱) پادشاه بابل پیمانی در میان خرابه های شهر بزرگ امضا کردند. در سال ۶۱۲ ق.م. که نینوا توسط مادها و بابلی ها به مدت طولانی در محاصره بود به نوبه خود سقوط کرد و از آنچه که هرودوت برایمان نقل می کند، ورود قشون بزرگ سیت تحت رهبری مادیس^(۲)، پسر پروتوتیس^(۳) (بارباتوآی^(۴) متون آشوری) نقش مصممی در سقوط شهر بازی کرد. آخرین پادشاه آشوری، آشور - اوبالایت^(۵) به هارران^(۶) پناهنده شد، به جائیکه تا سال ۶۱۰ ق.م. در آنجا ماند و سپس در سال ۶۰۵، پس از سقوط کارکمیش^(۷)، پادشاهی آشور با زندگی وداع گفت.

یک بار دیگر، یافته های باستانشناسی نقش ایفا کرده سیت ها و سایر ایلات چادر نشین در تخریب آشور و دیگر پادشاهی های قدیم شرقی را شهادت می دهند. در چندین نقطه از آسیای مقدم نوک پیکانهائی از ابریشم، دولبه یا سه لبه متفاوت از آنچه که معمولاً مورد استفاده و طبق نوع سیت می باشد یافت شده اند. وانگهی آنها همچنین می توانند به قشون ماد تعلق داشته باشند که همان تجهیزات جنگی را داشت که هم پیمانش؛ مادها مانند سیت ها تیراندازان مشهوری بودند. تعداد زیادی نوک پیکان از نوع سیت از محلهای قدیمی که مادها در آنجا جنگ کرده اند، یعنی آشور، نینوا، کالاله، جمع آوری شده اند و وضعیت یافته ها به خوبی نشان می دهند که آنها توسط مهاجمان پرتاب شده اند.

شرح مفصل تاریخ بابل که، ماه به ماه، وقایع سالهای ۶۰۸ تا ۶۰۵ ق.م. را نقل می کند،

1- Naboupalasar.

2- Madyes.

3- Protothyas.

4- Barbatua.

5- Ashour - Ouballit.

6- Harran.

7- Karkemish.

بطور عمده از آنچه که مربوط به شکست آشور است، یعنی یک لشکرکشی علیه اورارتو (بطور دقیق علیه مردم اوراشتو^(۱)) در سال ۶۰۹ ق.م. را ذکر می‌کند. اما متن در همین جا قطع می‌شود و ما عاقبت این لشکرکشی را نمی‌دانیم.

یک لوحه دیگر این گزارش تاریخی را با یادآوری وقایع سالهای ۶۰۸ تا ۶۰۵ ق.م. اشاره به لشکرکشی نابوپالاسار^(۲) در منطقه کوهستانی بیت هانونیا^(۳)، «یک ناحیه از سرزمین اورارتو» می‌کند. لشکرکشی بابلی‌ها علیه اورارتو شاید تا نواحی مرزی صورت گرفت. در هر حال پادشاهی اورارتو هنوز تا ابتدای قرن ششم ق.م. می‌زیسته و مروری از کتاب ژریمی^(۴) مورخ چهارمین سال سلطنت سِدسیاس^(۵) (۵۹۴ ق.م.) فرمان پیامبر را جهت اتحاد علیه بابل، مادها، اورارتوئی‌ها (آارات)، ماننائی‌ها (میننی^(۶)) و سیت‌ها (آسکیناز^(۷)) نقل قول می‌کند. باید متذکر شد که از این به بعد سیت‌ها با مردم دیگر آسیای مقدم متحد شدند. خزانه زیویه^(۸)، یافت شده در آذربایجان، کلکسیون مهمی از اشیاء را آشکار کرد که هنر ترکیبی گرد آمده از عناصر شرق قدیم و عناصر ویژه سیت‌ها می‌باشد. همان مقابر محتوی اشیاء آشوریهای قرن هشتم بود که توسط سیت‌ها در زمان تخریب شهر آشور ضبط شدند.

در قرن ششم است که پادشاهی اورارتو از بین رفت. نوک پیکانهای یافت شده در دیوارهای آجری خام تی شبائینی نشان می‌دهد که سیت‌ها، متحد قبلی اورارتوئی‌ها، در تخریب شهری شرکت کردند که قبلاً متحدش بودند و کمک به قبایل ماوراء قفقازی می‌کردند تا از اسارت تحمیلی اورارتو نجات پیدا کنند.

اشیاء اورارتوئی یافت شده در قبور مناطق کوهستانی قفقاز مسلماً از غارت تشکیلات اورارتوئی قفقاز جنوبی، مخصوصاً تی شبائینی، فراهم شده‌اند.

1- Ourashtou.

2- Naboupalasar.

3- Bit Hanounia.

4- Jérémie.

5- Sédécias.

6- Minni.

7- Askenaz.

8- Ziwiyé.

جای اورارتو توسط پادشاهی‌های جدید و فدراسیونهای جدید مردمانی گرفته شد که قبلاً بخشی از پادشاهی وان بودند. در کرانه غربی سرزمین اورارتو قبایل اطراف ارمنی‌ها جمع شدند. (در گذشته سالنامه‌های سلطنت ساردوری دوم اشاره به یک سرزمین شناخته شده تحت نام ارمه^(۱)، واقع در جنوب غربی دریاچه وان می‌کنند).

دریاچه وان، یعنی قلب اورارتو، شد کشور ماد و بعدها بخشی از پارس هخامنشی. شهر روسا خینیلی (توپراک‌کالا) دیگر چیزی جز یک مخروبه سوخته نبود، اما دژ کهن بر روی صخره به بقای خود ادامه داد، همانطور که کتیبه پایه، با اشاره به امور عمرانی توسط خشایار، از آن به ما آگاهی می‌دهد.

در قفقاز جنوبی، خرابه‌های تی‌شباینی بصورت کویری بر جای مانده‌اند، ولی زندگی در تأسیسات قدیمی اربونی، جائیکه حفاریها عمارات عصر هخامنشی را از زیر خاک خارج کرده‌اند، از سر گرفته شد.

ما بوسیله کتیبه‌های به خط میخی هخامنشی می‌دانیم که در اواسط قرن ششم ارمنی‌ها بخش وسیعی از سرزمین اورارتوئی را تصاحب کرده بودند. در لیست ایالات فتح شده توسط داریوش (۵۲۰ ق.م.)، سنگ نبشته‌های نقش رستم و بیستون، نام‌گذاری قدیم اورارتو را تحت شکل بابلی اوراشتو^(۲) حفظ می‌کنند؛ اما متون قدیمی پارسها و ایلامی‌ها آنرا با کلمه آرمینا^(۳) تعویض می‌کنند. بدینسان، منطقه‌ایکه پادشاهی وان بوده کم‌کم نام گروه سیاسی جدیدی را بخود گرفت که بخش بزرگی از سرزمینشان را در تصرف داشت گرفت.

سندی از زمان داریوش دوم برای آخرین بار اورارتو را ذکر می‌کند (۴۱۵ ق.م.)، و بی‌هیچ تردیدی بمناسبتی سرزمین آرمینا را تعیین میکند.

مورخین توجه بسیاری به سرنوشت مختص اورارتوئی پس از نابودی پادشاهی‌اشان مبذول داشته‌اند. مدتها فکر می‌شد که، تحت فشار ارمنی‌ها، آنها کشور خود را رها کرده

1- Armé.

2- Ourashtou.

3- Armina.

جدول تاریخ نگاری *

اورارتو	تاریخ	آشور
ارامه	۸۶۰	سلماناسر سوم (۸۶۰-۸۲۵)
	۸۵۸	
	۸۴۶	
ساردوری اول	۸۳۴	
ایشپواینی، پسر ساردوری	۸۲۴	شمسی - اداد (۸۲۵-۸۱۲)
		ملکه سام مورامات (۸۱۲-۸۰۳)
منوا، پسر ایشپواینی		داد - نیراری سوم (۸۱۲-۷۸۳)
		سلماناسر چهارم (۷۸۳-۷۷۳)
ارگیشتی، پسر منوا		آشور - دان سوم (۷۷۳-۷۵۴)
ساردوری، پسر ارگیشتی		آشور - نیراری چهارم (۷۵۴-۷۴۵)
	۷۴۳	تیگلات پیلسر سوم
	۷۳۵	(۷۴۵-۷۲۷)
روسا، پسر ساردوری	۷۱۴	سلماناسر پنجم

(وفات ۷۱۴)		(۷۲۷-۷۲۲) اورتو حناری
		سارگون
		(۷۲۲-۷۰۵)
ارگیشتی، پسر روسا		سن ناشریب
		(۷۰۵-۶۸۱)
روسا، پسر ارگیشتی		اسارهادون
		(۶۸۱-۶۶۸)
ساردوری، پسر روسا	۶۵۴	آشوربانی پال
(ساردوری، پسر ساردوری؟)	۶۳۹	
اریمنا		سقوط نینوا
روسا، پسر اریمنا		(۶۱۲)
(روسا، پسر روسا؟)		
سقوط اورارتو (۵۸۵)		

* تاریخ‌های ستون مرکزی مراجع را نسبت به پادشاهان اورارتو در سالنامه‌های آشوری طبقه‌بندی می‌کنند.

OURARTOU

BORIS. B. PIOTROVSKY



Translated by:
Rachid Bornak